

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



از دیدگاه قرآن

با همسر و فرزندان خود

چگونه سخن بگوییم؟

حسن مشکاتی

زینب فتاحی

سرشناسه	: مشکاتی، حسن، ۱۳۳۸ -
عنوان و نام پدیدآور	: از دیدگاه قرآن: با همسر و فرزندان خود چگونه سخن بگوییم؟/ حسن مشکاتی، زینب فتاحی .
مشخصات نشر	: اصفهان: معارف قرآن و عترت، ۱۳۹۷ .
مشخصات ظاهری	: ۱۳۶ ص.
شابک	: 978-600-97779-2-1:
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
عنوان دیگر	: با همسر و فرزندان خود چگونه سخن بگوییم؟ .
موضوع	: راه و رسم زندگی -- جنبه‌های قرآنی
موضوع	: Conduct of life -- Qur'anic teaching
موضوع	: راه و رسم زندگی (اسلام)
موضوع	: Conduct of life -- *Religious aspects -- Islam
موضوع	: گفتار -- جنبه‌های قرآنی
موضوع	: Speech -- Qur'anic teaching
موضوع	: تربیت خانوادگی -- جنبه‌های قرآنی
موضوع	: Domestic education -- Qur'anic teaching*
موضوع	: تربیت خانوادگی -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
موضوع	: Domestic education -- Religious aspects -- Islam*
شناسه افزوده	: فتاحی، زینب، ۱۳۶۱ تیر -
شناسه افزوده	: دانشگاه معارف قرآن و عترت اصفهان
رده بندی کنگره	: BP۱۰۴/۱۳۹۷، ۵م
رده بندی دیویی	: ۱۵۹/۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۲۵۳۲۹۲

## از دیدگاه قرآن با همسر و فرزندان خود چگونه سخن بگوییم؟

حسن مشکاتی، زینب فتاحی

: = = = = =



انتشارات دانشگاه معارف قرآن و عترت

مدیر چاپ: عبدالرسول ملک احمدی

تنظیم کننده و صفحه آرا: اکرم شادانی فر

طراح جلد: نفیسه میرفندرسکی

سال و نوبت چاپ: ۱۳۹۷/اول

تعداد صفحه: ۱۴۲

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

## فهرست مطالب

عنوان ..... صفحه

مقدمه..... ۱۱

### فصل اول: آشنایی با نظام خانواده

۱. چند دقیقه تفکر..... ۱۳

۲. بهترین راه شناخت خانواده..... ۱۳

۳. اهمیت خانواده از دیدگاه قرآن و روایات..... ۱۴

۴. خانواده جایگاه آرامش..... ۱۵

۵. ضرورت تشکیل خانواده..... ۱۵

۶. خانواده از دیدگاه جامعه شناسی..... ۱۶

۷. سنت همگانی..... ۱۸

۸. ازدواج از منظر اسلام..... ۱۸

۹. پیمانی محکم..... ۱۹

۱۰. آثار ازدواج..... ۱۹

### فصل دوم: نحوه گفتگو در خانواده

۱. ویژگی ممتاز انسان..... ۲۱

۱-۱. از صدای سخن دوست ندیدم خوشتر..... ۲۲

۱-۲. جز به زبان قرآن سخن نمی گوید!..... ۲۳

۲. تأثیر نوع گویش در خانواده..... ۲۵

۲-۱. پسر از پدر یاد می گیرد!..... ۲۶

۳. مفهوم تربیت..... ۲۶

۳-۱. بهترین هدیه به فرزند..... ۲۷

۳-۲. سیره پیامبر ﷺ..... ۲۸

۳-۳. آرزوی سقراط..... ۲۸

۴. تنظیم برنامه تربیتی..... ۲۸

از دیدگاه قرآن با همسر و فرزندان خود چگونه سخن بگوییم ؟

۵. تکریم شخصیت..... ۲۹
- ۵-۱. شیوه‌های تکریم شخصیت..... ۳۰
- ۵-۱-۱. روابط عاطفی..... ۳۰
- ۵-۱-۱-۱. اسه چیز محبت می آورد..... ۳۱
- ۵-۱-۱-۲. بیان محبت..... ۳۱
- ۵-۱-۱-۳. سیره پیامبر ﷺ..... ۳۲
- ۵-۱-۱-۴. فضیلت شاد کردن کودک..... ۳۲
- ۵-۱-۱-۵. تا آخرین لحظه محبت می کند..... ۳۳
- ۵-۱-۱-۶. خطاب عاطفی بین فرزندان..... ۳۳
- ۵-۱-۲. سلام کردن..... ۳۴
- ۵-۱-۳. تأیید..... ۳۵
- ۵-۱-۴. تغافل یا «چشم پوشی»..... ۳۵
- ۵-۱-۴-۱. تغافل پادشاه..... ۳۶
- ۵-۱-۵. آموزش صحیح..... ۳۷
- ۵-۲. سپردن مسئولیت..... ۳۷
- ۵-۳. با او مشورت کنیم..... ۳۸
- ۵-۴. آثار تکریم شخصیت..... ۳۹
- ۵-۵. دو سویه بودن تکریم شخصیت..... ۴۰
- ۵-۵-۱. بالهای تواضع را بگشا..... ۴۰
- ۵-۵-۲. بوسه بر پاهای والدین..... ۴۱
۶. تزئین کلام..... ۴۱
- ۶-۱. تعبیر مؤدبانه..... ۴۲
۷. نخستین مکان آموزش..... ۴۲
۸. ابراز محبت به همسر..... ۴۳
۹. تشکر و سپاس از همسر..... ۴۴

۱۰. خوبیها را بیان کنیم..... ۴۴
۱۱. دعای خیر در حق همدیگر..... ۴۵
- ۱۱-۱. برکت دعای مادر..... ۴۶
۱۲. رواج مثبت گویی..... ۴۶
۱۳. بیان انتقاد به روش صحیح..... ۴۷
۱۴. پرسش مؤدبانه..... ۴۸
۱۵. مجادله و مشاجره ممنوع..... ۴۹
۱۶. از این ادبیات استفاده نکنیم!..... ۴۹
- ۱۶-۱. از بیان معصومین علیهم السلام..... ۵۰
- ۱۶-۲. عاقبت خوار شمردن..... ۵۱
۱۷. لعن و نفرین نکنیم..... ۵۲
۱۸. رعایت عفت کلام..... ۵۲
۱۹. آموزش نحوه بیان به طور مستقیم..... ۵۴
۲۰. در پرده سخن گوی..... ۵۴
۲۱. برجسب نزنیم..... ۵۵
۲۲. پیشگیری قبل از درمان..... ۵۵
۲۳. روش تشویق..... ۵۶
- ۲۳-۱. شیوه‌های مختلف تشویق..... ۵۷
- ۲۳-۲. اثرات تشویق..... ۵۸
۲۴. روش ترغیب..... ۵۸
- ۲۴-۱. شیوه‌های ترغیب..... ۵۹
- ۲۴-۱-۱. وعده دادن..... ۵۹
- ۲۴-۱-۲. بشارت دادن..... ۶۰
- ۲۴-۱-۳. بیان محبت نسبت به عمل..... ۶۱
- ۲۴-۲. با چه بیانی ترغیب کنیم؟..... ۶۱

- ۶۳ ..... ۲۵. ایجاد جو حسن و قبح.....
- ۶۳ ..... ۲۵-۱. نحوه گفتگو چگونه باشد؟.....
- ۶۴ ..... ۲۵-۲. با او قهر کن.....
- ۶۵ ..... ۲۶. انتخاب الگوی مناسب.....
- ۶۶ ..... ۲۶-۱. از داستان کمک بگیریم.....
- ۶۶ ..... ۲۶-۲. ویژگی داستانهای قرآن.....
- ۶۷ ..... ۲۶-۳. دوران مدرسه.....
- ۶۸ ..... ۲۶-۳-۱. از خدا جوییم توفیق ادب.....
- ۶۸ ..... ۲۶-۴. دوران نوجوانی.....
- ۶۸ ..... ۲۶-۴-۱. معرفی الگوهای واقعی.....
- ۶۹ ..... ۲۶-۵. تأثیر الگو برداری.....
- ۷۰ ..... ۲۷. روش تلقین.....
- ۷۱ ..... ۲۷-۱. نمونه‌هایی از تلقین به کودک.....
- ۷۲ ..... ۲۷-۲. آموزش اذکار معنوی.....
- ۷۳ ..... ۲۷-۳. تلقین منفی نکنیم.....
- ۷۳ ..... ۲۷-۳. کلام بزرگان.....
- ۷۴ ..... ۲۸. آموزش عبادات دینی.....
- ۷۴ ..... ۲۸-۱. روش آموزش نماز.....
- ۷۵ ..... ۲۸-۲. از منظر روایات.....
- ۷۵ ..... ۲۸-۳. آموزش رسمی نماز.....
- ۷۶ ..... ۲۸-۴. فلسفه نماز را بیان کنیم.....
- ۷۶ ..... ۲۸-۵. سن آموزش روزه.....
- ۷۷ ..... ۲۸-۶. تأثیرات روزه.....
- ۷۸ ..... ۲۹. موعظه حسنه.....
- ۷۹ ..... ۲۹-۱. موعظه به کودکان.....



- ۲۹-۲. آموزش آداب معاشرت..... ۷۹
- ۲۹-۳. شیوه‌های موعظه به نوجوانان..... ۸۰
- ۲۹-۳-۱. ایجاد سؤال به جای نهی مستقیم..... ۸۰
- ۲۹-۳-۱-۱. برخورد امام با فرزندش..... ۸۱
- ۲۹-۳-۱-۲. موعظه پیامبر به جوان گنهگار..... ۸۱
- ۲۹-۳-۲. عموم را مخاطب قرار دهیم..... ۸۲
- ۲۹-۳-۳. «غیر مستقیم» سخن بگوییم!..... ۸۲
- ۲۹-۳-۴. به جای امر و نهی از مطلبی خبر دهیم..... ۸۳
۳۰. روش یاد آوری و تذکر..... ۸۴
- ۳۰-۱. نمونه‌ای از قرآن..... ۸۵
۳۱. عبرت آموزی..... ۸۵
- ۳۱-۱. عبرت در نگاه قرآن..... ۸۶
- ۳۱-۲. از تاریخ عبرت بگیرید!..... ۸۷
- ۳۱-۳. داستانی عبرت آموز..... ۸۷
۳۲. آشنایی با مسائل اعتقادی..... ۸۷
- ۳۲-۱. نمونه‌هایی از بینشهای قرآن..... ۸۸
- ۳۲-۱-۱. بینش نسبت به خدا..... ۸۸
- ۳۲-۱-۱-۱. از زبان قرآن بشنویم..... ۸۸
- ۳۲-۱-۲. نان و نمک خدا..... ۸۹
- ۳۲-۱-۲. حقیقت انسان..... ۹۰
- ۳۲-۱-۳. حقیقت مرگ و جهان پس از آن..... ۹۰
- ۳۲-۱-۳-۱. یاد مرگ..... ۹۱
- ۳۲-۱-۴. بینش در مورد تاریخ انسان..... ۹۱
- ۳۲-۱-۵. بینش نسبت به دنیا..... ۹۲
- ۳۲-۱-۵-۱. از زبان قرآن و روایات..... ۹۳

۳۳. دعوت به ایمان ..... ۹۳
- ۳۳-۱. دعوت قرآن ..... ۹۴
- ۳۳-۱-۱. از خود آغاز می کند ..... ۹۴
- ۳۳-۲. دوران شک و تردید ..... ۹۵
- ۳۳-۱-۲. دعوت با بیان استدلال ..... ۹۵
۳۴. شیوه مقایسه ..... ۹۶
- ۳۴-۱. مقایسه کفر و ایمان ..... ۹۷
۳۵. تربیت عقل و اندیشه ..... ۹۷
- ۳۵-۱. آدمی را عقل می باید نه زر ..... ۹۸
- ۳۵-۲. پرورش نیروی فکری نوجوان ..... ۹۹
- ۳۵-۳. سیره معصومین علیهم السلام ..... ۹۹
۳۶. روش انذار ( ترساندن) ..... ۱۰۰
- ۳۶-۱. هشدار امام هادی علیه السلام ..... ۱۰۱
- ۳۶-۲. روش تربیتی انبیاء الهی ..... ۱۰۱
۳۷. تحریک ایمان ..... ۱۰۲
- ۳۷-۱. وعده امام صادق علیه السلام ..... ۱۰۲
۳۸. روش ابتلا ..... ۱۰۳
۳۹. محاسبه نفس ..... ۱۰۴
- ۳۹-۱. جریمه در صورت تکرار گناه! ..... ۱۰۴
۴۰. روش تزکیه ..... ۱۰۵
- ۴۰-۱. درمان طغیانهای روحی ..... ۱۰۵
- ۴۰-۲. شکل خواسته های دل ..... ۱۰۶
۴۱. روش توبه ..... ۱۰۷
- ۴۱-۱. غفلت از صاحب اختیار ..... ۱۰۷
- ۴۱-۲. برخورد یوسف با برادرانش ..... ۱۰۸

- ۱۰۸..... ۳-۴۱. عذر پذیر باشیم.....
- ۱۰۹..... ۴-۴۱. محبوبیت جوان توبه کننده.....
- ۱۱۰..... ۴۲. روش کشف و شهود.....
- ۱۱۰..... ۱-۴۲. چشم دل باز کن که جان بینی.....
- ۱۱۱..... ۴۳. روش تنبیه.....
- ۱۱۱..... ۱-۴۳. شیوه‌های مختلف تنبیه.....
- ۱۱۱..... ۱-۴۳. رویگردانی و اعراض.....
- ۱۱۲..... ۲-۴۳. ملامت و سرزنش.....
- ۱۱۳..... ۳-۴۳. مجازات.....
- ۱۱۳..... ۴۴. هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد.....

### فصل سوم: راهکارهای چگونه سخن گفتن

- ۱۱۵..... ۱. خلاصه مطالب.....
- ۱۱۷..... ۲. راهکارهای عملی در تعاملات زوجین.....
- ۱۱۸..... ۳. راهکارهای عملی در تعاملات با فرزندان.....
- ۱۱۸..... ۱-۳. راهکارهای عملی برای سنین زیر هفت سال.....
- ۱۱۸..... ۱-۳. راهکارهای عملی در تربیت بعد عاطفی.....
- ۱۱۹..... ۲-۳. راهکارهای عملی در روابط خانوادگی.....
- ۱۲۰..... ۳-۳. راهکارهای عملی در تربیت اعتقادی.....
- ۱۲۰..... ۴-۳. راهکارهای عملی در تربیت اجتماعی.....
- ۱۲۰..... ۵-۳. راهکارهای عملی در اهداف تربیتی.....
- ۱۲۲..... ۲-۳. راهکارهای عملی برای تربیت سنین هفت تا چهارده سال.....
- ۱۲۲..... ۱-۲-۳. راهکارهای عملی در تربیت اخلاقی.....
- ۱۲۳..... ۲-۲-۳. راهکارهای عملی در تربیت اعتقادی- عبادی.....
- ۱۲۴..... ۳-۲-۳. راهکارهای عملی در تربیت اجتماعی.....
- ۱۲۴..... ۴-۲-۳. راهکارهای عملی در تربیت عقلی.....

- ۳-۳. راهکارهای عملی در دوره نوجوانی..... ۱۲۴
- ۳-۳-۱ راهکارهای عملی در تربیت اخلاقی..... ۱۲۵
۴. بایدها و نبایدهای گفتگو:..... ۱۲۶
۵. پیشنهادات و راهکارهای عملی به نهادهای مختلف..... ۱۲۸
- ۵-۱. پیشنهادات و راهکارهای عملی به نظام آموزش و پرورش..... ۱۲۸
- ۵-۲. پیشنهادات و راهکارهای عملی به صدا و سیما..... ۱۲۹
- ۵-۳. طرحها و پیشنهاداتی به دیگر نهادها..... ۱۳۱
- فهرست منابع..... ۱۳۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قال رسول الله ﷺ:

انى تارك فيكم الثقلين، كتاب الله وعترتي، ما ان تمسكتم بهما لن تضلوا ابدا

### سخن ناشر

**دانشگاه معارف قرآن و عترت اصفهان**، در راستای هدف محوری خود (تریت نیروی کارآمد برای تبلیغ دین) و برای تحقق رهنمود اعلام شده از طرف رهبر فرزانه انقلاب مبنی بر فراهم کردن زمینه نقش آفرینی اساتید و دانشجویان دانشگاه در جامعه جهانی، اقدام به تأسیس انتشارات نموده است.

**انتشارات دانشگاه معارف قرآن و عترت** به منظور تأمین نیازهای علمی مخاطبان در سطوح مختلف، منشورات خود را در سه سطح «کتاب پژوهشی»، «کتاب درسی» و «کتاب عمومی» در حوزه علوم انسانی و اسلامی منتشر می کند.

مجموعه کتابهای سطح یک (کتاب پژوهشی) آثار فاخر علمی پژوهشی هستند که مخاطب آن اساتید و متخصصان در حوزه یاد شده می باشند. منابع درسی یا کمک درسی مورد نیاز دانشجویان در رشته های علوم انسانی و اسلامی، تحت عنوان مجموعه کتابهای سطح دو (کتاب درسی) منتشر می شوند. مجموعه کتابهای سطح سه (کتاب عمومی) به آثاری گفته می شود که با هدف ترویج علم و برای مخاطب عمومی منتشر می گردند.

انتشارات دانشگاه معارف قرآن و عترت با تقدیر از مؤلف محترم و تمام عزیزانی که در تولید این اثر همکاری کرده اند، این «کتاب عمومی» را به جویندگان فرهنگ و اندیشه ناب اسلامی تقدیم می کند.

### انتشارات

**دانشگاه معارف قرآن و عترت اصفهان**



## مقدمه

بخش مهمی از تربیت فرزند در خانواده، تربیت گفتاری است. والدین به عنوان اولین الگوی فرد، شاخص و معیارهای نحوه گفتگو را در اختیار فرزند خود قرار می‌دهند. تعاملات والدین، نوع گویش و لحن صحبت آنها با یکدیگر بر نوع گویش فرزند تأثیر گذاشته و به طور مستقیم یا غیر مستقیم به وی آموزش می‌دهند. استفاده از گویش مطلوب و مثبت توسط والدین همراه با احترام و تکریم و به دور از تحقیر و توهین یکدیگر، علاوه بر اینکه در تحکیم خانواده مؤثر بوده و فضای خانواده را صمیمی و شاد می‌کند، فرزندان را نیز در معرض تعاملات صحیح قرار می‌دهد. همچنین آموزش گویش صحیح به فرزندان، به آنها در روابط اجتماعی و تعاملات موفق در برخورد با افراد جامعه نیز کمک می‌کند.

آنچه امروز به عنوان معجزه پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و با نام قرآن در دسترس ماست، در قالب کتاب نازل گردیده و از مقوله سخن است. عرصه بیان و الفاظ و عبارات، از بارزترین و برترین عرصه‌های تجلی هنر است و خداوند که هنرمندترین هنروان است، به طور قطع بهترین الگوی گویش را در ارتباط با مخاطبین خود به کار

می‌گیرد. کتاب حاضر که برگرفته از پایان‌نامه ارشد<sup>۱</sup> اینجانب می‌باشد، با هدف آشنایی با این نوع ادبیات و الگوی گویش و کاربرد آن در عرصه خانواده و تربیت فرزندان تدوین شده است. امید است با بهره‌مندی از قرآن کریم - این کتاب زندگی - در تربیت و ساخت فرد و جامعه و حکومت گامی اندک برداشته شود.



---

۱. عنوان پایان‌نامه: کاربرد ادبیات و خطابات قرآن در نظام رفتاری خانواده، استاد راهنما: جناب دکتر حسن مشکاتی، استاد مشاور: جناب استاد جمال جمالی، دانشگاه معارف قرآن و عترت ع



## فصل اول:

# آشنایی با نظام خانواده

### ۱. چند دقیقه تفکر

همه ما ممکن است با این سوال مواجه شویم که با توجه به اهمیت ویژه‌ای که اسلام به کانون مقدس خانواده دارد، چرا در جامعه امروزی بسیاری از خانواده‌ها با مشکلات زیادی چون فساد، اعتیاد، انواع طلاق از جمله طلاق عاطفی و ... دست و پنجه نرم می‌کنند؟ متأسفانه دادگاه‌های خانواده هر روز شاهد مراجعات بسیاری از این قییل موارد می‌باشند. علت اختلافات و مشاجرات در برخی خانواده‌ها حتی با وجود امکانات رفاهی چیست؟ چرا آمار طلاق روز به روز در حال افزایش است؟ و چرا بسیاری از ازدواجها در همان سالهای اولیه زندگی منجر به طلاق می‌شود؟ یکی از مهمترین علل این مسائل را می‌توان عدم برداشت صحیح و طرز تلقی مطلوب از نهاد مقدس و زیربنایی و حساس خانواده دانست. دانش و آگاهی ناکافی و بعضاً غیر صحیح - به خصوص در نسل جوان - در مورد اهمیت، اهداف و ضرورت تشکیل خانواده می‌تواند باعث بروز مشکلات عدیده‌ای شود.

### ۲. بهترین راه شناخت خانواده

در مورد این نهاد مقدس، مطالعات و تحقیقات فراوانی انجام شده و صدها کتاب و مقاله نگاشته شده است. برای شناخت بهتر خانواده، باید به سراغ احسن الخالقین رفت؛

همان آفریدگار جهان هستی که بنای آن را مقدمه آفرینش انسان قرار داده و به همه نیازهای او واقف و آگاه است. مروری بردیدگاه قرآن و روایات نسبت به خانواده، ما را به شناخت صحیح و بهتر این نهاد مقدس یاری می‌رساند، امید است که با دقت در بیان قرآن و ائمه اطهار علیهم‌السلام برداشتی مطلوب و اساسی نسبت به خانواده به دست آوریم. این نگاه صحیح می‌تواند در نوع انتخاب همسر، چگونگی برنامه ریزی برای خانواده، نوع تعاملات همسران و نیز والدین و ... عاملی مبنایی و سرنوشت ساز باشد.

### ۳. اهمیت خانواده از دیدگاه قرآن و روایات

از نظر قرآن، انسانها طوری آفریده شده‌اند که جفت خواهی به سرشت و آفرینش آنها بر می‌گردد: "وَخَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا: <sup>۱</sup> و شما را به صورت زوجها آفریدیم". اصولاً خلقت انسانها جفت جفت است و زن و مرد بر حسب فطرت خود، در پی یافتن جفت خود تلاش می‌کنند و هر کدام با تاکتیک مخصوص خود، این وظیفه فطری را انجام می‌دهند. تشکیل خانواده معلول این است که هر کدام از دو عنصر مرد و زن تا یکدیگر را نجویند و نخواهند، با یکدیگر نیامیزند و به تعاون و همکاری یکدیگر تن ندهند، ناقصند. اگر چه در میان حیوانات نیز جفت خواهی وجود دارد، اما در مورد آنها صحبت از اینکه جفت‌ها وسیله سکون و آرامش یکدیگرند و در میان آنها مودت و رحمت قرار داده شده است، وجود ندارد.<sup>۲</sup>

۱. سوره مبارکه نبأ / آیه ۸. [در ترجمه آیات، از ترجمه آیت الله مکارم شیرازی استفاده شده است.]

۲. بهشتی، احمد، خانواده در قرآن، صص ۳۳-۳۹، قم، مرکز انتشارات حوزه علمیه، چاپ دوم، ۱۳۷۷



## ۴. خانواده جایگاه آرامش

قرآن زوجها را مایه آرامش و سکون یکدیگر معرفی می کند: "وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً" <sup>۱</sup> واز نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میانتان مودت و رحمت قرار داد...". این آرامش هم از نظر جسمی است هم از نظر روحی. در معنای مودت و رحمت گفته شده است: مودت، محبتی است که در عمل اثرش ظاهر شده و رحمت، نوعی تأثیر نفسانی است که از دیدن محرومیت محرومی که ناقص است، در دل ایجاد می شود تا او را از محرومیت نجات دهد. <sup>۲</sup> زن و شوهر در سایه مودت و رحمت به همدیگر خدمت کرده و گاهی لازم است در این راه از خود گذشتگی و ایثار داشته باشند.

در احوالات آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری (مؤسس حوزه علمیه قم) آمده است که ایشان مدت‌ها همسر خود را که نابینا بود به دوش می گرفتند و برای رفع نیازمندی‌هایش او را از پله‌های اتاقی که در منزلشان بوده بالا و پایین می بردند، بدون اینکه کسی از این موضوع باخبر باشد. <sup>۳</sup>

## ۵. ضرورت تشکیل خانواده

در اهمیت ازدواج از نظر اسلام، آیات و روایات بسیاری وجود دارد. رسول خدا ﷺ در فضیلت ازدواج می فرماید: «مَا بُنِيَ بِنَاءٌ فِي الْإِسْلَامِ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مِنَ التَّزْوِيجِ» <sup>۴</sup>

۱. سوره مبارکه روم/ آیه ۲۱

۲. طباطبائی، محمد حسین، *المیزان*، ج ۱۶، ص ۲۵۰، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه

۳. رحمتی، محمد، *گنجینه معارف*، ج ۲، ص ۸۹۳، قم، انتشارات صبح پیروزی، چاپ ششم

۴. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، محقق و مصحح: مؤسسه آل البيت، ج ۲۰، ص ۱۴، قم، مؤسسه آل البيت

هیچ بنایی در اسلام به اندازه امر ازدواج نزد خداوند محبوب نمی باشد. همچنین ایشان در مذمت ترک ازدواج می فرماید: «الْكَاحُ سُنَّتِي فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي: 'ازدواج سنت من است و هر کس از آن بگریزد از من نیست.»

بانویی به خدمت امام صادق علیه السلام رسید و عرض کرد: می خواهم با ترک ازدواج (چشم پوشی از لذت های مادی) به کمال برسم. امام فرمود: برو از این روش دست بردار! اگر ترک ازدواج برای انسان کمال بود، حضرت زهرا علیها السلام سزاوارتر از تو بود که به خاطر فضل و کمال ازدواج نکند، زیرا هیچ کس در تحصیل کمال از بانوی دو عالم پیشی نگرفته است.<sup>۲</sup>

## ۶. خانواده از دیدگاه جامعه شناسی

جامعه شناسی از علومی است که می تواند در بهبود وضعیت زندگی فرد و جامعه تأثیر گذار باشد، از این رو برای تعریف خانواده به سراغ جامعه شناسان می رویم. صاحب نظران علوم اجتماعی دیدگاه های متفاوتی درباره این نهاد با ارزش جامعه داشته اند،<sup>۳</sup> اما در جامعترین دیدگاه، خانواده یک گروه خویشاوندی است که در اجتماعی کردن فرزندان و برآوردن برخی از نیازهای بنیادی دیگر، مسئولیت اصلی را به عهده دارد. این نهاد، مرکب از گروهی افراد است که از طریق خون، ازدواج یا

۱. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار (ط بیروت)، ج ۱۰۰، ص ۲۲۰، محقق/ مصحح: جمعی از محققان، ناشر: دار

إحياء التراث الربی، بیروت، ۱۴۰۳ ق

۲. رحمتی، محمد، گنجینه معارف، ج ۱، ص ۷۴

۳. لوی: واحد اجتماعی که بر اساس ازدواج پدید می آید. دیوس: خانواده متشکل از گروهی از اشخاص که روابطشان با یکدیگر بر پایه خویشاوندی هم خونی استوار است. مک آیور: گروهی با روابط جنسی پایا و مشخص، که به تولید مثل و پرورش فرزندان منتهی می شود. مورداک: گروهی اجتماعی با اقامتگاه مشترک، همکاری اقتصادی و تولید مثل. برگس و لاک: اتحاد گروهی از اشخاص به واسطه روابط زناشویی، خونی یا فرزند خواندگی با یکدیگر و تشکیل یک خانواده واحد و ارتباط متقابل در قالب نقشهای اجتماعی خاص شوهر و زن، پدر و مادر، برادر و خواهر که باعث به وجود آمدن خرده فرهنگ مشترک می شود. (بستان و همکاران، حسین، اسلام و جامعه شناسی خانواده، ص ۵۴)



فرزند خواندگی به یکدیگر مربوط و منسوب بوده برای مدتی طولانی و نامشخص با هم زندگی می‌کنند.<sup>۱</sup> اصلی‌ترین و کوچکترین نهاد اجتماعی (یعنی خانواده) از یک مرد و یک زن و فرزند یا فرزندان<sup>۲</sup> تشکیل شده است و در گسترده‌ترین معنای خود، اشاره بر اقوام و خویشاوندانی دارد که با هم زندگی می‌کنند و یک واحد اجتماعی را تشکیل می‌دهند. اهمیت این نهاد از این جهت است که نقش بازتولید و جامعه‌پذیری<sup>۳</sup> اعضای جامعه را بر عهده دارد و در همه جوامع دیده می‌شود.<sup>۴</sup>

---

۱. کوئن، بروس، *مبانی جامع‌شناسی*، ترجمه و اقتباس دکتر غلامعباس توسلی-دکتر رضا فاضل، ص ۱۶۹، قم، چاپ بیست و چهارم، ۱۳۹۱، چاپ گلها

۲. کودکانی که به فرزندی خانواده پذیرفته شده‌اند نیز شامل این واحد اجتماعی می‌شوند.

۳. فرایندی که از راه آن افراد، نگرشها، ارزشها و کنشهای مناسب هر فرد به عنوان عضوی از یک فرهنگ خاص را می‌آموزند، جامعه‌پذیری نام دارد. به عبارتی دیگر جامعه‌پذیری از ابزارهای اصلی است که جامعه توسط آن، فرهنگ خود را از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌کند. در این فرایند جوامع و گروههای اجتماعی به اعضای خود آموزش می‌دهند تا بر اساس ارزشها و هنجارهای مورد قبول جامعه یا گروه عمل کنند. جامعه‌پذیری خود را در دو شکل اصلی متجلی می‌کند: ۱. جامعه‌پذیری نخستین که از دوران کودکی آغاز می‌شود و مهمترین بخش جامعه‌پذیری فرد به شمار می‌آید. این نوع جامعه‌پذیری از خانواده آغاز می‌شود، زیرا بیشترین زمان کودکی آنجا سپری می‌شود. از نظر اسلام تربیت در محیط خانواده به لحاظ استعدادهای طبیعی و روانی والدین و احساس تعهد آنان در قبال فرزندان و نیز به لحاظ دیگرکارکردهای مثبت فردی و اجتماعی خانواده، بر شیوه‌های دیگر جامعه‌پذیری کودکان اولویت دارد، ولی این به معنای نفی مطلق آن شیوه‌ها نیست. ۲. جامعه‌پذیری دومین معمولاً زمانی آغاز می‌شود که فرد بالغ، آماده ایفای نقش جدیدی باشد یا پایگاه اجتماعی جدیدی را اشغال کند. (عضدانلو، حمید، *آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی*، ص ۲۷۲، تهران، نشر نی، چاپ اول، ۱۳۸۴)

۴. همان

## ۷. سنت همگانی

تقریباً در تمام نقاط جهان، خانواده از طریق ازدواج شکل می‌گیرد.<sup>۱</sup> با ازدواج، ارتباطی رسمی و قانونی میان زن و مرد به وجود می‌آید. این ارتباط شامل برقراری ارتباط جنسی بر اساس هنجارهای تأیید شده اجتماع، بارداری و به دنیا آوردن بچه می‌شود که اکثر مردم به آن تن می‌دهند. در حقیقت این نگرشی فرهنگی است که ازدواج مناسبترین راه برای تولید مثل است. ازدواج یک هنجار پیچیده اجتماعی است که مجوز برقراری نوعی ارتباط را به زن و مرد می‌دهد و آنها را متعهد می‌کند تا برای حفظ سیستم زندگی خانوادگی، به حقوق یکدیگر بر اساس هنجارها و قوانین جامعه خود احترام بگذارند.<sup>۲</sup>

## ۸. ازدواج از منظر اسلام

تعاریف متعددی برای واژه ازدواج ارائه شده است. از منظر شیعه، ازدواج قراردادی مشروع است که دو فرد ناهمجنس و معمولاً بالغ را به هم پیوند می‌دهد و برقراری ارتباط جنسی دائمی یا موقت را میان آنها مجاز می‌گرداند.<sup>۳</sup>

---

۱. نوع دیگری از تشکیل خانواده براساس همخونی است. خانواده همخون مرکب است از خویشان نسبی چند نسل متشکل شده و در آن خویشاوندی، یا از طریق اصل و نسب مادر و یا از طریق اصل و نسب پدر می‌باشد که صورت اول را مادرتباری و صورت دوم را پدرتباری می‌خوانند. در خانواده‌های همخون، روابط فوق عمدتاً مبنای سازمان خانواده را تشکیل می‌دهند. مکان زندگی در چنین خانواده‌ای زن و شوهر یا در خانواده زن یا در خانواده شوهر می‌باشد که شکل نخست مادربومی و شکل دوم خانواده پدربومی می‌باشد. در همان حال که خانواده همخون، تداوم و استمرار خود را نسل به نسل حفظ می‌کند، با هر ازدواجی یک خانواده جدید زن و شوهری تشکیل می‌شود. (روسک، جوزف-وارن، رولند، *مقدمه ای بر جامعه شناسی*، ترجمه دکتر بهروز نبوی-احمد کریمی، صص ۱۵۴-۱۵۶، تهران، کتابخانه فروردین، چاپ سوم، بهار ۶۹)

۲. عضدانلو، حمید، *آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه شناسی*، ص ۳۶۲

۳. ر.ک. بستان، حسین، *اسلام و جامعه شناسی خانواده*، صص ۱۸-۱۷: ازدواج پیوند جنسی از نظر اجتماعی به رسمیت شناخته شده و پسندیده بین دو فرد بزرگسال می‌باشد. / ازدواج واحدی شناخته شده به لحاظ اجتماعی و بعضاً به لحاظ قانونی تأیید شده که از یک مرد و یک زن تشکیل می‌گردد/ فرایندی است که از کنش متقابل بین یک مرد و یک زن به وجود آمده که برخی شرایط قانونی را تحقق بخشیده‌اند و مراسمی برای برگزاری زناشویی خود بر پا داشته‌اند و به طور کلی عمل آنها مورد پذیرش قانون قرار



## ۹. پیمانی محکم

قرآن از ازدواج به عنوان پیوند محکم یاد می‌کند: "...وَأَخَذَنَّا مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا: ۱... و آنها (هنگام ازدواج) از شما پیمان محکم گرفته‌اند." زن و شوهر هنگام عقد ازدواج، تعهداتی نسبت به یکدیگر می‌دهند مبنی بر اینکه به طور مطلوب و شایسته با هم زندگی کنند و در صورتی که بخواهند از هم جدا شوند، باید با احسان و نیکی باشد. اسلام ازدواج را به عنوان یک پیوند مقدس می‌داند و به تمام وظایف و مسئولیتهای فرد در خانواده رنگ و بوی معنوی می‌دهد تا بدین وسیله، زمینه تکامل انسانی را فراهم آورد.

## ۱۰. آثار ازدواج

تشکیل خانواده آثار گسترده‌ای بر روی ابعاد مختلف فرد می‌گذارد که مهمترین آنها عبارتند از:

۱. ارضای نیاز جنسی: تعالیم اسلام بر طبق طبیعت انسان است و به همه نیازهای جسمانی و روانی انسانها توجه دارد. در قرآن بر دوستی روابط جنسی و زینت آن برای زندگی تصریح شده است.<sup>۲</sup> دوستی زنان در میان انبیاء نیز مورد تأکید قرار گرفته است، به

گرفته و بدان ازدواج اطلاق شده است. / ازدواج یک معامله است و موجب قراردادی می‌شود که در آن یک شخص یک ادعای همیشگی را نسبت به حق دسترسی جنسی به یک زن ایجاد می‌کند. این حق بر حقوق دستیابی جنسی‌ای که دیگران اکنون دارند مقدم است. (بروس کوئن، *مبانی جامعه‌شناسی*، ص ۱۷۰): تنوع فرهنگها باعث به وجود آمدن تنوع در ساخت خانواده می‌شود: تک همسری که شایع‌ترین صورت زناشویی می‌باشد، عبارت است از ازدواج یک زن با یک مرد. چند همسری ازدواج یک شخص اعم از زن یا مرد، با بیش از یک همسر است. چند شوهری، نوعی چند همسری است که ازدواج یک زن با بیش از یک مرد را مشخص می‌کند و در چند زنی که آن هم یکی از صورتهای چند همسری است، یک مرد با بیش از یک زن ازدواج می‌کند. در اسلام چند شوهری ممنوع است و چند زنی نیز تحت شرایطی جایز می‌باشد: (ر.ک: سوره نساء / آیه ۳)

۱. سوره مبارکه نساء / آیه ۲۱

۲. سوره مبارکه آل عمران، آیه ۱۴: "زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ...: محبت امور مادی، از زنان و فرزندان و... در نظر مردم جلوه داده شده است...!"

گونه‌ای که پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: از دنیای شما عطر و زنان را دوست دارم.<sup>۱</sup> یکی از ابعاد مهم زندگی انسان، لذت جویی است که می‌توان اوج آن را در روابط جنسی دانست. اسلام به این روابط با دید مثبت نگاه می‌کند و این رفتار مشترک بین انسان و حیوان را رنگ عبادی و معنوی می‌دهد.

۲. آرامش روانی و فکری که آن را می‌توان مهمترین تأثیر ازدواج بر افراد دانست، زیرا در میان انسانها نزدیک‌ترین رابطه عاطفی بین زن و شوهر برقرار می‌شود.

دلآرام باشد زن نیکخواه  
ولیکن زن بد، خدایا پناه سعدی

گویند واعظی بر بالای منبری گفت: مردانی که از زنانشان راضی‌اند بنشینند و آنهایی که ناراضی‌اند برخیزند. همه به جز یک نفر برخاستند. واعظ گفت: گویا در این جمع تنها تو از زن خویش راضی هستی! آن شخص گفت: خیر. چون زخم پایم را شکسته، نمی‌توانم برخیزم!<sup>۲</sup>

۳. رشد و تکامل شخصیت: از نظر اسلام، یکی از آثار مهم ازدواج، رشد شخصیت و کمال معنوی زن و مرد است. در بعد معنوی، اولیای دین تصریح کرده‌اند که فرد با ازدواج نیمی از دین خود را کامل می‌کند و ارزش اعمال عبادی او چندین برابر افراد مجرد است.<sup>۳</sup> از سوی دیگر فرد متأهل، اخلاق و عفت خود را بهتر حفظ خواهد کرد. همین امر موجب رشد شخصیت و عزت نفس می‌شود.

۴. از دیگر آثار ازدواج، استمرار نسل انسانی و پرورش افراد برای آینده جوامع است.<sup>۴</sup>

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، *الخصال*، ترجمه: علی اکبر غفاری، ج ۱، ص ۱۶۵، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ش

۲. رحمتی، محمد، *گنجینه معارف*، ج ۱، ص ۷۷۴

۳. شیخ حر عاملی، *وسائل الشیعه*، ج ۲۰، ص ۱۸۱۷

۴. اگر چه ممکن است عواملی چون رفع نیاز جنسی، مال، جمال و یا قدرت در تشکیل خانواده نقش داشته باشند اما هیچ کدام از عوامل اصلی نیستند. این عوامل به خودی خود امری جسمانی و بدنی هستند اما در این میان، نباید آمیزش روحها و نیازهای روانی زن و مرد از نظر محو گردد. (سالاری فر، محمد رضا، *درآمدی بر نظام خانواده در اسلام*، صص ۲۳-۳۴، مرکز نشر هاجر، چاپ اول، بهار ۸۵)



## فصل دوم:

### نحوه گفتگو در خانواده

#### ۱. ویژگی ممتاز انسان

یکی از ویژگی‌های انسان که او را از دیگر موجودات متمایز می‌کند نطق و بیان است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «الرَّحْمَانُ» (۱) «عَلَّمَ الْقُرْآنَ» (۲) «خَلَقَ الْإِنْسَانَ» (۳) «عَلَّمَهُ الْبَيَانَ» (۴):<sup>۱</sup> خدای رحمان قرآن را تعلیم فرمود. انسان را آفرید و به او بیان را آموخت.<sup>۲</sup> در تفسیر آیه آمده است: بیان به معنای آشکار کردن چیزی و پرده برداشتن از آن است و منظور از بیان در اینجا، کلامی است که از آنچه در نهان انسان است پرده برمی‌دارد و این از بزرگترین نعمتهای الهی است و تعلیم این بیان نیز، از بزرگترین عنایات خدا به انسان‌هاست.<sup>۲</sup>

آری انسان به وسیله بیان، با دیگران ارتباط برقرار کرده و اسرار درون خود را آشکار کرده و مفهوم خود را می‌رساند. آیا سزاوار نیست که جانشین خدا در زمین از بهترین نوع گویش برخوردار باشد؟ استفاده از بیان و گویش صحیح در خانواده، ضمن اینکه به بهبود روابط در تعاملات بین همسران، همچنین والدین و فرزندان کمک شایانی می‌کند،

۱. سوره مبارکه الرحمن / آیات ۴ تا ۴۱

۲. طباطبائی، محمد حسین، *المیزان*، جلد ۱۹، صفحه ۱۵۷؛ مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص ۹۹

راهگشای بسیاری از مشکلات خانواده‌ها و نیز باعث جلوگیری از بروز اختلافات خانوادگی می‌شود.

## ۱-۱. از صدای سخن دوست ندیدم خوشتر

به راستی بهترین نوع گویش کدام است؟ آیا جز این نیست که کلام الهی بهترین شیوه را در ارتباط با مخاطبانش و تربیت آنها به کار برده است؟ قرآن کریم در بیان خویش (که شامل ادبیات و خطابات قرآنی می‌باشد)<sup>۱</sup> سبکی متفاوت را برگزیده و به این جهت قابل بررسی است که از ساحت الهی صادر شده و ذات مقدسش از هر عیبی منزّه است، تا جایی که این کتاب بی‌نظیر را به معجزه قرن تبدیل نموده است. آیا بهتر نیست که در تعاملات خانواده و تربیت فرزندانمان، به جای الگوگیری از ادبیات غربی، از ادبیات اسلامی و قرآنی که بهترین و صحیح‌ترین نوع گویش را داراست، بهره گیریم؟

---

۱. خطاب یعنی متوجه ساختن دیگران برای رساندن مطلبی و تفهیم آن مطلب به آنها. خداوند متعال در قرآن کریم تمام موجودات اعم از جاندار و بی‌جان را مورد خطاب قرار می‌دهد که بر اساس تنوع مخاطبین خطاب به گونه‌های مختلف بیان می‌شود. خطابات قرآن، گاهی مخصوص انسانها از جمله پیامبران، مومنان، کافران و یا جنس انسان می‌باشد که در این صورت دارای مراتبی است. علامه جوادی آملی در این مورد می‌نویسد: «خطابه‌های قرآنی دارای اوج و حسیض و نیز مراتب متوسط است. نازلترین آن، تعبیر «یاایها الناس» و عالیترین آن «یا ایها النبی»، «یا ایها الرسول» و «یا ایها الرسل» است و آنچه با حفظ مرتبه بین دو طرف قرار دارد، عبارت است از «یا اهل الکتاب»، «یا ایها المؤمنون» و بالاتر از آن عنوان «یا اولی الالباب» و «یا اولی الابصار» است». لحن خطاب نیز به تنوع مخاطبین متفاوت است. از آنجا که اوامر و نواهی خداوند بر اساس مصلحت تمام انسانها و مطابق با فطرت آنهاست، همه انسانها در همه اعصار جزء مخاطبین قرآن می‌باشند. از این رو انسان باید همواره خود را مخاطب پیامهای قرآن ببیند. در روایت داریم: "تو مادامی قرآن می‌خوانی که تو را نهی کند، پس هر گاه تو را نهی نکرد تو آن را نمی‌خوانی". منظور از ادبیات در اینجا نحوه گفتگو و تعامل با افراد و نوع گویش افراد با یکدیگر می‌باشد. ادبیات قرآن در حقیقت همان باطن قرآن است که در ساختاری زبانی و بیانی و در قالب الفاظ و عبارات نازل شده است. برخی از ادبیات قرآن شامل استفهام، امر و نهی، مجاز، تشویق و تنبیه، تمثیل، تغافل، داستان و ... می‌باشد.



## ۱-۲. جز به زبان قرآن سخن نمی‌گویید!

مرد زاهدی نقل می‌کرد: در بیابان به زنی تنها برخورددم. هر چه با او سخن گفتم با آیه قرآن جواب می‌داد. گفتم کیستی؟ جواب داد: "...وَقُلْ سَلَامٌ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ: ۱ ... بگو «سلام بر شما» اما بزودی خواهند دانست." از قرائت این آیه فهمیدم، که می‌گوید: اول سلام کن، سپس سؤال کن. به او سلام کردم و گفتم در این بیابان، تنهایی چه می‌کنی؟ پاسخ داد: "وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُضِلٍّ...: ۲ هر کس را که خدا هدایت کند، هیچ گمراه کننده‌ای نخواهد داشت...". از جواب او دانستم راه را گم کرده ولی برای یافتن مقصد به خداوند امیدوار است. گفتم: از جنان هستی یا آدمی؟ جواب داد: "يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ...: ۳ ای فرزندان آدم زینت خود را هنگام رفتن به مسجد بردارید...". پی بردم که از آدمیان است. گفتم: از کجا می‌آئی؟ پاسخ داد "...أُولَئِكَ يُنَادَوْنَ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ: ۴ ... آنها از راه دور صدا زده می‌شوند". فهمیدم از راه دور می‌آید. گفتم: به کجا می‌روی؟ جواب داد: "وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مِنَ اسْطِطَاعٍ إِلَيْهِ سَبِيلًا: ۵ و برای خداوند بر مردم است که آهنگ خانه او کنند، آنها که توانایی رفتن به سوی آن را دارند...". فهمیدم قصد خانه خدا دارد. گفتم: چند روز است حرکت کرده‌ای؟ گفت: "وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ...: ۶ ما آسمانها و زمین و آنچه در میان آنها است

۱. سوره مبارکه زخرف / آیه ۸۹.

۲. سوره مبارکه زمر / آیه ۳۷.

۳. سوره مبارکه اعراف / آیه ۳۱.

۴. سوره مبارکه فصلت / آیه ۴۴.

۵. سوره مبارکه آل عمران / آیه ۹۷.

۶. سوره مبارکه ق / آیه ۳۸.

را در شش روز (شش دوران) آفریدیم...". فهمیدم شش روز است از شهرش حرکت کرده و به سوی مکه می‌رود. به او گفتم بر مرکب من در ردیف من سوار شو تا به مقصد رویم، پاسخ داد: "لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلُ اللَّهِ لَفَسَدَتَا...<sup>۱</sup> اگر در این آسمان و زمین چند خدا غیر از خدای یگانه بود فاسد می‌شدند...". آگاه شدم که تماس بدن زن و مرد در یک مرکب یا یک خانه و یک محل موجب فساد است، به همین خاطر از مرکب پیاده شدم و به او گفتم شما به تنهایی سوار شوید. وقتی سوار شد گفت: "...سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَمُقْرِنِينَ...<sup>۲</sup> پاک و منزّه است کسی که این را مسخر ما ساخت و گرنه ما توانایی تسخیر آن را نداشتیم." وقتی به قافله رسیدیم گفتم: در این قافله آشنائی داری؟ جواب داد: "وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ...<sup>۳</sup> "يَا يَحْيَى خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ...<sup>۴</sup> "یا موسیٰ اِنَّا اللّٰهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ"<sup>۵</sup> "یا داود اِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْاَرْضِ...<sup>۶</sup> از قرائت این چهار آیه دانستم، چهار آشنا بنام محمد و یحیی و موسی و داود در قافله دارد. چون آن چهار نفر نزدیک آمدند، این آیه را خواند: "الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا...<sup>۷</sup> مال و فرزندان زینت حیات دنیوی هستند..." فهمیدم این چهار نفر فرزندان او هستند، به آنها گفت: "...قَالَتِ اِحْدَثُهُمَا يَابَّتِ اسْتَجْرُهُ اِنَّ خَيْرَ مَنْ اسْتَجَرْتَ الْقَوِيَّ الْاَمِينُ...<sup>۸</sup> بهترین کسی که باید به خدمت برگزید،

۱. سوره مبارکه انبیاء/ آیه ۲۲

۲. سوره مبارکه زخرف/ آیه ۱۳

۳. سوره مبارکه آل عمران/ آیه ۱۴۴: محمد نیست مگر رسولی و قبل از او رسولانی دیگر بوده‌اند...

۴. سوره مبارکه مریم/ آیه ۱۲: ای یحیی کتاب را با قوت بگیر...

۵. سوره مبارکه قصص/ آیه ۳۰: ...ای موسی من خداوند هستم

۶. سوره مبارکه ص/ آیه ۲۶: ای داود ما تو را در زمین جانشین و خلیفه قرار دادیم...

۷. سوره مبارکه کهف/ آیه ۴۶

۸. سوره مبارکه قصص/ آیه ۲۶



کسی است که امین و توانا باشد." فهمیدم به آنها گفت به این مرد امین که زحمت کشید و مرا تا اینجا آورد، مزد بدهید. از وضع آن زن سخت به تعجب آمده بودم و به فرزندانش گفتم: این زن کیست؟ جواب دادند: این زن فضّه، خادمه حضرت زهراء علیها السلام است که بیست سال است به غیر از قرآن سخن نگفته است!<sup>۱</sup> بی شک این نوع گویش جز در اثر همنشینی با خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام نمی باشد.

در این سرای کهن خوی کن به خوش سخنی

که بهتر از سخن خوب، یادگاری نیست

## ۲. تأثیر نوع گویش در خانواده

اندکی تأمل در داستان بالا ما را به این نتیجه می‌رساند که بیشترین تأثیر را محیط بر فرد می‌گذارد. در محیط خانواده نحوه گفتگو بین والدین، بر روی فرزندان تأثیر مستقیم دارد به طوری که فرزندان نوع گویش خود را، در درون خانواده فرا می‌گیرند. از طرفی والدین به طور مستمر با فرزند ارتباط برقرار کرده و با بیان و عمل، فرد را در مسیر تربیت قرار می‌دهند. نحوه بیان مفاهیم تربیتی و نوع خطاب به فرد، تأثیر مستقیم بر فرد می‌گذارد، به طوری که نوع گویش والدین، در ایجاد شخصیت بهنجار و تشکیل هویت مطلوب مؤثر بوده و می‌تواند سبب افزایش رفتارهای مطلوب و کاهش رفتارهای ناپسند فرزندان و یا برعکس شود.<sup>۲</sup>

۱. مکارم، ناصر، *اخلاق اسلامی در نهج البلاغه* (به نقل از کتاب عرفان اسلامی)، ج ۲، صص ۴۶۷-۴۷۰. با اندکی تلخیص  
 ۲. الگوهای رفتاری ثابتی که در یک فرد وجود دارد و موجب تمایز فرد از دیگران می‌شود، شخصیت فرد را تشکیل می‌دهد (اتکینسون، ریتا-ال و ادیگران، *زمینه روانشناسی هیلگارد*، ص ۴۵۸، ترجمه: دکتر محمد تقی براهنی [ودیگران]، تهران، نشر رشد، ۱۳۹۱). هویت فرد شامل مجموعه حالات، افکار و صفات درونی آن فرد می‌باشد. (مشکاتی، حسن، تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۱۱، دانشگاه معارف اصفهان)

## ۲-۱. پسر از پدر یاد می‌گیرد!

نقل است که مردی از روستایی می‌گذشت، بوی ناخوشایندی به مشامش رسید. از جوانی پرسید: این بوی بد از چیست؟ گفت: خری عمرش را به شما داده و این بو از لاشه آن است. مرد از سخن جوان ناراحت شد و رفت تا به پیرمردی رسید و پرسید: چرا مردم این ده اینقدر بی‌تریت هستند؟ پیرمرد پرسید: چطور؟ مرد ماجرا را برایش تعریف کرد: پیرمرد گفت: ببخشید آن جوان، پسر من است. او متوجه حرف زدن خود نیست. بارها به او گفته‌ام همه خرها را نباید به یک چوب راند، اما او اصلاً به گوشش نمی‌رود!<sup>۱</sup> با توجه به نقش مهم تربیت در خانواده، لازم است قبل از پرداختن به ادامه بحث، با مفهوم تربیت آشنا شده و دیدگاه اسلام را در این مورد جویا شویم.

## ۳. مفهوم تربیت

جامعه‌شناسان، «تربیت» را عملی می‌دانند که از طریق نسل بالغ درباره آنها که هنوز رشد کافی نکرده‌اند، صورت می‌گیرد و هدف آن پرورش جسمی، فکری و اخلاقی آنها برای عضویت در جامعه و زندگی آینده است.<sup>۲</sup> از نظر اسلام تربیت عبارت است از احیای فطرت خداشنای انسان و شناختن خدا به عنوان یگانه رب جهان و تلاش برای تن دادن به ربوبیت او که همان پرورش ابعاد وجودی انسان در جهت حرکت به سوی کمال بی‌نهایت می‌باشد.<sup>۳</sup> تربیت از مهمترین کارکردهای خانواده می‌باشد که همواره مورد توجه

۱. رحمتی، محمد، گنجینه معارف، ج ۱، ص ۲۹۹

۲. قائمی، علی، زمینه تربیت، ص ۲۵ تهران، انتشارات امیری، چاپ هشتم، بهار ۸۷

۳. همان، صص ۲۵-۲۶؛ باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص ۶۱، مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان (انتشارات مدرسه)، چاپ سی و پنجم، ۱۳۹۳



والدین، مریبان و دانشمندان اخلاق بوده است.

### ۳-۱. بهترین هدیه به فرزند

دین مبین اسلام نیز از این کارکرد مهم غافل نمانده است و آن را یکی از حقوق فرزند بر والدین می‌شمارد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ...<sup>۱</sup> ای کسانی که ایمان آورده‌اید خود و خانواده‌تان را از آتش تگه دارید...". در این آیه دستور به تعلیم و تربیت خانواده (همسر و فرزندان) به همه مؤمنان داده شده است و حق زن و فرزند را نه تنها تأمین هزینه زندگی، بلکه تغذیه روح و جان آنها و به کارگیری اصول صحیح تعلیم و تربیت می‌داند.<sup>۲</sup> در ضرورت و اهمیت تربیت فرزند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «مَالِحٌ وَالِدٌ لِّحَلَا أَفْضَلُ مِنْ أَدَبٍ حَسَنٍ»<sup>۳</sup> هیچ عطایی از پدر به فرزند به ارزش تربیت و ادب نیکو نمی‌باشد». اگرچه اسلام به تربیت فرزند، قبل از تولد او تأکید کرده،<sup>۴</sup> اما آموزش و پرورش فیزیکی فرزند، به تناسب شرایط از آغاز زندگی شروع می‌شود. هر چند امروزه، معلم و مدرسه و امکانات دیگر به کمک خانواده‌ها می‌شتابند، لیکن

۱. سوره مبارکه تحریم/ آیه ۶

۲. مکارم، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۲۸۶

۳. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، محقق / مصحح: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ج ۱۵، ص ۱۶۵، ناشر: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، ۱۴۰۸ ق

۴. از دیدگاه اسلام، شروع تربیت فرزند به دوران انتخاب همسر و قبل از انعقاد نطفه برمی‌گردد. از این رو باید در گزینش همسر، زمان انعقاد نطفه، حالات روحی و روانی والدین، همچنین تغذیه مادر قبل و حین بارداری و ... را مراعات کرد. احادیثی که در این زمینه به دست ما رسیده است حاکی از اهمیت این دوران در تربیت نسل آینده دارد. از پیامبر اکرم نقل شده است: "تَخَيَّرُوا لِطُفْئِكُمْ فَإِنَّ الْعَرَقَ دِسَاسٌ ۴: برای نطفه‌های خود بهترین‌ها را انتخاب کنید، زیرا اخلاق فرزندان از اخلاق گذشتگان تأثیر می‌گیرد". (بهشتی، احمد، اسلام و تربیت کودکان، ص ۲۰، بازبینی و ویراست: سعید بهشتی، چاپ و نشر بین الملل، تهران، ۱۳۹۰)

گام اول را خانواده‌ها برمی‌دارند و تا آخرین گام نیز به همراه کودکان و نوجوانان خود خواهند بود.

### ۳-۲. سیره پیامبر ﷺ

روایت است هنگامی که آیه "وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا...<sup>۱</sup> خانواده خود را به نماز فرمان ده؛ و بر انجام آن شکیبا باش..." بر پیامبر ﷺ نازل شد، روزی پنج مرتبه به در خانه حضرت علی رضی الله عنه می‌رفت و این خانواده را توصیه می‌کرد: «الصَّلَاةَ رَحْمَةً مِنَ اللَّهِ»<sup>۲</sup> نماز را به پا دارید تا خدا شما را رحمت کند.»

### ۳-۳. آرزوی سقراط

پیش از محاکمه سقراط، از او خواستند بزرگترین آرزوی خود را بگویند. پاسخ داد: «آرزو دارم به بالاترین مکان در آتن بروم و با صدای بلند به مردم بگویم، چرا بهترین و عزیزترین سالهای عمر خود را صرف مال اندوزی می‌کنید، در حالیکه در تربیت فرزندانان که روزی مجبور هستید ثروت خود را برای آنها بگذارید، همت نمی‌کنید»<sup>۳</sup>.

### ۴. تنظیم برنامه تربیتی

هر خانواده برای تربیت فرزند باید یک برنامه تربیتی داشته باشد. از نظر اسلام، تربیت فرزند بعد از تولد به سه دوره هفت ساله تقسیم می‌شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «الْوَالِدُ سَيِّدٌ لِّسَبْعِ سِنِينَ وَعَبْدٌ لِّسَبْعِ سِنِينَ وَوَزِيرٌ لِّسَبْعِ سِنِينَ فَإِنْ رَضِيَ خَلْقَهُ لَمْ يَلِدْ وَإِلَّا ضَرَبَ عَلَى

۱. سوره مبارکه طه/آیه ۱۳۲

۲. العروسی الحویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، محقق/مصحح: رسولی محلاتی- سید هاشم، ج ۳، ص ۴۰۹، ناشر:

اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۵ ق

۳. رحمتی، محمد، گنجینه معارف، ج ۱، ص ۲۹۸





جَبَّيْهِ فَقَدَأَعَذَرَتْ إِلَى اللَّهِ: <sup>۱</sup> فرزند هفت سال سید و هفت سال عبد و هفت سال وزیر است پس اگر اخلاقش را در بیست و یک سالگی پسندیدی که هیچ و گرنه بر پهلویش بزن (او را طرد کن) چرا که تو پیش خداوند معذوری (و حجّت را تمام کرده‌ای بر او) ". بنابراین روایت، بهترین زمان برای تربیت فرزند تا سن بیست و یک سالگی است که به سه دوره سیادت، عبودیت و وزارت تقسیم می‌شود. این برنامه به کمک روشهای تربیتی قابل انجام می‌باشد. <sup>۲</sup> در ادامه با روشهای تربیتی آشنا شده و بیان متناسب با هر دوره را شرح می‌دهیم.

## ۵. تکریم شخصیت

یکی از زمینه‌های کاربرد بیان قرآنی در تربیت فرزند، استفاده از روش تکریم شخصیت می‌باشد. این روشی است که قرآن به کار می‌گیرد. این کتاب آسمانی برای ایجاد شخصیت در مخاطبان خود، آنها را به طور مستقیم مورد خطاب قرار داده و پیامهای خود را به آنها منتقل می‌کند. خطاب "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا" به گفته مفسران، تعبیر محترمانه‌ایست که مخصوص این امت است. <sup>۳</sup>

رفتار انسانها بر اساس شناختی است که از خود دارند و این شناخت خصوصاً در زمان

۱. حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، ج ۲۱، ص ۴۷۶

۲. شیوه‌هایی که نحوه انجام فعل تربیتی را مشخص می‌کنند، روشهای تربیتی نامیده می‌شوند. مانند روش تزیین کلام، تلقین، الگوسازی، فریضه سازی و ... . اکثر روشهای تربیتی معرفی شده، از کتاب *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی* اثر دکتر باقر خسروی و *تعلیم و تربیت اسلامی* اثر دکتر حسن مشکاتی اقتباس شده است

۳. بیش از ۸۰ آیه از قرآن با این عبارت آغاز شده است: آیات ۴/۱۵۳/۱۷۲/۱۷۸/۱۸۳/۲۰۸/۲۴۴/۲۵۴/۲۶۴ بقره و ... این گونه خطابات در آیات مدنی دیده می‌شوند، زیرا آیات مکی با تعبیر «یا ایها الناس» آمده است. هر جا مؤمنین با این خطاب تعبیر شده‌اند منظور مؤمنین این امتند و از امتهای قبل از اسلام به کلمه قوم تعبیر می‌کند نظیر: "قَوْمَ نُوحٍ أَوْ قَوْمَ هُودٍ أَوْ قَوْمَ صَالِحٍ... (هود/۸۹)" و در خصوص قوم موسی تعبیر «بنی اسرائیل» آمده است. (طباطبائی، محمد حسین، *المیزان*، ج ۱، ص ۳۷۰) در روایتی آمده است: هر گاه شنیدی خداوند می‌گوید "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا" خوب به گوش دل بسپار که خیری است به آن امر می‌کند، یا شری است که از آن نهی می‌نماید (سیوطی، جلال الدین، *الاتقان*، ج ۲، ص ۱۱۲)

کودکی تحت تأثیر نگرش دیگران نسبت به خود است. در مرحله طفولیت،<sup>۱</sup> کودک از توانایی درک حالات و گفتار دیگران برخوردار می‌شود و از تن صدا و اشاره‌های آنها، به مقصودشان پی می‌برد. رفتار همراه با احترام و بزرگداشت والدین در زمان شکل‌گیری شخصیت کودک، موجب می‌شود کودک دارای شخصیتی مستقل، مثبت، عزیز و نیز رفتاری سالم و بهنجار داشته باشد. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «اگر موالاد ذکر و أحسینوا آدابکم...: فرزندانان را گرامی بدارید و نیکو ادبشان کنید»<sup>۲</sup>

## ۵-۱. شیوه‌های تکریم شخصیت

### ۵-۱-۱. روابط عاطفی

از شیوه‌های تکریم شخصیت فرزندان، ایجاد روابط عاطفی در خانواده می‌باشد. از اساسی‌ترین نیازها پس از نیازهای زیستی نیاز به محبت است. ارضای این نیاز توسط خانواده به عنوان نخستین نهاد مرتبط با کودک، موجب آرامش روانی، امنیت خاطر و اعتماد به نفس و حتی سلامت جسمی او می‌شود. خطابات عاطفی<sup>۳</sup> نظیر «یا بُنی: پسرکم» در آیات الهی، به ارضای تمایلات عاطفی فرزندان اشاره دارد.<sup>۴</sup> در حدیث کساء می‌خوانیم حضرت فاطمه علیها السلام فرزندان خود را با تعبیری زیبا چون «قُرَّةُ عَیْنِي: نور چشمم»

۱. هفت سال اول زندگی به سه دوره نوزادی، طفولیت و خردسالی تقسیم می‌شود. دوران نوزادی که پانزده روز اول تولد را شامل می‌شود، دوران سازگاری فرد با محیط است و به دلیل عدم رشد کافی مغز و اعصاب کودک، نوزاد از ساده‌ترین نوع یادگیری نیز عاجز است. مرحله طفولیت که در حقیقت آغاز دوران تربیت کودک بعد از تولد می‌باشد، بعد از دوران نوزادی شروع شده و تا دو سالگی ادامه دارد. بعد از آن مرحله خردسالی آغاز می‌شود و تا پایان سال هفتم ادامه دارد. (کریمی نوری، رضا- مرادی، علیرضا، روانشناسی تربیتی، صص ۵۸-۵۹، مراکز تربیت معلم، ۱۳۶۹)

۲. حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، ج ۲۱، ص ۴۷۶

۳. خطاباتی که لطف و رحمت گوینده را می‌رساند؛ مانند «یا عبادی» که لطف خدا را نسبت به بندگان متذکر می‌شود.

۴. طباطبائی، محمد حسین، *المیزان*، ج ۱۰، ص ۳۴۵: اضافه کلمه «بُنی» بر یای متکلم، بر شفقت و مهربانی گوینده دلالت دارد



و «ثَمَرَةُ فُرَادِي: میوه دل» مورد خطاب قرار می‌دهد.<sup>۱</sup> استفاده از خطابات عاطفی همراه با احترام و رعایت استقلال از همان بدو تولد، باعث جلب محبت و پیوند عاطفی قوی بین والدین و فرزندان می‌شود.

### ۵-۱-۱-۱. سه چیز محبت می‌آورد

پیامبر اکرم می‌فرماید: «ثَلَاثٌ يُصَفِّينَ وَدَّ الْمَرْءُ لِأَخِيهِ الْمُسْلِمِ... وَكَدَعُوهُ بِأَحَبِّ الْأَسْمَاءِ إِلَيْهِ: <sup>۲</sup> سه چیز محبت انسان نسبت به برادر مسلمان خود را صفا می‌دهد... (یکی از آنها) با اسمی که بیش از همه دوستش می‌دارد او را صدا بزنند». معمولاً افراد دوست دارند آنها را با اسم کوچکشان صدا بزنند. والدین می‌توانند با افزودن کلماتی به انتهای اسم فرزندان مانند «آقا- خانم» و یا پسوند «جانم» آنها را صدا بزنند.

### ۵-۱-۱-۲. بیان محبت

از جلوه‌های بارز محبت، محبت گفتاری است. با ابراز محبت، مخاطب از ارادت قلبی گوینده آگاه می‌شود و پیوند دوستی آنها محکمتر از قبل می‌شود. روایاتی در استحباب این امر آمده است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِذَا أَحَبَبْتَ رَجُلًا فَأَخْبِرْهُ بِذَلِكَ فَإِنَّهُ أَتَبَتْ لِمَوَدَّةِ بَيْنِكُمَا: <sup>۳</sup> هنگامی که برادر مؤمنی را دوست داری او را از این محبت باخبر کن زیرا این کار باعث تثبیت دوستی بین شما می‌شود».

امام علی علیه السلام در ابتدای نامه خویش به فرزندش امام حسن علیه السلام محبت خود را این گونه

۱. قمی، عباس، مفاتیح الجنان، ص ۱۰۱۷

۲. کلینی، محمد بن یعقوب الکافی، ج ۲، ص ۶۴۳

۳. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ۵۴۰

ابراز می‌کند: "وَجَدْتُكَ بَعْضِي، بَلْ وَجَدْتُكَ كُلِّي، حَتَّى كَأَنَّ شَيْئًا لَوْ أَصَابَكَ أَصَابَنِي: 'تورا دیدم که پاره تن من بلکه همه جان منی، آنگونه که اگر آسیبی به تو رسد به من رسیده است."

### ۵-۱-۱-۳. سیره پیامبر ﷺ

در تاریخ آمده است که روزی پیامبر ﷺ در مسجد النبی نماز می‌خواند، امام حسین علیه السلام که در دوران کودکی به سر می‌برد، در حال سجده بر پشت رسول خدا صلی الله علیه و آله سوار می‌شد و در تمام نماز این وضعیت ادامه داشت و حضرت هر بار حسین علیه السلام را می‌گرفت و به زمین می‌گذاشت. مردی یهودی این رفتار را مشاهده نمود و به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: شما با بچه‌ها طوری رفتار می‌کنید که ما چنین نمی‌کنیم. پیامبر فرمود: اگر شما هم به خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله ایمان داشتید، با فرزندان خود چنین می‌کردید. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با این برخورد نشان داد که محبت به بچه‌ها ایمان و عکس آن بی اعتقادی است. والدین باید در محبت به فرزندان خود عدالت را رعایت کنند و بین آنها فرق نگذارند و اگر در مواردی یکی از فرزندان مورد تشویق قرار گرفت، فلسفه آن بیان شود تا موجب کینه و حسادت نشود.<sup>۲</sup>

### ۵-۱-۱-۴. فضیلت شاد کردن کودک

محبت فرزندان و بوسیدن آنها در حقیقت ابراز مهر و عطف درونی است و باعث پیوند مستحکم خانواده گردیده و خشنودی و پاداش بهشتی را به دنبال خواهد داشت. در فضیلت بوسیدن فرزند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «مَنْ قَبَّلَ وَلَدَهُ كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ حَسَنَةً وَ مَنْ فَرَّحَهُ فَرَّحَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: هر کس فرزندش را ببوسد خداوند برای او حسنه‌ای می‌نویسد

۱. نهج البلاغه، نامه ۳۱

۲. بابازاده، علی اکبر، مسائل ازدواج و حقوق خانواده، صص ۸۹-۹۱



و کسی که نور دیده‌اش را شاد کند خداوند او را روز قیامت شاد می‌کند.

### ۵-۱-۱-۵. تا آخرین لحظه محبت می‌کند

احتیاج به محبت امری دائمی است. حضرت نوح علیه السلام نهمصد و پنجاه سال قومش را به ایمان دعوت کرد اما آنها جز مسخره کردن او کاری نکردند، تا اینکه به دستور خدا در بیابان مشغول ساختن کشتی شد. باز هم مردمی که از کنار وی عبور می‌کردند او را مسخره می‌کردند تا اینکه عذاب خدا فرا رسید و نوح علیه السلام به امر الهی، یاران خود را و نیز از هر حیوان یک جفت را سوار بر کشتی کرد. متأسفانه پسر نوح نیز از جمله کسانی بود که به پدر ایمان نداشت، ولی آن حضرت در آخرین لحظه دست از موعظه فرزندش برنمی‌دارد و هنگام سوار شدن بر کشتی، پسرش را که در کناری ایستاده بود با مهربانی و عطف خطاب می‌کند: "...يَبْنِيَّ اَزْكَبَ مَعَنَا وَلَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ: '...پسرم همراه ما سوار شو و با کافران مباش'". هر چند که تأثیر همیشین بد، مانع از آن شد که موعظه پدر در قلب وی اثر بگذارد و از شقاوت‌مندان شد.

### ۵-۱-۱-۶. خطاب عاطفی بین فرزندان

خطابات عاطفی در روابط بین فرزندان (خواهر و برادر) نیز باید جاری باشد. قرآن کریم به داستان حضرت موسی علیه السلام اشاره می‌کند که آن حضرت پس از بازگشت از کوه طور متوجه گوساله پرستی قوم خود می‌شود. آن حضرت نیز برادرش هارون نبی علیه السلام را که جانشین خود قرار داده بود، مورد مؤاخذه قرار می‌دهد و در حالی که ریش و سر او را

گرفته می‌فرماید: آیا تو در برابر من عصیان کردی؟<sup>۱</sup> هارون نبی علیه السلام هنگامی که خشم و غضب برادر خود را دید، سعی کرد او را آرام کند، لذا او را با لحنی عاطفی مورد خطاب قرار داد: "قَالَ يَبْنَؤُمَّ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي...":<sup>۲</sup> (هارون) گفت: «ای فرزند مادرم! ای برادر! ریش و سر مرا مگیر!...». تعبير «يَا بَنَ أُمَّ» در اصل «يَا بَنَ أُمِّي»: ای پسر مادرم» بوده و برای به رحم آوردن طرف، برای تحریک کردن و رأفت او آورده می‌شود. هارون علیه السلام این جمله را گفت تا شاید غضب موسی را فرو نشاند.<sup>۳</sup>

## ۵-۱-۲. سلام کردن

از دیگر اعمالی که باعث احترام و تکریم شخصیت کودکان می‌شود سلام کردن به آنهاست. قرآن کریم از جمله مواهب معنوی بهشتیان را سلام و تحیت از جانب پروردگار می‌داند "سَلَامٌ قَوْلًا مِّن رَّبِّ رَجِيمٍ": بر آنها سلام (ودرود) الهی است: این سخنی است از سوی پروردگار مهربان". پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در اهمیت سلام کردن به کودکان می‌فرماید: "تَحْسُّ لَأَدْعُهُنَّ حَتَّى الْمَمَاتِ... وَالسَّلَامُ عَلَى الصَّبِيَّانِ لَتَكُونَ سُنَّةً مِّن بَعْدِي: پنج چیز را تا لحظه مرگ ترک نخواهم کرد: ... یکی سلام کردن به کودکان است تا این که پس از من سنت گردد".

۱. آیات ۸۶-۹۴ سوره مبارکه طه

۲. سوره مبارکه طه / آیه ۹۴

۳. طباطبائی، محمد حسین، *المیزان*، ج ۱۴، ص ۲۷۰

۴. سوره مبارکه یس / آیه ۵۸

۵. حرعاملی، محمد بن حسن، *وسایل الشیعه*، ج ۱۲، ص ۶۲



## ۵-۱-۳. تأیید

روانشناسان تأیید رفتار توسط دیگران را یکی از نیازهای انسان می‌دانند.<sup>۱</sup> انسان ذاتاً دوست دارد دیگران تصور خوبی از وی داشته باشند. برای تکریم شخصیت کودک، می‌توان فعل مثبت او را مورد تأیید قرار داد. به طور مثال زمانی که فرزند کار مثبتی را انجام می‌دهد به او بگوییم: «کار شما عالی بود». امیرالمؤمنین علیه السلام در نامه خود به مالک اشتر می‌نویسد: کارهای مهمی که سپاهیان انجام می‌دهند، برشمار، زیرا یادآوری کارهای ارزشمند، شجاعان را بر می‌انگیزاند و ترسوها را به تلاش وامی‌دارد.<sup>۲</sup>

## ۵-۱-۴. تغافل یا «چشم پوشی»

یکی از آثار نامطلوب خطاها، از بین رفتن شخصیت و عزت نفس انسان می‌باشد. در دوران کودکی که اغلب اشتباهات انسان از روی جهل می‌باشد، تغافل روشی مناسب می‌باشد.<sup>۳</sup> تغافل یعنی وانمود کردن به اینکه از فرد خطایی سر نزده است.<sup>۴</sup>

۱ سیف، علی اکبر، *روانشناسی پرورشی*، ص ۳۵۱

۲ *نهج البلاغه*، نامه ۵۳

۳ در این روش گوینده حقیقتی را می‌داند و عمداً از آن سؤال می‌کند و برای رسیدن به اهدافی تظاهر به تجاهر به تجاهر می‌کند. مثلاً برای تعجب یا سرزنش کردن و یا انکار خود را به نادانی می‌زند.

۴ مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، ج ۲، ص ۳۶۳، قم، مدرسه امام علی، ۱۳۷۷: نوع دیگری از تغافل وجود دارد که تغافل منفی نامیده می‌شود و آن چشم پوشی از حقایقی است که پنهان کردن آن ناشایست است. مانند آیه: "وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ اسْجُدُوا لِلرَّحْمَانِ قَالُوا وَمَا الرَّحْمَانُ... (فرقان/۶۰) و هنگامی که به آنان گفته شود: «برای خداوند رحمان سجده کنید!» می‌گویند: «رحمان چیست؟! (ما اصلاً رحمان را نمی‌شناسیم)...". در تفسیر این آیه آمده است: «اگر نپرسیدند رحمان کیست برای این بوده است که مبالغه در تجاهر نسبت به خدا را افاده کند و بفهماند اصلاً ما نمی‌دانیم رحمان چیست، همچنان که فرعون نیز در پاسخ موسی که او را به سوی رب العالمین دعوت می‌کرد گفت: "مَا رَبُّ الْعَالَمِينَ". در اینگونه سؤالات مقصود سائل این است که بفهماند از شیء مورد سؤال بیش از یک اسم چیزی نمی‌داند». اگرچه بعضی از مفسرین بیان کرده اند که علت سؤال آنها به این دلیل است که اسم رحمان در میان عرب نامانوس بوده است، ولی دیگران معتقدند این سخن بسیار بعید است زیرا ماده این اسم و صیغه اش هر دو عربی است و همیشه پیامبر در آغاز سوره‌های قرآن در آیه "بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ" این نام را برای آنها بیان می‌کرد؛ بنابراین هدف آنها جز پهنا جویی و مسخره کردن نبوده است. (برگرفته از تفاسیر المیزان، مجمع البیان و نمونه)

خداوندِ ستار العیوب، پیامبر خود را امر به گذشت و تغافل می‌کند: "...فَأَصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ: ۱... پس، از آنها به طرز شایسته‌ای صرف نظر کن (و آنها را بر نادانیهایشان ملامت ننما)". در معنای صَفْح، علاوه بر عفو، ملامت نکردن و روی خوش نشان دادن نیز نهفته است. در نگاه امام علی علیه السلام، تغافل از اعمال کریمان شمرده می‌شود: "مِنْ أَشْرَفِ أَعْمَالِ الْكَرِيمِ عَفَاثَةُ عَمَّا يَعْلَمُ: ۲ خود را به بی‌خبری نمایاندن از بهترین کارهای بزرگواران است". والدین با به رخ کشیدن خطاهای کودک، هم شخصیت آن را خرد کرده و هم آنها را نسبت به انجام خطا جسور می‌کنند. با این روش می‌توان کودک را از تحریک به تکرار رفتار غلط، بازداشت.

#### ۵-۱-۴-۱. تغافل پادشاه

آورده‌اند که پادشاهی، روزی برای شکار به صحرا رفت و از لشکریانش دور افتاد. راه چشمش به چوپانی افتاد. پادشاه برای انجام کاری از اسب پیاده شد و به چوپان گفت: مواظب اسبم باش تا برگردم. در برگشت چوپان را دید که مشغول جدا کردن تسمه‌های طلایی دهنه اسب است. خود را به تغافل زد و مدتی صبر کرد تا چوپان از آن کار فارغ شود. سپس دستهای خود را بر چشمانش گذاشته و به چوپان گفت: خار در چشمانم فرو رفته، نمی‌توانم بینم. اسبم را برایم بیاور. چوپان اسب پادشاه را آورد و پادشاه به لشکریانش پیوست و به مأمور خود گفت: من تزیینات طلایی این اسب را به کسی هدیه کرده‌ام، مبادا کسی را متهم به دزدی کنی! ۳

۱. سوره مبارکه حجر/ آیه ۸۵

۲. نهج البلاغه، حکمت ۲۲۲

۳. محمدی، محمد حسین، هزار و یک حکایت اخلاقی (دفتر دوم)، ص ۶۲





## ۵-۱-۵. آموزش صحیح

هنگام مشاهده رفتار غلط فرزند، والدین به جای عیبجویی، تحقیر، تمسخر و یا پرخاشگری، کار صحیح را به او آموزش دهند. این شیوه‌ای است که در سیره پیامبر ﷺ به چشم می‌خورد. ایشان هر گاه کاری را قبول نداشت، می‌فرمود: این گونه انجام بده.<sup>۱</sup> از انس بن مالک روایت است: من ۹ سال پیغمبر ﷺ را خدمت می‌کردم و به خاطر ندارم که هرگز یک بار به من گفته باشد چرا چنین نکردی و یا چرا این کار را انجام ندادی، و هرگز مرا بر چیزی شماتت نمود.<sup>۲</sup>

دوران کودکی، دوران سروری است و باید با شادابی کامل سپری کند. بنابراین از آموزش رسمی کودک باید پرهیز شود و آموزشها بیشتر در قالب بازی، داستان، معما و ... باشد. در این دوران، کودک از نظر فکری نارسا و از نظر جسمی ناتوان است، بنابراین بر خورد ما والدین باید با رحمت و عطف همراه باشد.

## ۵-۲. سپردن مسئولیت

در دوران عبودیت (سنین هفت تا چهارده سال)، فرزند میل به یادگیری انواع مهارتها دارد و اگر به عللی، با شکست و ناکامی مواجه شود، دچار آشفتگی روانی خواهد شد. در این دوران با توجه به خصلت عبد بودن فرزند، والدین می‌توانند با ابراز تواناییهای وی و فراهم آوردن شرایط برای انجام کارهایی که در توان او است، به تکریم شخصیت و رشد عاطفی فرزندشان کمک کنند. انسان زمانی که خود را در انجام

۱. حسینی زاده، سید علی، سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت، ج ۱، ص ۱۵۷، زیر نظر علیرضا اعرافی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ چهارم، ۱۳۸۴

۲. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۲، ترجمه میرباقری، تهران، چاپ: دوم، ۱۳۶۵ ش.

کاری توانا بیند، احساس عزت نفس و سربلندی خواهد کرد. در سوره قصص آمده است زمانی که فرعون تصمیم به قتل پسران بنی اسرائیل کرد، مادر موسی با الهام وحی، او را به نیل انداخت و مسئولیت پیگیری از او را به خواهرش سپرد: "...وَقَالَتْ لِأُخْتِهِ قُصِّيه: <sup>۱</sup> و (مادر موسی) به خواهر او گفت: «وضع حال او را پیگیری کن!»...". این خواهر باهوش به کاخ فرعون رفت و زمانی که دید موسی از هیچ زنی شیر نمی خورد، مادرش را به عنوان دایه به فرعونیان معرفی کرد.<sup>۲</sup>

### ۵-۳. با او مشورت کنیم

در دوران نوجوانی (چهارده تا بیست و یک سالگی)، تکریم شخصیت او از هر زمانی مهمتر به نظر می رسد. در این سن نوجوان، به دلیل حس استقلال طلبی، تمایل دارد تا در امور مختلف، اظهار نظر کند. والدین باید از این خصوصیت او به نحو احسن استفاده کنند. زمانی که ابراهیم خلیل علیه السلام به دستور خدا مأمور به ذبح فرزندش اسماعیل شد، مسأله را با صراحت با وی مطرح کرده و از او در مورد سرنوشتش نظرخواهی می کند: "فَمَا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا بَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ"<sup>۳</sup> هنگامی که با او به مقام سعی و کوشش رسید، گفت: «پسر! من در خواب دیدم که تو را ذبح می کنم، نظر تو چیست؟ گفت: پدرم هر چه دستور داری اجرا کن، به خواست خدا مرا از صابران خواهی یافت.» علامه طباطبائی منظور از

۱. سوره مبارکه قصص / ۱۱

۲. سوره مبارکه قصص / آیه ۱۲

۳. سوره مبارکه صافات / آیه ۱۰۲



رسیدن به مقام سعی و کوشش را رسیدن به سن بلوغ می‌داند.<sup>۱</sup> آری ابراهیم علیه السلام برای فرزند خود شخصیت مستقل قائل است و کورکورانه او را به میدان امتحان نمی‌فرستد.

#### ۴-۵. آثار تکریم شخصیت

از آثار مهم تکریم شخصیت، می‌توان به جلوگیری از صفات رذیله اخلاقی مانند دروغ اشاره کرد. یکی از عوامل روانی دروغ‌گویی، احساس حقارت و ضعف شخصیت می‌باشد و فرد دروغ‌گو برای جبران کمبود شخصیت به دروغ متوسل می‌شود.<sup>۲</sup> با ایجاد شخصیت در کودکان، می‌توان از انجام رفتارهای ناپسند او در نوجوانی جلوگیری کرد. در دوران نوجوانی نیز تکریم شخصیت، احساس ارزشمندی در فرد ایجاد می‌کند و باعث می‌شود انسان خود را به پستی و ناپاکی آلوده نکند و از رفتاری که شخصیت او را زیر سؤال می‌برد، اجتناب می‌کند. امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: "مَنْ كَرَمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ لَمْ يُهِنْهَا بِالْمَعْصِيَةِ"<sup>۳</sup> کسی که به کرامت نفسش را بزرگ شمارد با پلیدی گناه خوارش نمی‌کند". نوجوانی که در خانواده مورد تحقیر قرار گیرد، از احساس حقارت رنج می‌برد و اگر از راه مشروع در پی کسب عزت موفق نباشد، با ارتکاب رفتارهای ناروا خود را در معرض انحراف قرار می‌دهد.<sup>۴</sup>

تا نگردد لثیم و فاحشه گوی اوحدی

با پسر قول زشت و فحش مگویی

۱. طباطبائی، محمدحسین، *المیزان*، ج ۱۷، ص ۲۳۰

۲. مکارم شیرازی، ناصر، *اخلاق در قرآن*، ج ۳، ص ۲۳۷

۳. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، *غرر الحکم و درر الکلم*، ص ۶۳۴، ج ۱۰۷۶

۴. سلیمانی فر، ثریا، *بررسی شخصیت جوان از دیدگاه قرآن*، حدیث و روانشناسی، ص ۱۵۰، تهران، فرهنگ مکتوب، ۱۳۸۸

## ۵-۵. دو سویه بودن تکریم شخصیت

در اینجا نکته ای لازم است اشاره شود و آن دو سویه بودن تکریم شخصیت است. به بیانی دیگر فرزندان نیز موظفند در تعاملات خود با والدین، با تکریم و احترام برخورد نمایند. در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از حق والد بر فرزند پرسیده شد. ایشان فرمودند: «لَا يَسْمِيهِ بِاسْمِهِ...» او را به اسم صدا نزن...<sup>۱</sup> امام صادق علیه السلام جوانی را دید که از باب بی اعتنایی و بی احترامی سه قدم جلوتر از پدرش حرکت می کند. امام فرمود: پسر بیا اینجا! پسر آمد. حضرت فرمود: به خدا قسم سه قدم جلوی پای پدرت از باب بی ادبی زدی، خداوند سی سال از عمرت کم کرد!<sup>۲</sup>

## ۵-۵-۱. بالهای تواضع را بکشا

در دوران پیری، بر عهده فرزندان است که والدین خود را مورد حمایت قرار دهند. در قرآن کریم جایگاه احسان به والدین بعد از پرستش خدا قرار گرفته است: «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا»<sup>۳</sup> «وَأَخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا»<sup>۳</sup> و پروردگارت فرمان داده جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید! هرگاه یکی از آن دو، یا هر دوی آنها نزد تو به پیری رسند، کمترین اهانتی به آنها روا مدار و بر سر آنها فریاد مزن! و گفتار لطیف و سنجیده و بزرگووارانه به آنها بگو! (۲۳) و بالهای تواضع خویش را از محبت و لطف، در برابر آنان، فرود آر! و بگو: «پروردگارا! همان گونه که

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۳، ص ۴۰۶

۲. رحمتی، محمد، گنجینه معارف، ج ۱، ص ۲۰۵

۳. سوره مبارکه اسراء/ آیات ۲۳-۲۴



آنها مرا در کودکی تربیت کردند، مشمول رحمتشان قرار ده!» این آیه فرزندان را ملزم به تواضع و خشوع در برابر والدین و نیز دعا در حق آنها می‌کند.

ولی جان به قربان مادر نمای بهار

خدا را پرست و پدر را ستای

### ۵-۲-۵. بوسه بر پاهای والدین

همسر شهید سید مجتبی هاشمی تعریف می‌کرد: اوایل ازدواجمان با سید مجتبی به بازار رفته بودیم. بین راه با پدر و مادر آقا سید برخوردیم. سید به محض دیدن پدر و مادرش، در نهایت تواضع خم شد و روی زمین زانو زد و پاهای والدینش را بوسید. این صحنه برایم دیدنی بود. آقا سید با آن قامت رشید و هیکل تنومندش در مقابل والدینش فروتن بود.<sup>۱</sup>

### ۶. تزیین کلام

یکی از ابعاد فطری انسان حس زیبا خواهی اوست و از برترین جلوه‌های زیبایی، زیبایی در لحن کلام و شیوه سخن گفتن است. کلام نمود شخصیت و هویت فرد است و ارزش انسان و جوهره وجودی اش با زبان و بیان روشن می‌شود. قرآن کریم خطاب به پیامبر می‌فرماید: "...وَلَتَعْرِفَنَّهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ...":<sup>۲</sup> ... می‌توانی آنها را از طرز سخنانشان شناسی... منظور از «لحن قول» معنی و مقصود کلام است و سخن آنها پرده از باطنشان برمی‌دارد.<sup>۳</sup> در حکمت ۳۹۲ نهج البلاغه می‌خوانیم: "تَكَلَّمُوا تَعْرِفُوا، فَإِنَّ الْمَرْءَ مَحْبُوءٌ تَحْتَ

۱. ادیبانی - ترابی، سید علیرضا - حسین، موعظه خوبان، ص ۳۰

۲. سوره مبارکه محمد/آیه ۳۰

۳. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۲۳، ص ۸۵

لسانه: سخن بگویند تا شناخته شوید زیرا انسان در زیر زبان خود پنهان است"

تا مرد سخن نگفته باشد

عیب و هنرش نهفته باشد سعدی

## ۶-۱. تعبیر مؤدبانه

شی هارون الرشید در خواب دید که دندانهایش ریخته است. مُعبری خواست تا خوابش را تعبیر کند. معبر گفت: تعبیر خواب تو این است که همه خویشتان خلیفه می‌میرند. هارون ناراحت شد و دستور داد او را صد تازیانه بزنند. آنگاه معبر دیگری تولید و از تعبیر خواب پرسید. معبر گفت: تعبیرش این است که عمر خلیفه از همه خویشتان درازتر است. هارون خندید و گفت: هر دو تعبیر در یک معنی است، اما دومی ادب را رعایت کرد. سپس فرمان داد هزار درهم به وی دادند.<sup>۱</sup>

## ۷. نخستین مکان آموزش

از رسالتهای مهم خانواده زبان آموزی و یادگیری نوع گویش صحیح به فرزندان است. فرد برای اولین بار در خانواده شروع به برقراری ارتباط کلامی می‌کند و نحوه گویش را فرا می‌گیرد. خانواده ارائه دهنده معیارها به فرد است و نحوه کلام نیز از معیارهایی است که خانواده تعیین کننده آن می‌باشد. در طفولیت نحوه گویش والدین، به طور غیر مستقیم نوع گویش را به کودک آموزش می‌دهد، زیرا بخش عظیمی از یادگیری ما در مجاورت با دیگران و مشاهده رفتارهای آنها حاصل می‌شود. در این دوران کودک هنوز قادر به بیان نیست، ولی توانایی درک حالات و گفتار دیگران را دارد. والدین هوشیار با ادبیات مطلوب خود، معیارهای گفتگو را در

۱. محمدی، محمد حسین، هزار و یک حکایت اخلاقی (دفتر دوم)، ص ۵۲۵



خانواده حاکم می‌کنند. بر این اساس لازم است به ادبیات مطلوبی که باید بین والدین رایج شود، اشاره کنیم:

### ۸. ابراز محبت به همسر

پیش از هر چیز والدین باید با ایجاد جو عاطفی، فضای خانواده را سرشار از محبت و عشق کنند. قرآن کریم ایجاد محبت بین همسران را از نشانه‌های الهی می‌داند.<sup>۱</sup> مودت، محبتی است که اثرش در مقام عمل، ظاهر باشد.<sup>۲</sup> همانطور که بیان شد،<sup>۳</sup> از مهمترین جلوه‌های بارز محبت، جلوه‌های زبانی و گفتاری است. بیان محبت علاوه بر افزایش محبت و صفای دل، باعث ایجاد پیوند قلبی محکم بین زوجین می‌شود. خطاب عاطفی همراه با تکریم و احترام و یا بر زبان آوردن کلمات محبت آمیز از جمله صورتهای بیان محبت به یکدیگر است. از این رو پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: "قَوْلُ الرَّجُلِ لِامْرَأَتِهِ اِنِّي اُحِبُّكَ لَا يَذْهَبُ مِنْ قَلْبِهَا اَبَدًا"<sup>۴</sup> این سخن مرد به زن که «دوستت دارم» هرگز از دل زن بیرون نمی‌رود. در قرآن کریم خوش زبانی و عشق به همسر نیز از ویژگی زنان بهشتی می‌باشد: "عُرُبًا اَثْرًا"<sup>۵</sup> زنانی که به همسرانشان عشق می‌ورزند و خوش زبان و فصیح و هم سن و سالند"

- 
۱. سوره مبارکه روم/آیه ۲۱
  ۲. طباطبائی، محمد حسین، *المیزان*، ج ۱۶، ص ۲۵۰
  ۳. رک: بیان محبت، ص ۲۲
  ۴. کلینی، محمد بن یعقوب، *اصول کافی*، ج ۵، ص ۵۵۴
  ۵. سوره مبارکه واقعه/ آیه ۳۷

## ۹. تشکر و سپاس از همسر

از جمله ادبیات مطلوبی که در خانواده‌های موفق رایج است حمد و ستایش است.<sup>۱</sup> تشکر از دیگران در حقیقت تأیید آن فرد را به همراه دارد. با تشکر و امتنان همسران از یکدیگر، صمیمیت بین آن دو استوارتر می‌شود و آرامش روانی هر دو را موجب می‌شود. اهمیت تشکر از دید احادیث نیز دور نمانده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: "خداوند به زنی که از همسرش سپاس گذاری نمی‌کند - با آنکه از شوهرش بی‌نیاز نیست - نگاه نمی‌کند."<sup>۲</sup>

## ۱۰. خوبیها را بیان کنیم

همسران همچنین نباید از توصیف و تمجید و تعظیم دیگری غافل باشند. خداوند در آیات متعددی بندگان خاص خود را مورد تمجید قرار می‌دهد: "...نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ"<sup>۳</sup>... چه بنده خوبی زیرا همواره به سوی خدا بازگشت می‌کرد (وبه یاد او بود)". امام صادق علیه السلام در شأن همسر خود، فرمود: "حَمِيدَةٌ مُّصَفَّاءٌ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ كَسَبِيكَةِ الذَّهَبِ"<sup>۴</sup>: حمیده از هر نوع بدی پاک می‌باشد چون طلا". همچنین امیرالمؤمنین علی علیه السلام با تعظیم و تکریم یگانه بانوی هستی، خود را معرفی می‌کند و می‌فرماید: "... من همسر سرور زنان این امت می‌باشم..."<sup>۵</sup> بیان زیباییها و خوبیها و تواناییها به ویژه در حضور دیگران، تأثیر زیادی در

۱. خداوند متعال در پنج سوره از قرآن (حامدات)، سخن خود را با حمد آغاز می‌کند: حمد، انعام، کهف، سبأ، فاطر

۲. محمدی ری شهری، محمد، تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث، ص ۲۸۶، ترجمه حمیدرضا شیخی، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، چاپ چهارم، ۱۳۹۳

۳. سوره مبارکه ص / آیه ۳۰

۴. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۱، ص ۴۷۷

۵. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۳۹، ص ۳۳۶





جلب اعتماد داشته و سبب حل مشکلات بسیاری می شود. البته این نکته نباید فراموش شود ستایش فراتر از حد مخاطب، در اسلام مذموم می باشد.<sup>۱</sup> این کار باعث می شود مخاطب احساس کند نوعی چالوسی و یا ابزاری برای فریب و اغفال و در نتیجه وادار کردن وی به پذیرش یک کار است.

### ۱۱. دعای خیر در حق همدیگر

قرآن کریم نوعی گویش از جانب انسان به سمت خدا را مطرح می کند و آن دعاست. دعا طلب خیر برای خود و دیگران است. در دعا، انسان رابطه قلبی با خدا ایجاد کرده و با خطابی عاطفی پروردگار خود را می خواند: "...إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ"<sup>۲</sup>...مسلماً پروردگار من شنونده و (اجابت کننده) دعاست." یکی از ویژگی های مؤمنان راستین در قرآن کریم دعا کردن در حق همسران و فرزندان است: "وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا"<sup>۳</sup> و کسانی که می گویند: «پروردگارا! از همسران و فرزندانمان مایه روشنی چشم ما قرار ده، و ما را برای پرهیزگاران پیشوا گردان". والدین با دعا و طلب خیر در حق همسر و فرزندان خود، ضمن تکریم شخصیت آنها، این نوع گویش را نیز به وی آموزش می دهند.

هر گنج سعادت که خدا داد به حافظ از یمن دعای شب و ورد سحری بود

۱. پیامبر اکرم: به صورت ستایش کنندگان خاک بپاشید. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۱

۲. سوره مبارکه ابراهیم/آیه ۳۹

۳. سوره مبارکه فرقان/آیه ۷۴

## ۱۱-۱. برکت دعای مادر

محمد بن علی ترمذی از دانشمندان مشهور بود که به او لقب حکیم الأولیاء دادند. در جوانی برای تحصیل علم، به همراه چند تن از دوستانش تصمیم گرفت از شهر خود هجرت کند. به خانه آمد و تصمیم خود را به مادر گفت. مادرش غمگین زده گفت: آیا روا می‌داری که مادرت تنها بماند و تو دانشمند شوی؟ از تصمیم خود منصرف شد و ترک سفر کرد. روزی در گورستان نشسته بود و زار زار می‌گریست و می‌گفت: دوستان من به طلب علم رفتند و من جاهل ماندم. ناگاه پیرمردی آمد و گفت: ای پسر چرا گریانی؟ محمد حال خود را باز گفت. پیرمرد گفت: آیا می‌خواهی هر روز به تو علم آموزم؟ گفت: آری. پس از آن روز پیرمرد، محمد را تا سه سال، درس می‌داد. بعداً معلوم شد آن پیرمرد خضر نبی بوده و این توفیق به برکت دعای مادر بوده است.<sup>۱</sup>

## ۱۲. رواج مثبت گویی

همسران در تعامل با یکدیگر باید سعی در مثبت گویی داشته باشند. این روشی است که قرآن به کار می‌برد: «لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ...<sup>۲</sup> نیکی، (تنها) این نیست که (به هنگام نماز، روی خود را به سوی مشرق و (یا) مغرب کنید؛ (و تمام گفتگوی شما، در باره قبله و تغییر آن باشد؛ و همه وقت خود را مصروف آن سازید؛) بلکه نیکی (و نیکوکار) کسی است که به خدا، و روز رستاخیز، و فرشتگان، و کتاب (آسمانی)، و پیامبران، ایمان آورد...». خداوند نمی‌گوید «بدی این است...» بلکه می‌گوید «نیکی این نیست».

۱. مجمدی، محمدحسین، هزار و یک حکایت اخلاقی، دفتر دوم، ص ۷۱۷، شمیم قلم، چاپ پنجم، ۱۳۹۳

۲. سوره مبارکه بقره/آیه ۱۷۷



در کانون خانواده نیز بهتر است همسران به جای تمرکز بر رفتاری که از همسر نمی‌پسندند، به رفتار مطلوبی که مورد نظر آنهاست اشاره کنند. به طور مثال به جای آنکه بگویند «دوست ندارم دیر به خانه بیایی» بگویند «وقتی زود به خانه برمی‌گردی خوشحال می‌شوم».

### ۱۳. بیان انتقاد به روش صحیح

لحن زن و مرد هنگام صحبت و به خصوص انتقاد از دیگری نباید آمرانه و تهدید کننده باشد. زمانی که قصد انتقاد از دیگری داریم، ابتدا با بیان نقاط مثبت طرف مقابل شروع به سخن نموده و پس از آن انتقاد کنیم. این روشی است که خداوند هنگام صحبت با پیامبر خود به کار برده است: "عَفَا اللَّهُ عَنْكَ لِرَآئِنْتَ لِمِ أَدْنَىٰ أَعْيُنِنَا صَدَقُوا وَ لَعْنَمَ الْكَاذِبِينَ: <sup>۱</sup> خداوند تو را بخشید؛ چرا پیش از آنکه راستگویان و دروغگویان را بشناسی، به آنها اجازه دادی؟! (خوب بود صبر می‌کردی، تا هر دو گروه، خود را نشان دهند)". خداوند ابتدا با عفو و بخشش با پیامبرش سخن می‌گوید و سپس انتقاد را مطرح می‌کند.

همچنین می‌توان زمانی که یکی از همسران از دیگری اشتباهی مشاهده کرد، به جای انتقاد صریح با جمله‌ای پرسشی خطای او را گوشزد کرد. به طور مثال به جای جمله «کار شما اشتباه است» این جمله را به کار ببریم: «فکر می‌کنی این کار صحیح است؟»

در مذمت انتقاد ناشایست از شوهر، امام صادق علیه السلام می‌فرماید: "هر زنی که به شوهر خویش

بگوید: هرگز من از روی تو خیری ندیدم، بدون تردید همه اعمال نیکش تباہ می‌شود."<sup>۲</sup>

۱. سوره مبارکه توبه/آیه ۴۳

۲. ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، ج ۵۵، ص ۸۸، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۳ ق

## ۱۴. پرسش مؤدبانه

گاهی برای امر مؤدبانه نیز، می‌توان از استفهام<sup>۱</sup> یا «طرح سؤال» استفاده کرد. قرآن کریم نهایت ادب حضرت موسی علیه السلام در برابر خضر نبی را به ما یادآوری می‌شود. زمانی که آن حضرت با خضر علیه السلام همراه می‌شود، از ایشان تقاضای تعلیم می‌کند: «قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَىٰ أَنْ تُعَلِّمَ مِنَّمَا عَلَّمْتَ رُشْدًا؟<sup>۲</sup> موسی به او گفت: «آیا از تو پیروی کنم تا از آنچه به تو تعلیم داده شده و مایه رشد و صلاح است، به من بیاموزی؟». پیامبر الهی با آن مقام بالا برای تقاضای همراهی با خضر، به جای امر با استفهام صحبت می‌کند.<sup>۳</sup> چه مانعی دارد زمانی که یکی از همسران از دیگری خواهشی دارد، به جای لحن طلبکارانه و امر و نهی از این شیوه استفاده کند.<sup>۴</sup> خانم فریده مصطفوی دختر امام خمینی تأکید می‌کرد ما هیچ وقت ندیدیم ایشان به مادرم بگویند «فلان کار را انجام بده» و یا حتی در طول این سالها یک بار بگویند: «چای برای من بریز».<sup>۵</sup>

۱. در قرآن بیش از ۱۲۶۰ مورد استفهام و پرسش آمده است. استفهام جستجوی آگاهی نسبت به چیزی است که قبلاً معلوم نبوده است، غرض از استفهام درخواست آگاهی از مجهولات می‌باشد. گاه استفهام از معانی اصلی خود خارج می‌شود. حدود ۳۰ معنای مجازی برای استفهام وجود دارد: مانند توییح، انکار، تشویق و تنبیه، تعجب، تقریر، امر و نهی و... به طور مثال در آیه: «وَقُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيَّةَ أَسْلَمْتُمْ» و به آنها که اهل کتاب هستند [یهود و نصاری] و بی‌سوادان [مشرکان] بگو: «آیا شما هم تسلیم شده‌اید؟...» استفهام به معنای امر است.

۲. سوره مبارکه کهف/ آیه ۶۶

۳. طباطبائی، محمد حسین، *المیزان*، ج ۱۳، ص ۴۷۶

۴. امر و نهی هم از گویشهای رایج قرآن است. امر درخواست پدید آوردن کاری از مخاطب است با شیوه برتری جویانه و وادار کننده و درخواست خودداری از انجام کار همراه با برتری جویی و الزام را نهی می‌نامند. صیغه امر نیز در برخی موارد از معنای اصلی خود خارج می‌شود. کاربرد این دو نوع گویش بیشتر در تربیت فرزند در سنین پایین کاربرد دارد.

۵. رحمتی، محمد، *گنجینه معارف*، ج ۲، ص ۲۶۷



## ۱۵. مجادله و مشاجره ممنوع

از مواردی که باعث از بین رفتن حرمت بین همسران می‌شود، مشاجرات لفظی است که در اسلام با عناوینی چون «جدال» و «مراء» مطرح می‌شود. «جدال» دلیلی است که صرفاً برای منصرف نمودن طرف مقابل به کار می‌رود بدون اینکه خاصیت روشنگری حق را داشته باشد<sup>۱</sup> و «مراء» بحث در مورد چیزی است که مورد تردید باشد.<sup>۲</sup> توصیه قرآن در این موارد، جدال احسن است: "...وَجَدِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ: ۳... و با آنها با روشی که نیکوتر است استدلال و مناظره کن....". در صورتی که مشکلات همچنان به قوت خود باقی است، زن و شوهر به خاطر حفظ صمیمیت و با اقرار به اینکه ممکن است حق با شما باشد، از بحث و گفتگوی بیش از حد پرهیزند.

در اهمیت ترک این موارد همین بس که پیامبر اکرم ﷺ برای ترک کننده مراء، بهشت را تضمین می‌کند: "مَنْ يَضْمَنُ لِي أَرْبَعَةَ بَارِعَةَ آيَاتٍ فِي الْجَنَّةِ... أَتُرِكَ الْمِرَاءَ وَإِنْ كُنْتَ مُحِقًّا: ۴ کیست که ضامن من باشد برای انجام چهار عمل در برابر چهار خانه در بهشت ... و از بگو مگو پرهیزد اگر چه حق با تو باشد".

## ۱۶. از این ادبیات استفاده نکنیم!

قرآن کریم برای سالم سازی جامعه اسلامی، دستورات اخلاقی زیبایی مطرح می‌کند: "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَر قَوْمٌ مِّن قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّن نِّسَاءٍ"

۱. طباطبائی، محمد حسین، المیزان، ج ۱۲، ص ۵۳۴

۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۳۸۴

۳. سوره مبارکه نحل / آیه ۱۲۵

۴. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۱۸

عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ...<sup>۱</sup> ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نباید گروهی از مردان شما گروه دیگر را مسخره کنند، شاید آنها از اینها بهتر باشند؛ و نه زنانی زنان دیگر را، شاید آنان بهتر از اینان باشند؛ و یکدیگر را مورد طعن و عیبجویی قرار ندهید و با القاب زشت و ناپسند یکدیگر را یاد نکنید...".

سالم سازی جامعه بدون اصلاح خانواده که کوچکترین واحد اجتماع است - ممکن نیست. ادبیات نامطلوبی چون تحقیر، توهین،<sup>۲</sup> تمسخر،<sup>۳</sup> عیبجویی و سرزنش از مواردی است که باعث از بین رفتن شخصیت افراد و سردی و بی مهری در روابط خانواده خواهد شد.

## ۱۶-۱. از بیان معصومین علیهم السلام

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هر که به منظور عیبجویی به دیدن برادرش برود، خدا در دنیا و آخرت او را نکوهش کند.»<sup>۴</sup> آن حضرت همچنین در نهی تحقیر می‌فرماید: «هر که مؤمنی را خوار شمارد چه مستمند باشد یا غیر مستمند، خدای عزوجل پیوسته وی را

۱. سوره مبارکه حجرات/آیه ۱۱

۲. خطاب اهانت، از خطباتی است که مخصوص اهل جهنم می‌باشد. جهنمیان از خدا درخواست بازگشت به دنیا می‌کنند تا عمل صالح انجام دهند. خداوند برای زجر و عذاب آنها، با لحنی تند آنها را مورد خطاب قرار می‌دهد. دلیل آن را نیز در ادامه آیات بیان می‌کند. آنها کسانی بودند که در دنیا مؤمنان را به خاطر عقاید پاکشان مسخره می‌کردند. صاحب تفسیر نمونه می‌نویسد: «کسانی که عقاید حق و حقیقت را مسخره کنند، حتی در خور خطاب به یک انسان نیستند و مستحق بدترین تحقیرها می‌باشند». توهین و اهانت از رذایل اخلاقی است که چه در روابط خانوادگی و چه در روابط اجتماعی، مذموم شمرده شده است.

۳. از طرفی آیاتی در قرآن وجود دارد که به تحکم و استهزاء برخی افراد پرداخته است. این آیات نیز خطاب به جهنمیان می‌باشد و این گونه خطاب، نوعی عذاب روانی آنهاست. این افراد در دنیا برای خود کرامتی موهومی قائل بودند که برپایی قیامت را انکار می‌کردند. در سوره هود نیز حضرت نوح در برابر استهزاء کافران، مقابله به مثل می‌کند. در جواب به شبهه زشت بودن تمسخر، پاسخ داده شده که ابتدا به این کار زشت می‌باشد، ولی برای کیفر مسخره کننده و مقابله به مثل ایرادی ندارد، خصوصاً اینکه در اینجا فایده عقلایی داشته و برای پیشبرد اهداف و اتمام حجت بوده است.

۴. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، *آداب معاشرت از دیدگاه معصومان علیهم السلام* (ترجمه وسائل الشیعة)، ص ۱۹۸، ترجمه محمد علی فارابی - یعسوب عباسی علی کمر، مشهد، چاپ پنجم، ۱۳۸۰ ش.



خوار دارد و بر او خشمناک است تا آنگاه که از تحقیر کردن آن مؤمن بازگردد (و به او احترام نماید).<sup>۱</sup>

پیامبر اکرم ﷺ در تحریم اهانت به مؤمن فرمود: "خدای عزوجل فرموده است: هر که به یکی از دوستان من اهانت کند محققا در جنگ با من کمین کرده است."<sup>۲</sup>

استهزاءِ دیگران که شامل عیبجویی در نهان و آشکار و دادن القاب زشت به آنها می‌شود نیز در حقیقت نوعی تحقیر و توهین به آنها محسوب می‌شود.

## ۱۶-۲. عاقبت خوار شمردن

شخصی در بنی اسرائیل فاسد بود به طوری که همه او را از خود راندند. روزی آن شخص از راهی می‌رفت، به عابدی برخورد کرد که کبوتری بالای سر او پرواز می‌کرد. نزد آن عابد رفت و همان جا نشست. وقتی عابد او را دید با خود گفت: من عابد هستم و این شخص فاسد است. چگونه در کنار من بنشیند، از او روگردانید و گفت: از نزد من برخیز! خداوند به پیامبر آن زمان وحی فرستاد که نزد آن دو نفر برو و بگو اعمال خود را از سر گیرند؛ زیرا من تمام گناهان آن فاسد را بخشیدم و اعمال آن عابد را (به خاطر خودبینی و تحقیر آن شخص) محو کردم.<sup>۳</sup>

۱. همان، ص ۱۹۵

۲. حر عاملی، محمد بن حسن، آداب معاشرت از دیدگاه معصومان علیهم‌السلام، ص ۱۹۲

۳. محمدی، محمد حسین، هزار و یک حکایت اخلاقی، ص ۵۰۶

## ۱۷. لعن و نفرین نکنیم

یکی دیگر از ادبیات نامطلوب، لعن و نفرین است.<sup>۱</sup> امام صادق علیه السلام در باب تحریم لعن مؤمن فرمود: "هنگامی که لعن از دهن گوینده اش بیرون آید، بین گوینده و لعن شونده در هوا مردّد می ماند، اگر لعن شونده را سزاوار یافت بر او فرود می آید، و آلا به گوینده اش باز می گردد؛ و گوینده به آن سزاوارتر است، بنابراین از لعن کردن مؤمن پرهیزید زیرا به خودتان باز می گردد."<sup>۲</sup>

استفاده کردن از این ادبیات در خانواده، ضمن سردی روابط بین اعضای خانواده باعث به وجود آمدن مشکلات بسیاری می شود.

## ۱۸. رعایت عفت کلام

قرآن کریم، رعایت اصول ادب و عفت کلام را حتی در برابر مشرکان لازم می داند: "وَلَا تَسْبُوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ...<sup>۳</sup> به (معبود) کسانی که غیر خدا را می خوانند دشنام ندهید...". در جنگ صفین دو تن از یاران امام علی علیه السلام به لشکریان معاویه ناسزا می گفتند. امام به آنها فرمود: من نمی پسندم که شما دشنام دهنده باشید، ولی اگر کردار آنها را افشا می کردید و گمراهی های آنها را بر می شمردید، در گفتار راست تر بودید و

۱. در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که مخاطبان خاصی را مورد نفرین قرار می دهد. مانند: "هَأَنْتُمْ أَوْلَاءِ تَجِبُونَهُمْ وَ لَا يُحِبُّونَكُمْ وَ تُمْنُونُ بِالْكِتَابِ كُلِّهِ وَ إِذَا لَقِوَكُمْ قَالُوا ءَأَمْنَا وَ إِذَا خَلَوْا عَضُوا عَلَيْكُمْ الْأَنَامِلَ مِنَ الْعِظِ قُلْ مُوتُوا بِغَيْظِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ... (آل عمران/۱۱۹): هنگامی که شما را ملاقات می کنند، (به دروغ) می گویند: «ایمان آورده ایم!» اما هنگامی که تنها می شوند، از شدت خشم بر شما، سر انگشتان خود را به دندان می گزند! بگو: «با همین خشمی که دارید بمیرید! خدا از (اسرار) درون سینه ها آگاه است." این آیه وصف منافقان اهل کتاب می باشد که خدا به خاطر اعمالشان آنها را مورد نفرین قرار می دهد. همچنین کافران نیز مورد لعن قرار می گیرند: "إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكُفْرِينَ وَ أَعَدَّ لَهُمْ سَعِيرًا (احزاب/۶۴): خداوند کافران را لعن کرده (و از رحمت خود دور داشته) و برای آنان آتش سوزاننده ای آماده نموده است."

۲. حر عاملی، محمد حسن، *آداب معاشرت از دیدگاه معصومان علیهم السلام*، ص ۲۱۲

۳. سوره مبارکه انعام/آیه ۱۰۸





عذرتان رساتر بود.<sup>۱</sup>

در محیط خانواده که زن و شوهر از یک روح و تن هستند، حکم مشخص است. از دید اسلام زن بد دهن، مایه تیرگی زندگی است.<sup>۲</sup> امام علی علیه السلام می فرماید: سخن زشت باعث کینه ور شدن دلها می شود.<sup>۳</sup> این اعمال علاوه بر نابود شدن شخصیت فرد، باعث دریده شدن حرمت ها نیز می شود.

زبان در کش ای مرد بسیار دان	که فردا قلم نیست بر بی زبان
صدف وار گوهر فشانان راز	دهن جز به لؤلؤ نکرند باز
نباید سخن گفت ناساخته	«نشاید بریدن نینداخته»
تأمل کنان در خطا و صواب	به از ژاژ خایان حاضر جواب
کمال است در نفس انسان سخن	تو خود را به گفتار ناقص مکن
کم آواز هر گز نبینی خجل	جوی مشک بهتر ز یک توده گل
حذر کن ز نادان ده مرد گوی	چو دانا یکی گوی و پرورده گوی
صد انداختی تیرو هر صد خطاست	اگر هوشمندی یک انداز و راست
از آن مرد دانا، دهان دوخته است	که بیند که شمع از زبان سوخته است <sup>۴</sup>

۱. ادیبانی - ترابی، سید علیرضا - حسین، *موعظه خوبان*، ص ۵۴، قم، پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق، چاپ اول، پاییز ۹۴

۲. محمدی ری شهری، محمد، *تحکیم خانواده*، ص ۲۸۶

۳. همان، *میزان الحکمه*، ج ۱۰، ص ۱۸۸: «یاکَ وَ مُسْتَهْجَنُ الْکَلَامِ فَإِنَّهُ یُوغِرُ الْقَلْبَ»

۴. بوستان سعدی، ص ۳۷۱

## ۱۹. آموزش نحوه بیان به طور مستقیم

از سن سه سالگی، رشد کلامی کودک افزایش یافته و فرد توانایی بیان داشته و قادر به برقراری ارتباط کلامی است. به دلیل تقلیدپذیری کودک، محیط بر نوع گویش فرد تأثیر زیادی دارد. در این دوره نوع گویش، به طور مستقیم به کودک آموزش داده می‌شود.

والدین در ارتباط با کودک باید ضمن استفاده از واژه‌های زیبا و با مفهوم عالی، آن مفاهیم را در زیباترین قالب بیان کنند. گفتار زیبا همراه با لحن عاطفی ضمن اثر بخشی بر روان کودک، بر اطاعت کودک از والدین تأثیر زیادی خواهد داشت. ضمن اینکه اثر این عمل به طور طبیعی به خود والدین نیز برمی‌گردد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: "أَجْمَلُوا فِي الْخُطَابِ تَسْمَعُوا جَمِيلَ الْجَوَابِ: <sup>۱</sup> نیکو سخن گوید تا جواب زیبا بشنوید". والدین در هنگام تعامل با کودک نیز، باید از ادبیات مطلوب که قبلاً اشاره شد، استفاده کنند.

## ۲۰. در پرده سخن گوی

علاوه بر مواردی که قبلاً اشاره شد، اصل پوشیده گویی در کلام نیز باید رعایت شود و از تحریک کودکان جلوگیری شود. قرآن کریم ماجرای عشق زلیخا به یوسف را با پوشیدگی مطرح می‌کند: "وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٖ وَهَمَّ بِهٖ الْوَلَّىٰ أَنْ رَرَءَ اِبْرَهْنَ رَبِّهٖ...: آن زن قصد او کرد و او نیز اگر برهان پروردگار را نمی‌دید - قصد وی می‌نمود...". حافظ در این باره می‌فرماید:

من از آن حسن روز افزون که یوسف داشت دانستم

که عشق از پرده عصمت برون آرد زلیخا را

۱ تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، *عمر الحکم و درر الکلم*، محقق / مصحح: رجائی، سید مهدی ص ۱۵۸، دار الکتاب الإسلامی، قم، ۱۴۱۰ ق  
۲ سوره مبارکه یوسف / آیه ۲۴



## ۲۱. برچسب نزنیم

گاهی والدین در قبال اشتباهات فرزندان، به آنها برچسب‌هایی می‌زنند نظیر: ترسو، بزدل، بی‌عرضه، دروغگو! و ... زمانی نیز او را ناتوان خطاب می‌کنند. مثل: تو نمی‌توانی؟! ... به کار بردن این گونه خطابات در خانواده ممنوع است.<sup>۱</sup>

## ۲۲. پیشگیری قبل از درمان

والدین برای پیشگیری از بروز بیماری جسمی، فرزند خود را از نزدیک شدن به محیط‌های آلوده دور نگه می‌دارند، در حالی که اکثر آنها نسبت به لغزشهای روحی او غافل هستند!!! قبل از اقدام به تربیت فرزند، باید نسبت به ایجاد زمینه‌های مطلوب اقدام نموده تا فرد در محیطی سالم پرورش یابد. بعد از تولد نیز والدین باید در ایجاد شرایط مطلوب برای جلوگیری از رفتارهای ناهنجار بکوشند. قرآن کریم، انسان را از نزدیک شدن به برخی حالاتی که امکان لغزش در آنها وجود دارد نهی می‌کند: "... \* وَلَا تَقْرَبُوا

۱. از دیگر خطابات مذموم، خطاب تکذیب و تعجیز می‌باشد. این گونه خطابات، نسبت دروغ و ناتوانی دادن به کسانی است که در برابر حق و حقیقت جبهه گرفته‌اند و ادعاهای واهی دارند. خداوند نیز آنها را دعوت به مقابله کرده است. خطاب تعجیز مانند این آیه: "وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ... بقره/۲۳): اگر دربارۀ آنچه بر بنده خود پیامبرانازل کرده‌ایم شک و تردید دارید (دست کم) یک سوره همانند آن بیاورید...". قرآن کریم در آیات متعددی منکران نبوت و قرآن را دعوت به تحدی می‌کند تا به این ترتیب عجز آنها دلیلی محکم بر اصالت قرآن باشد. امر در «فأتوا» امر تعجیزی است تا به همه بفهماند که قرآن معجزه است و هیچ بشری نمی‌تواند نظیرش را بیاورد و این که این کتاب از ناحیه خدا نازل شده است و در آن هیچ شکی نیست و برای تاکید بیشتر می‌گوید گواهان خود را جز خدا دعوت به همکاری کنید. در نتیجه با قاطعیت تمام از عجز آنها سخن می‌گوید. خطاب تکذیب مانند این آیه: "كُلُّ الطَّعَامِ كَانَ حَلَالًا لِّبَنِي إِسْرَءِيلَ إِلَّا مَا حَرَّمَ إِسْرَءِيلُ عَلَىٰ نَفْسِهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُنَزَّلَ التَّوْرَةُ ۚ قُلْ فَأْتُوا بِالتَّوْرَةِ فَاتْلُوهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (آل عمران/۹۳): همه غذاها (ی پاک) بر بنی اسرائیل حلال بود، جز آنچه اسرائیل (یعقوب) پیش از نزول تورات، بر خود تحریم کرده بود؛ (مانند گوشت شتر که برای او ضرر داشت). بگو اگر راست می‌گویید تورات را بیاورید و بخوانید (نسبت‌هایی که به پیامبران پیشین می‌دهید حتی در تورات تحریف شده شما نیست)". در شأن نزول این آیه آمده است که از جمله ایرادات یهود به پیامبر اکرم این است که پیامبر گوشت و شیرشتر را حلال می‌داند ولی در آیین ابراهیم حرام بوده است و یهود هم به پیروی از ابراهیم بر خود حرام دانسته‌اند، حال آنکه چگونه پیامبر که دم از آیین ابراهیمی می‌زند آنها را حلال می‌داند. این آیه با صراحت تمام تهمت‌های یهود را رد می‌کند و آنها را تکذیب می‌کند و از آنها می‌خواهد که تورات موجود نزد خود را بیاورند و ادعای خود را ثابت کنند.

الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ...<sup>۱</sup>

... نزدیک کارهای زشت نروید چه آشکار باشد چه پنهان...! والدین می توانند با خطابی عاطفی فرزندان خود را از موقعیتهایی که امکان انحراف وجود دارد، آگاه کرده و آنها را بر حذر دارند.

عفت کلام والدین در گفتار نیز از جمله مواردی است که برای پیشگیری از انحراف کودک، مؤثر است.

## ۲۳. روش تشویق

از مؤثرترین روشهای تربیتی روش تشویق می باشد.<sup>۲</sup> میل به تشویق از تمایلات فطری بشری است و هر انسانی نیاز دارد تا کارهای خوب او مورد تحسین واقع شود. بر خلاف تصور برخی والدین، کودک در دوره طفولیت، معنای کلمات تشویقی و تمجیدی را می فهمد. در این دوران، انضباط طفل از طریق کنترل خارجی (والدین) صورت می گیرد. والدین باید با صبر و حوصله به کودکان آموزش دهند صحیح چیست و غلط کدام است. این کار باید مبتنی بر تشویق باشد. در دوران خردسالی نیز کودک با تقلید از دیگران رفتارهای تازه ای فرا می گیرد که برای افزایش و نگهداری رفتارهای مطلوب در سنین

۱. سوره مبارکه انعام/آیه ۱۵۱

۲. تشویق یعنی ارائه عاملی خوشایند به دنبال رفتار برای تکرار رفتار و تنبیه یعنی ارائه عاملی ناخوشایند به دنبال رفتار برای کاهش رفتار. خداوند یکی از اهداف ارسال رسل را تبشیر و انداز مردم می داند: "إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا ... ما تو را به حق برای بشارت و بیم دادن (مردم جهان) فرستادیم..." (سوره مبارکه بقره/آیه ۱۱۹). بخش مهمی از انگیزه های تربیتی و حرکت های اجتماعی را تشویق و تنبیه تشکیل می دهد. طبیعت انسان معمولاً گرایش به تشویق دارد، ولی به دلیل اینکه انسان از خطا مصون نیست تشویق به تنهایی کارساز نمی باشد، از این رو خداوند از هر دو روش برای تربیت مخاطبین خود استفاده می کند. به طور مثال خداوند برای تشویق مؤمنان به انجام اعمال نیک، پاداش آن را ده برابر و برای تنبیه جزای آن را تنها یک برابر ذکر می کند: "مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يَجْزِي إِلَّا مِثْلُهَا وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ: هر کس کار نیکی بجا آورد، ده برابر آن پاداش دارد، و هر کس کار بدی انجام دهد، جز بمانند آن، کیفر نخواهد دید؛ و ستمی بر آنها نخواهد شد (سوره مبارکه انعام/آیه ۱۶۰)



بالا تر، نیاز به تشویق نیز افزایش می‌یابد.

با تشویق رفتار و گفتارهای مطلوب کودک، ضمن رغبت به تکرار آنها، انگیزه فرد نسبت به رفتارهای نامطلوب کاهش می‌یابد. امام علی می‌فرماید: "أَزْجُرَ الْمُسِيءَ بِتَوَابِ الْمُحْسِنِ" <sup>۱</sup>: بد کار را با پاداش دادن به نیکوکار آزار ده."

### ۲۳-۱. شیوه‌های مختلف تشویق

قرآن از روشهای مختلف برای تشویق مخاطب استفاده می‌کند. یکی از این روشها، مبالغه در پاداش می‌باشد: "مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظَاهَمُونَ...": هر کس کار نیکی به جا آورد ده برابر پاداش دارد...".

از دیگر روشهای قرآن، مبالغه در عفو می‌باشد. در این روش والدین (مری)، به محض دیدن اولین خطا در پی مجازات بر نمی‌آید و ابتدا به عفو می‌کند. قرآن کریم درباره عفو الهی خطاب به بندگانش می‌فرماید: "وَمَا أَصْبَرُكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ": <sup>۲</sup> هر مصیبتی به شما رسد بخاطر اعمالی است که انجام داده‌اید، و بسیاری را نیز عفو می‌کند!". والدین می‌توانند از این روشها برای تربیت کودکان استفاده کنند.

۱. نهج البلاغه، حکمت ۱۷۷، ص ۶۶۶

۲. سوره مبارکه انعام آیه ۱۶۰

۳. سوره مبارکه شوری آیه ۳۰

## ۲۲-۲. اثرات تشویق

با تشویق فرزندان می‌توان کارهای مثبت کودک را افزایش داد. برای این کار، می‌توان پس از انجام رفتار مثبت توسط کودک، محرک خوشایندی را به وی ارائه داد که باعث افزایش رفتار فرد شود.<sup>۱</sup> این محرک خوشایند که در روانشناسی به آن «تقویت مثبت» می‌گویند، می‌تواند به صورت تحسین و تمجید و یا بیان عبارتِ محبت‌آمیز باشد که همان «تشویق کلامی» است و یا با دادن پاداش و جایزه صورت گیرد که به آن تشویق غیر کلامی گویند.

امام صادق علیه السلام در اهمیت و پاداش تشویق کلامی می‌فرماید: "مَنْ قَالَ لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ مَرْحَبًا كَتَبَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ مَرْحَبًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ" <sup>۲</sup> هر کس به برادر مؤمن خود مرحبا بگوید خدای متعال تا روز قیامت برای او مرحبا و آفرین می‌نویسد".

## ۲۴. روش ترغیب

ترغیب در متون دینی یعنی ایجاد میل و رغبت در فرد برای انجام اوامر الهی.<sup>۳</sup> در علم روانشناسی به تمایل و گرایش فرد برای انجام کاری انگیزش گویند. انگیزش عامل مهمی برای هدایت و ثبت رفتار است. نیروی انگیزش هم در درون فرد وجود دارد مثل انگیزه حقیقت‌جویی و هم از محیط به فرد وارد می‌شود.<sup>۴</sup>

از مهمترین انگیزه‌های انسان، کسب سود و دفع ضرر است. در تربیت کودک،

۱. اتکینسون، ریتا-ال، *زمینه روانشناسی هیلگارد*، ص ۲۶۳: در روانشناسی به این روش شرطی شدن عامل (کنشگر) گویند.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، *کافی*، ج ۲، ص ۲۰۶

۳. داوودی، محمدسیره *تربیتی پیامبر و اهل بیت*، ص ۱۶۳، زیر نظر علیرضا اعرافی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ دوم، ۱۳۸۴

۴. سیف، علی اکبر، *روانشناسی تربیتی*، ص ۳۴۸



می‌توان با تحریک،<sup>۱</sup> او را بر انجام کارهای مثبت تشنه کرد و به او انگیزه داد. ترغیب گاهی قبل از عمل و گاهی بعد از عمل صورت می‌گیرد.

آب کم جو تشنگی آور بدست      تا بجوشد آبت از بالا و پست مولوی

## ۲۴-۱. شیوه‌های ترغیب

### ۲۴-۱-۱. وعده دادن

یکی از اهداف قرآن در توصیف بهشت، ترغیب مخاطب به انجام اعمال خیر است. قرآن کریم برای ایجاد انگیزه در فرد، وعده بهشت و پاداش به او می‌دهد. یکی از پاداش‌های بهشتیان، استفاده از نعمتهای مادی است: "وَفَاكِهَةٍ مِّمَّا يَتَخَيَّرُونَ"<sup>۲</sup> و میوه‌هایی از هر نوع که انتخاب کنند. با توجه به رشد ذهنی عینی کودکان، برای ترغیب آنها می‌توان به آنها خوراکی‌هایی را که مطلوبشان است، وعده داد. همچنین تشویق کودک بعد از انجام فعل مثبت، انگیزه او را برای تکرار عمل افزایش می‌دهد و کودک برای این کار، رغبت بیشتری به خرج می‌دهد. والدین برای نگهداری انگیزه در فرد می‌توانند از تقویت متناوب<sup>۳</sup> استفاده کنند، به این صورت که گاهگاهی کودک را مورد تشویق قرار دهند.

۱. در قرآن خطاباتی برای تحریک افراد وجود دارد. مانند آیه: "قَالُوا حَرِّقُوهُ وَانصُرُوا آلِهَتَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ (انبیاء/۶۸): گفتند او را بسوزانید و خدایان خود را یاری کنید اگر کاری از شما ساخته است". زمانی که قوم ابراهیم زیر بار استدلالهای منطقی و عملی او نرفتند و لجابت آنها مانع پذیرش حق شد، اقدام به کشتن و سوزاندن او کردند و مردم را برکشتن آن حضرت تحریک کردند. این تهییج و تحریک منفی از جمله «ان کنتم فاعلین: اگر مرد عملید» بخوبی نمایان است. سلطه گران با شعارهایی چون «غیرت شما کجاست؟ چرا خدایان خود را یاری نمی‌دهید؟» مردم را علیه ابراهیم شوراندند به طوری که تاریخ نویسان نوشته‌اند چهل روز مردم برای جمع‌آوری هیزم کوشیدند.

۲. سوره مبارکه واقعه/ آیه ۲۰

۳. تقویت متناوب، روشی است برای جلوگیری از خاموشی یا نگهداری رفتار و به دو صورت تقویت نسبی و فاصله ای می‌باشد که هر یک از اینها نیز به دو صورت ثابت و متغیر است. تقویت نسبی ثابت: عمل تقویت پس از تکرار تعداد معینی از پاسخ انجام می‌گیرد. به طور مثال به ازای هر چند مرتبه نماز خواندن، کودک امتیاز یا جایزه می‌گیرد. در تقویت نسبی متغیر، از پیش

## ۲۴-۱-۲. بشارت دادن

یکی از انواع ترغیب، بشارت دادن یا «تبشیر» می‌باشد. تربیت، مستلزم تن دادن به تکالیف است و این امر باعث از بین رفتن رغبت در فرد می‌شود. زمانی که فرزند از نیت اعمال آگاهی یافت، می‌توان آن را به پاداش‌های بهشتی بشارت داد. بشارت دادن به این عطاها، امید را در فرد شکوفا می‌کند و او را آماده قبول زحمت می‌کند. تبشیر معمولاً قبل از عمل ظهور می‌کند. امام صادق علیه السلام در ترغیب مؤمنان به ذکر می‌فرماید: «قَالَ جَبْرِئِيلُ عليه السلام لِرَسُولِ اللَّهِ ص طُوبَى لِمَنْ قَالَ مِنْ أُمَّتِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ. <sup>۱</sup> جبرئیل به رسول الله فرمود: خوشا به حال کسی از امت که این ذکر را بگوید: لا اله الا الله وحده وحده».

گاهی نیز تبشیر بعد از عمل انجام می‌شود. در قرآن کریم مؤمنان در برابر سه عمل ایمان، جهاد و هجرت، به بهشت بشارت داده می‌شوند: «يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِّنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَّهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ» (\*). «خَلِدِينَ فِيهَا أَبَدًا إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ» <sup>۲</sup> پروردگارشان آنها را به رحمتی از ناحیه خود، و رضایت (خویش)، و باغهایی از بهشت بشارت می‌دهد که در آن، نعمتهای جاودانه دارند. همواره و تا ابد در این باغها (و در میان این نعمتها) خواهند بود؛ زیرا پاداش عظیم نزد خداوند است».

چنین قفس نه سزای چو من خوش الحان است

روم به گلشن رضوان که مرغ آن چمنم حافظ

معلوم نیست به ازای چند رفتار (نماز) کودک پاداش می‌گیرد. در تقویت فاصله ای ثابت، به جای تعداد پاسخ معین، پس از طی مدت زمان ثابت، رفتار تقویت می‌شود به طور مثال، آخر هفته به خواندن نماز، پاداش می‌دهد ولی در تقویت فاصله ای متغیر مثلاً در یکی از روزهای هفته از او نماز خواندن را بخواهد و جایزه دهد. (مشکاتی، تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۷۰)

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی (ط-اسلامیه)، ج ۲، ص ۵۱۷

۲. سوره مبارکه توبه/ آیات ۲۱-۲۲





### ۲۴-۱-۳. بیان محبت نسبت به عمل

خداوند در قرآن کریم، بعد از امر به ارزش‌های اخلاقی، محبت خود را نسبت به عاملان آن ابراز می‌کند: "...وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ" <sup>۱</sup> ... نیکی کنید که خدا نیکوکاران را دوست دارد. "بیان محبت والدین نسبت به این اعمال نیز، در فرزند ایجاد انگیزه و رغبت می‌کند.

امام صادق علیه السلام فرمود: ما دوست داریم کسی را که عاقل، فهمیده، فقیه، خویشتن دار، بامدارا، بردبار، راستگو و با وفا باشد. <sup>۲</sup>

### ۲۴-۲. با چه بیانی ترغیب کنیم؟

۱. گاهی قرآن برای ترغیب مؤمنان به کارهای نیک، آنها با لحن پرسشی مورد خطاب قرار می‌دهد. به طور مثال برای تحریک به ایمان و جهاد، تعبیر تجارتی پر سود را به کار می‌برد: "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِّنْ عَذَابِ أَلِيمٍ؟" <sup>۳</sup> ای کسانی که ایمان آورده اید! آیا شما را به تجارتی راهنمایی کنم که شما را از عذاب دردناک رهایی می‌بخشد؟". این شیوه را می‌توان برای ترغیب نوجوانان به کار برد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ترغیب مؤمنان به خوش رفتاری فرمود: آیا خبر ندهم شما را از کسی که فردا (روز قیامت) آتش دوزخ بر او حرام می‌شود؟ گفتند چرا یا رسول الله، فرمود: کسی که خوشخو و خوشرفتار باشد. <sup>۴</sup>

۱. سوره مبارکه بقره/آیه ۱۹۵

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۳، ص ۱۴۵

۳. سوره مبارکه صف/آیه ۱۰

۴. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، آداب معاشرت از دیدگاه معصومان علیهم السلام (ترجمه وسائل الشیعة)، ص ۱۱۹

۲. بیان فضائل اعمال نیک و آثار آن در قالب مثالهای زیبا، می تواند مخاطب را به انجام این کارها ترغیب کند.<sup>۱</sup> پیامبر اکرم ﷺ برای بیان آثار نماز، تشبیه زیبایی به کار می برد: "لَوْ كَانَ عَلَى بَابِ دَارٍ أَحَدٍ كَرِهَتْهُ فَأَعْتَسَلَ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْهُ حَمْسَ مَرَّاتٍ أَكَانَ يَبْقَى فِي جَسَدِهِ مِنَ الدَّرَنِ شَيْءٌ قُلْتَالَا قَالَ فَإِنَّ مَثَلَ الصَّلَاةِ كَمَثَلِ نَهْرِ الْجَارِي كَمَا صَلَّى صَلَاةً كَفَرَتْ مَا بَيْنَهُمَا مِنَ الدُّنُوبِ:"<sup>۲</sup> اگر بر در خانه یکی از شما نهی بود که هر روز در آن پنج بار خود را شستشو می دادید، آیا چرک و آلودگی بر بدن او باقی می ماند گفتیم نه. فرمود: مثل نماز مانند نهی است زمانی که نماز گزار نماز می خواند همه گناهان او پاک می شود."

۳. از دیگر روشها برای ترغیب نوجوان، تبیین جایگاه عمل است. پیامبر اکرم ﷺ در تبیین جایگاه نماز فرمودند: "جُعِلَ قُرَّةُ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ...<sup>۳</sup> نور چشم من در نماز قرار داده شده است...".

همه ما تا به حال این قضیه را شنیده ایم که امام صادق علیه السلام در آخرین لحظات زندگی عمر مبارک، خویشان و نزدیکان خود را جمع می کند. همه منتظرند تا بدانند که امام در

۱. نوعی دیگر از گویشهای رایج قرآن مثل است. مثل یعنی تشبیه حقایق عقلی به امور حسی و قابل لمس. اکثر مردم قابلیت فهم و جذب بسیاری از مسائل عقلی را پیدا نمی کنند، زیرا بیشتر آنها به محسوسات و عینیات عادت کرده اند. خداوند متعال برخی از مفاهیم عقلی را در قالب مثالها بیان فرموده است تا عموم مردم، آنها را به تناسب فهم خود دریابند. مثل گاهی عملی است و به زبان کردار بیان می شود و گاهی لفظی است و به زبان گفتار. مثلهای قرآن از نوع دوم است. نمونه ای از مثلهای قرآن در آیه زیر آمده است: "مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْفَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَ تَرَكَهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَا يُبْصِرُونَ: أَنَا [مَنَافِقَان] همانند کسی هستند که آتشی افروخته (تا در بیابان تاریک، راه خود را پیدا کند)، ولی هنگامی که آتش اطراف او را روشن ساخت، خداوند (طوفانی می فرستد و) آن را خاموش می کند؛ و در تاریکیهای وحشتناکی که چشم کار نمی کند، آنها را رها می سازد." حال منافقان در این آیه مانند کسی می ماند که در ظلمتی کور قرار گرفته به طوری که خیر و شر را از یکدیگر تشخیص نمی دهد و برای برطرف شدن آن ظلمت، دست به اسباب روشنی می زند یا آتشی روشن می کند تا با آن اطراف خود را ببیند و زمانی که آتش را روشن می کند و پیرامونش روشن می شود، خداوند به وسیله ای مانند باد یا باران آن آتش را خاموش می کند و دوباره به همان ظلمت گرفتار می شود. منافقین نیز اینگونه اند، خود را به ظاهر مؤمن تلقی کرده و از این طریق از منافی چون ارث و ازدواج با مومنین بهره مند می شوند، ولی زمان مرگشان که موقع برخورداری از آثار ایمان است، خداوند نور ایمان را از آنها گرفته و آنچه بعنوان دین انجام داده اند را باطل می کند و در ظلمتشان قرار می دهند تا هیچ چیز درک نکنند.

۲. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، ج ۱۴، ص ۱۲

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، *کافی* (ط - دار الحدیث)، ج ۱۰، ص ۵۶۳



این لحظه حساس چه می‌خواهد بگوید؟! امام خطاب به آنها فرمود: « شفاعت ما هرگز نصیب کسانی که نماز را سبک بشمارند، نخواهد شد»<sup>۱</sup>

## ۲۵. ایجاد جو حسن و قبح

یکی از زمینه‌های مهم تربیتی، ایجاد جو حسن و قبح در خانواده می‌باشد. در فضای خانواده، باید خوبیها، صفات پسندیده و هنجارها زیبا شمرده و در مقابل بدیها، رفتارهای پلید و ناهنجاریها، زشت تلقی شود. در این صورت جو حسن و قبح حاکم می‌شود.<sup>۲</sup> درک حسن و قبح نیازی به استدلال و برهان ندارد، چرا که خداوند درک این امور را در درون انسانها قرار داده و هر انسان عاقلی آن را درک می‌کند. در محیط خانواده علاوه بر ایجاد جو عاطفی، وجود جو حسن و قبح نیز لازم می‌باشد و در تربیت فرزندان همواره باید بین این دو جو به طور متعادل در خانواده حاکم باشد. وجود جو حسن و قبح در روابط بین همسران و نیز والدین و فرزندان، به سالم ماندن روابط کمک می‌کند.

## ۲۵-۱. نحوه گفتگو چگونه باشد؟

در دوران کودکی می‌توان از ادبیات امر و نهی، برای ایجاد جو حسن و قبح در خانواده بهره برد. قرآن کریم نیز مخاطبان خود را با امر و نهی در این فضا قرار می‌دهد: "... وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ: "... با صادقان باشید" "وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ: "... و از غافلان مباش". با رشد فرزند و رسیدن او به سن بلوغ، ادبیات امر و نهی باید کمتر استفاده شود. از

۱. رحمتی، محمد، گنجینه معارف، ج ۲، ص ۸۲۷

۲. مشکاتی، حسن، تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۵۲

۳. سوره مبارکه توبه/آیه ۱۱۹

۴. سوره مبارکه اعراف/آیه ۲۰۵

این رو در دوره نوجوانی، برای ایجاد این جو، نوجوان تشویق به فکر کردن در مورد اعمال خود می‌شود. قرآن کریم از این ادبیات نیز، در آیات متعددی استفاده کرده است: "... أَفَلَا تَعْقِلُونَ<sup>۱</sup> ... آیا نمی‌اندیشید".

تفکر در اعمال باعث می‌شود انسان حسن و قبح اعمال را تشخیص دهد. امام علی علیه السلام چه زیبا می‌فرماید: "فِكْرُ الْمَرْءِ مَرَّاةٌ تُرِيهِ حُسْنَ عَمَلِهِ مِنْ قُبْحِهِ"<sup>۲</sup> فکر انسان آینه ای است که زشت و زیبای رفتار آدمی را به او نشان می‌دهد. همانطور که آینه زیبایی و زشتی چهره ظاهری را به ما نشان می‌دهد، اندکی تفکر نیز ما را به زشت و زیبای رفتارمان رهنمون می‌کند.

## ۲۵-۲. با او قهر کن

در کودکانی که از محبت دائمی والدین برخوردارند، بیان قهر، تأثیر بازدارندگی در رفتارهای نامطلوب فرد دارد. فردی نزد امام موسی علیه السلام از فرزندش شکایت کرد. حضرت به او فرمود: "لَا تَضْرِبْهُ وَاهْجُرْهُ وَلَا تُطِلْ"<sup>۳</sup> او را نزن و با او قهر کن ولی قهر را طولانی نکن."

همچنین نکوش عمل همراه با خطاب تنفیر (نفرت و بیزاری)<sup>۴</sup> نیز، می‌تواند فرد را از

۱. آیات سوره مبارکه: بقره، ۴۴ و ۷۶؛ آل عمران، ۶۵؛ انعام، ۳۲؛ اعراف، ۱۶۹؛ یونس، ۱۶؛ هود، ۵۱ و ...

۲. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، *معرور بالحکم و درر الکلم*، ص ۴۸۲

۳. مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار*، ج ۱۰۱، ص ۹۹

۴. مانند آیه ۱۲ سوره حجرات: "... وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا أ يَحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ ... هیچ یک از شما دیگری را غیبت نکند آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟ (به یقین) همه شما از این امر کراهت دارید". یکی از دستورات اخلاقی در قرآن عدم غیبت مسلمانان و افشای عیوب آنهاست. قرآن احوال غیبت کننده را به زشت‌ترین وجهی که انسان از آن کراهت دارد ترسیم می‌کند تا به این وسیله قبح و زشتی این عمل به خوبی روشن شود. آبروی مسلمان در این آیه به گوشت تن او تشبیه شده و ریختن این آبرو مانند خوردن گوشت تن اوست در حالی که مرده باشد، زیرا در هنگام غیبت او مانند مرده‌ای بی دفاع است.



ارتکاب عمل ناشایست باز دارد. حضرت ابراهیم علیه السلام در محاجه با قومش، بیزاری خود را از شرک بیان می‌کند: "... قَالَ يَقَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ: <sup>۱</sup> ... گفت ای قوم من از شریکهای که شما (برای خدا) می‌سازید بیزارم". در این جا نفسِ عمل، موردِ نکوهش است نه فرد.

## ۲۶. انتخاب الگوی مناسب

برای انتخاب الگوی نمونه، مجموعه‌ای از رفتارها و حالات مطلوبی که از فرزند انتظار می‌رود و عملاً در وجود شخصی آشکار شده، در معرض دید فرزند (یا شاگرد) قرار داده می‌شود تا فرد از وی سرمشق گرفته و به تقلید از آن، رفتار کند. این روش تربیتی قرآن است و بهترین الگو را به مؤمنان معرفی می‌کند: "لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَذِكْرٍ...<sup>۲</sup> مسلماً برای شما در زندگی پیامبر سرمشق نیکویی بود...". پیامبر صلی الله علیه و آله در اخلاق، عبادت، روابط خانوادگی و اجتماعی بهترین خلق روزگار خود بود.

در سالهای اولیه کودکی، به دلیل تعاملات گسترده فرد با والدین و نیز روحیه الگو پذیری کودک، پدر و مادر بهترین الگو برای فرزندان خود می‌باشند. در خانواده‌های موفق، بسیاری از اعمال و آداب نیک پدر و مادر، بدون آموزش و به طور غیر مستقیم به فرزندان منتقل می‌شود. با این حال والدین می‌توانند فرد نمونه‌ای در محیط اطراف کودک (عمو، خاله، دایی، عمه...) را به عنوان الگو به فرزند معرفی کنند و اعمال و رفتار مطلوب او را به کودک یادآوری کنند.

۱. سوره مبارکه انعام/آیه ۷۸

۲. سوره مبارکه احزاب/آیه ۲۱

## ۲۶-۱. از داستان کمک بگیریم

برای ارائه الگو به خصوص در سنین کودکی، استفاده از داستان بسیار مؤثر است.<sup>۱</sup> با بیان داستان، کودک خود را در موقعیت آن قرار می‌دهد و به مقایسه خود با قهرمان داستان می‌پردازد. قرآن از این میل فطری انسان برای تربیت مخاطبانش استفاده می‌کند و الگوهای ناب و حقیقی در اختیار آنها قرار می‌دهد. همچنین گاهی برای ایجاد رغبت در مخاطب، داستان را با طرح سؤال آغاز می‌کند: "وَهَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى: <sup>۲</sup> آیا خبر موسی به تو رسیده است؟" از این روش می‌توان برای جلب توجه کودکان استفاده کرد. به طور مثال: بچه‌ها این داستان را شنیده‌اید؟

## ۲۶-۲. ویژگی داستانهای قرآن

قرآن در ویژگی داستانهای خود می‌فرماید: "لَنْ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ...: <sup>۳</sup> ما بهترین داستان را با وحی این قرآن بر تو می‌خوانیم...". «احسن القصص» ممکن است به معنای بهترین قصه و یا بهترین قصه سرایی باشد. پس آیه به این صورت معنا می‌شود: ما با وحی این قرآن، بهترین قصه‌ها را می‌سراییم.<sup>۴</sup> قرآن کریم در سوره یوسف، تصریح می‌کند در سرگذشت یوسف عليه السلام و برادرانش و انبیاء و رسولان گذشته و اقوام مؤمن و بی‌ایمان درسهای بزرگ عبرت برای دانشمندان است و آنچه که

۱. توجه دادن مخاطبان به سرگذشت اقوام و ملت‌های گوناگون در قالب داستان، از دیگر شیوه‌های بیانی قرآن کریم است. داستان پیامبران و امت‌های پیشین گاه به اختصار و گاه به طور مفصل در قرآن آمده است.

۲. سوره مبارکه طه/آیه ۹

۳. سوره مبارکه یوسف/آیه ۳

۴. طباطبائی، محمد حسین، المیزان، ج ۱۱، ص ۱۰۲



### ۲۶-۳-۱. از خدا جویم توفیق ادب

داستان خضر نبی و حضرت موسی علیه السلام (در صفحات قبل اشاره شد)<sup>۱</sup> و ادب آن حضرت در برابر معلم، یک الگوی بارز اخلاقی به شمار می‌رود. بیان این داستانها برای فرزند، ادب شاگرد در برابر معلم را به او می‌آموزد.

گویند ژنرالی مغرور سرباز ساده‌ای را دید که خونسرد و آرام از کنار او گذشت و سلام نظامی نداد. ژنرال با عصبانیت از سرباز پرسید: زمانی که یک ژنرال و یک سرباز همدیگر را در خیابان می‌بینند، کدامیک اول باید سلام کند؟ سرباز فکری کرد و گفت: هر کدام با ادب‌تر است!<sup>۲</sup>

### ۲۶-۴. دوران نوجوانی

یکی از ویژگیهای نوجوانی الگویابی است که در راستای رشد و شکل‌گیری هویت رخ می‌دهد، به طوری که نوجوان به دنبال الگویی است که آن را دوست داشته باشد و شخصیت و هویت خود را مطابق با هویت آن الگو کند. نظام الگوی رفتاری فرد مؤثر از ارزشهای حاکم بر آن فرد می‌باشد.<sup>۳</sup> از این رو شناساندن الگوهای ایمانی و اخلاقی، یکی از مهمترین وظایف والدین می‌باشد.

### ۲۶-۴-۱. معرفی الگوهای واقعی

قرآن کریم برای الگوسازی جوانان، مثالهای حقیقی را بیان کرده که می‌توانند به عنوان بهترین اسوه باشند. در پایان سوره تحریم، خداوند دو الگوی زن نمونه را مثال زده است.

۱. ر.ک: سؤال مؤدبانه

۲. رحمتی، محمد، گنجینه معارف، ج ۱، ص ۳۱

۳. سلیمانی فر، ثریا، بررسی شخصیت جوان از دیدگاه قرآن، حدیث و علم روانشناسی، ص ۱۵۱





اولی آسیه زن فرعون و دومی حضرت مریم علیها السلام به عنوان الگوی پاکدامنی: «وَمَرْيَمَ ابْتَتَّ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ عَلَيْهَا مِن فَحْشَاتِهَا»<sup>۱</sup> و همچنین به مریم دختر عمران [مثال زده است] که دامان خود را پاک نگه داشت، و ما از روح خود در آن دیدیم؛ او کلمات پروردگار و کتابهایش را تصدیق کرد و از مطیعان فرمان خدا بود».

و برای پسران جوان حضرت یوسف را الگوی نیکوکاری قرار داد: «وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ»<sup>۲</sup> و هنگامی که به بلوغ و قوت رسید، ما «حکم» [نبوت] و «علم» به او دادیم؛ و اینچنین نیکوکاران را پاداش می‌دهیم». آن حضرت در عفت و پاکی نیز نمونه بود؛ زمانی که در معرض گناه قرار گرفت، فرمود: «... قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ»<sup>۳</sup>... گفت پناه می‌برم به خدا! او [عزیز مصر] صاحب نعمت من است؛ مقام مرا گرامی داشته؛ (آیا ممکن است به او ظلم و خیانت کنم؟! مسلماً ظالمان رستگار نمی‌شوند!».

دامنی گر چاک شد در عالم رندی چه باک  
جامه‌ای در نیکنمایی نیز می‌باید درید حافظ

## ۲۶-۵. تأثیر الگو برداری

الگو برداری دو تأثیر متفاوت بر رفتار مشاهده کننده دارد:

۱. فرد از طریق مشاهده رفتارهای الگو و تقویت آن رفتارها، ترغیب به یادگیری شده و رفتار تازه یاد می‌گیرد.

۱. سوره مبارکه تحریم/ آیه ۱۲

۲. سوره مبارکه یوسف/ آیه ۲۲

۳. همان، ۲۳.

۲. مشاهده تنبیه الگوی مورد نظر، فرد را از ارتکاب عمل باز می‌دارد.<sup>۱</sup> هدف برخی از آیات قرآن که پیامبر اکرم ﷺ را مورد خطاب هشدار قرار داده، بازدارندگی دیگر مخاطبان می‌باشد. مانند: "يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ...<sup>۲</sup> ای پیامبر تقوای الهی پیشه کن و از کافران و منافقان اطاعت مکن...". در حدیثی از امام صادق آمده است: "إِنَّ اللَّهَ بَعَثَ نَبِيَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِإِيَّاكَ أَعْنِي وَأَسْمَعِي يَا جَارَه. یعنی به تو می‌گویم، ولی همسایه تو بشنو."<sup>۳</sup> در مثل فارسی می‌گوییم: به در می‌گوید دیوار بشنود.

## ۲۷. روش تلقین

گاهی با وجود رفتار مناسب الگو، کودک رفتارهای نامطلوبی از خود نشان می‌دهد. در این موارد می‌توان با تلقین، فعل مثبت را به کودک آموزش داد. تلقین به دو صورت قولی و فعلی می‌باشد. در تلقین فعلی کودک را در معرض فعلی قرار می‌دهیم تا از این طریق حالات مطلوب در درون او ایجاد شود. به طور مثال هنگام احسان به فقیر از کودک می‌خواهیم این کار را انجام دهد. در تلقین قولی از کودک می‌خواهیم سخنانی را بر زبان جاری کند و در نتیجه آن از حالات درونی مطلوبی برخوردار شود. از سن سه سالگی، والدین می‌توانند با بهره‌گیری از این روش و امر و نهی همراه با لحن عاطفی، کودکان را آماده تربیت اخلاقی، اعتقادی و اجتماعی کنند.

۱. سیف، علی اکبر، *تغییر رفتارها و رفتار درمانی*، ص ۳۵۲، تهران، نشر دوران، چاپ هشتم، ۱۳۸۵

۲. سوره مبارکه احزاب، آیه ۱

۳. هویزی، عبد علی *جمعه نور الثقلین*، ج ۴، ص ۲۳۴.



## ۲۷-۱. نمونه‌هایی از تلقین به کودک

❖ آموزش سلام و آداب معاشرت: "وَإِذَا حُيِّتُ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوْا بِأَحْسَنِ مِنْهَا أَوْ رُدُّوْهَا...<sup>۱</sup>  
هر گاه به شما تحیت گویند، پاسخ آن را بهتر از آن بدهید؛ یا (لا اقل) به همان گونه پاسخ گویند..."

❖ تشکر از خدا، والدین و دیگران: "وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ...<sup>۲</sup> و بگو ستایش برای خداوند است"

❖ پرهیز از توهین به والدین و کریمانه سخن گفتن با آنها: "...فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا...<sup>۳</sup> کمترین اهانتی به آنها روا مدار! و بر آنها فریاد مزن! و گفتار لطیف و سنجیده و بزرگوارانه به آنها بگو."

❖ بلند شدن مقابل پدر و مادر (تلقین فعلی) و قطع نکردن کلام ایشان.

❖ تکریم والدین و عدم خطاب آنها به اسم: "يَا بَت"<sup>۴</sup>

❖ گفتار نیک بر زبان آوردن: "...وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا...<sup>۵</sup> سخن نیک به مردم

بگویند..."

❖ آموزش اسامی ائمه معصومین مانند: تلقین ذکر «یا حسین» در هنگام نوشیدن آب.

۱. سوره مبارکه نساء/آیه ۸۶

۲. سوره مبارکه اسراء/آیه ۱۱۱

۳. سوره مبارکه اسراء/آیه ۲۳

۴. این روشی است که خداوند در جهت تکریم پیامبر اکرم ﷺ به کار برده است. ایشان در هیچ جای قرآن با اسم مورد خطاب قرار واقع نشده است و با خطاب «یا ایها النبی» و «یا ایها الرسول» مورد خطاب هستند. مفسرین می‌گویند: این به جهت تعظیم و تشریف آن حضرت و نیز تعلیم به مؤمنین است که آن حضرت را به نام صدا نزنند. گفتنی است که پیامبر اکرم با دو خطاب «یا ایها المزمّل» و «یا ایها المذثر» نیز مورد خطاب واقع شده‌اند. علامه طباطبائی در این باره می‌نویسد: «این نوع خطاب، انس و ملاطفت را می‌رساند و جنبه توبیخ یا تحسین را ندارد».

۵. سوره مبارکه بقره/آیه ۸۳

## ۲۷-۲. آموزش اذکار معنوی

در دوران کودکی مقدمات آشنایی با مسائل عبادی (نماز) و اعتقادی پایه ریزی می شود. در حدیث آمده است: "إِذَا بَلَغَ الْعُلَامُ ثَلَاثَ سِنِينَ يُقَالُ لَهُ سَبْعَ مَرَّاتٍ قُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ثُمَّ يُتْرَكُ حَتَّى يَتِمَّ لَهُ ثَلَاثُ سِنِينَ وَسَبْعَةُ أَشْهُرٍ وَعِشْرُونَ يَوْمًا يُقَالُ لَهُ قُلْ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَبَّحَ مَرَّاتٍ وَيُتْرَكُ حَتَّى يَتِمَّ لَهُ أَنْبَعُ سِنِينَ ثُمَّ يُقَالُ لَهُ سَبَّ مَرَّاتٍ قُلْ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ثُمَّ يُتْرَكُ حَتَّى يَتِمَّ لَهُ خَمْسُ سِنِينَ ثُمَّ يُقَالُ لَهُ أَيُّهَا يَمِينُكَ وَأَيُّهَا شِمَالُكَ فَإِذَا عَدَّ حَوْلَ وَجْهِهِ إِلَى الْقِبْلَةِ وَيُقَالُ لَهُ اسْجُدْ ثُمَّ يُتْرَكُ حَتَّى يَتِمَّ لَهُ سِتُّ سِنِينَ فَإِذَا تَمَّ لَهُ سِتُّ سِنِينَ صَلَّى وَعَلَّمَ الرُّكُوعَ وَالسُّجُودَ حَتَّى يَتِمَّ لَهُ سَبْعُ سِنِينَ فَإِذَا تَمَّ لَهُ سَبْعُ سِنِينَ قِيلَ لَهُ اغْسِلْ وَجْهَكَ وَكَفَيْكَ فَإِذَا غَسَلَهَا قِيلَ لَهُ صَلِّ...": هر گاه کودک به سن سه سالگی رسید به او گفته می شود که هفت بار بگو: لا اله الا الله، سپس ترک می شود تا سه سال و هفت ماه و بیست روزش شد به او گفته می شود که هفت بار بگوید: محمد رسول الله، پس رها می شود تا چهار ساله شود آنگاه به او گفته می شود که هفت بار بگوید، صلی الله علی محمد و آل محمد، سپس تا پنج سالگی رها می شود، آن گاه از او می پرسند که دست چپ و راستش کدام است. اگر دانست او را متوجه قبله می کنند و به او می گویند: سجده کن سپس تا شش سالگی رها می شود و تا هفت سالگی، نماز و رکوع و سجود را به او می آموزند از آن پس به او می گویند که صورت و دستهایش را بشوید و چون بشوید او را به نماز و اذکار معنوی می دارند.."

۱. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۴۷۴



### ۲۷-۳. تلقین منفی نکنیم

والدین باید در تلقین، از جنبهٔ ایجابی و مثبت آن استفاده کنند و از تلقین منفی به فرزندان پرهیزند. هنگامی که برادران یوسف از پدرشان خواستند که یوسف را همراه خود ببرند، آن حضرت فرمود: می‌ترسم گرگ او را را بدرد. آنها نیز در بازگشت همان سخن پدر خود را برای عذر خود آوردند و گفتند یوسف را گرگ دریده است. پیامبر اکرم ﷺ تلقین حضرت یعقوب را در دروغ پسران موثر می‌داند: "لَا تَلْقَنُوا الْكِذْبَ فَيَكْذِبُوا فَإِنَّ بَنِي يَعْقُوبَ لَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ الذِّبَّ يَأْكُلُ الْإِنْسَانَ حَتَّى لَقْنَهُمْ أَبُوهُمُ: ۱" تلقین دروغ به کسی نکنید (و راه بهانه و دروغ را به کسی یاد ندهید) که دروغ می‌گوید، چون پسران یعقوب نمی‌دانستند که گرگ انسان را می‌خورد تا وقتی که از پدر شنیدند و یعقوب تلقین بد آنها کرد." البته یعقوب نبی، از روی پاکی این سخن را به فرزندان خود گفت، ولی آنها از گفته پدر سوء استفاده کردند.<sup>۲</sup>

تلقین و تکرار همراه با تشویق، به تدریج باعث ایجاد عادت در فرد می‌شود. در مراحل بعدی این عادات باید در وجود فرد ملکه شود.

### ۲۷-۳. کلام بزرگان

در سن بزرگسالی، انسان باید تلقین به خود را فرا گیرد. امام خمینی (قدس سره) می‌فرمود: یکی از چیزهایی که برای ساختن انسان مفید است، تلقین است. انسان خودش هم اگر بخواهد ساخته شود، باید آن مسائلی که مربوط به خودش است، به خودش تلقین و تکرار کند... تکرار ادعیه و تکرار نماز، چندین مرتبه در هر روز

۱. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۱۲، ص ۱۷۴

۲. رک: سوره مبارکه یوسف آیات ۱۳-۱۷؛ مکام شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۳۳۹

برای سازندگی انسان مفید است.<sup>۱</sup>

## ۲۸. آموزش عبادات دینی

با فرا رسیدن فرد به بلوغ شرعی، برخی از دستورات و عبادات دینی (مانند نماز و روزه) بر فرد واجب می‌شود و برخی مانند نماز، در هیچ حال از انسان ساقط نمی‌شود.<sup>۲</sup> در دوران کودکی که فرد هنوز به سن تکلیف نرسیده، باید مقدمات ورود به سن تکلیف را در فرد فراهم کرد. به این روش فریضه سازی گویند که دارای دو جنبه می‌باشد: مداومت بر عمل، که ناظر به کمیت عمل و محافظت بر عمل، که ناظر به کیفیت آن می‌باشد.<sup>۳</sup>

### ۲۸-۱. روش آموزش نماز

نماز از جمله عباداتی است که شامل ذکر و عمل هر دو است. کودک از سن چهار سالگی اذکار نماز را با تلقین و تقلید یاد می‌گیرد.<sup>۴</sup> همچنین هنگام مشاهده الگو (در حین نماز)، حرکاتی را با تقلید فرا می‌گیرد. می‌توان رفتارهایی که مشابه حرکات نماز می‌باشد را با روشهایی چون مبالغه در پاداش و محبت مورد تقویت قرار داد و در نهایت با یاد گرفتن اجزای نماز، شکل کلی نماز را به کودک آموزش داد.<sup>۵</sup>

زمانی که فرزند به سن هفت سالگی رسید، آموزش نماز باید به طور غیر مستقیم

۱. ادیبانی - تریابی، سید علی‌رضا - حسین، موعظه خوبان، ص ۳۶۷، به نقل از صحیفه امام

۲. در سوره مبارکه بقره/ آیه ۱۸۳ حکم وجود روزه آمده است: "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ: ای افرادی که ایمان آورده‌اید! روزه بر شما نوشته شده، همان گونه که بر کسانی که قبل از شما بودند نوشته شد؛ تا پرهیزکار شوید!"

۳. باقری، خسرو، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، ص ۱۲۷

۴. ر.ک: روش تلقین

۵. در روانشناسی به این روش تقویت تفکیکی می‌گویند و آن فنی است که برای اصلاح تعمیم پاسخ نامناسب به کار می‌رود.



شروع شود. در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است: "إِنَّا نَأْمُرُ صِبْيَانَنَا بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا بَنِي خَمْسِ سِنِينَ فَهَرُوا صِبْيَانَنَا كَمَا بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا بَنِي سَبْعِ سِنِينَ الْحَدِيثُ: 'مَا كُودَ كَانِمَانِ رَا از پنج سالگی به نماز امر می کنیم و شما فرزندانمان را از هفت سالگی امر به نماز کنید'.."

## ۲۸-۲. از منظر روایات

در حدیث آمده است که: "يُتْرَكُ الْعَلَامُ حَتَّى يَتِمَّ لَهُ سَبْعُ سِنِينَ فَإِذَا تَمَّ لَهُ سَبْعُ سِنِينَ قَدْ اَغْسِلَ وَجْهَكَ وَكَفَيْكَ فَإِذَا غَسَّاهُمَا قِيلَ لَهُ صَلُّ ثُمَّ يُتْرَكُ حَتَّى يَتِمَّ لَهُ ثَمَنُ سِنِينَ فَإِذَا تَمَّتْ عِلْمَ الْوُضُوءِ وَضُرِبَ عَلَيْهِ وَأُمِرَ بِالصَّلَاةِ وَضُرِبَ عَلَيْهَا فَإِذَا تَعَلَّمَ الْوُضُوءَ وَالصَّلَاةَ عَفَرَ اللَّهُ لَوْلَا دِينُهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ."<sup>۲</sup>

فرزند رها می شود تا هفت سال او تمام شود، هنگامی که هفت ساله شد به او گفته می شود صورت و دستهای را بشو، زمانی که شست به او گفته می شود نماز بخوان، سپس او رها می شود تا نه سال او تمام شود، پس زمانی که تمام شد به او وضو آموزش داده می شود و بر او تنبیه می شود پس زمانی که وضو و نماز را یاد گرفت خداوند والدینش را می آمرزد."

البته مراد از تنبیه ذکر شده در روایت، تنها تنبیه لفظی است، زیرا در روایات از تنبیه

بدنی به شدت منع شده است.<sup>۳</sup>

## ۲۸-۳. آموزش رسمی نماز

از حدود سن نه سالگی باید آموزش رسمی و مستقیم به فرزند به صورت جذاب شروع شود و مبنای عقیده او نسبت به نماز، به خوبی پایه ریزی شود. امر به نماز از مواظ

۱. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، ج ۴، ص ۱۹

۲. همان، ص ۲۰

۳. ر.ک: ۱-۸ بیان مهر و قهر

لقمان حکیم به فرزندش، است: "يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ...<sup>۱</sup> پسر من، نماز را برپا دار و امر به معروف و نهی از منکر کن...". در این دوره، آموزش نماز هم حالت استدلالی داشته و هم با بیان حکایات و داستان باشد و از طرفی به فرد، شناخت عاطفی داد تا نماز برای او درونی شود.

#### ۲۸-۴. فلسفه نماز را بیان کنیم

با نزدیک شدن فرزند به دوران بلوغ، فلسفه نماز و اهداف و آثار آن باید برای فرزند تشریح شود. قرآن کریم، فلسفه نماز را یاد خدا می‌داند: "... أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي: <sup>۲</sup> ... نماز را برای یاد من به پا دار". و آن را بازدارنده انسان از زشتیها می‌داند: "... أَتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ: <sup>۳</sup> ... و نماز را بر پا دار که نماز (انسان) را از زشتیها و گناهان باز می‌دارد...".

#### ۲۸-۵. سن آموزش روزه

بر طبق روایات آموزش روزه، از نه سالگی شروع می‌شود: "إِنَّا نَأْمُرُ صَبِيَّاتَنَا بِالصِّيَامِ إِذَا كَانُوا بَنِي سَبْعِ سِنِينَ بِمَا أَطَاقُوا مِنْ صِيَامِ الْيَوْمِ، فَإِنْ كَانَ إِلَى نِصْفِ النَّهَارِ وَأَكْثَرُ مِنْ ذَلِكَ أَوْ أَقَلَّ، فَإِذَا غَلَبَهُمُ الْعَطَشُ وَالْعَرْتُ، أَفْرُوا حَتَّى يَتَعَوَّدُوا الصَّوْمَ وَيُطِيقُوهُ، فَمُرُوا صَبِيَّاتِكُمْ إِذَا كَانُوا أَبْنَاءَ تِسْعِ سِنِينَ بِمَا أَطَاقُوا مِنْ صِيَامِ، فَإِذَا غَلَبَهُمُ الْعَطَشُ أَفْطَرُوا: <sup>۴</sup> ..."

۱. سوره مبارکه لقمان/آیه ۱۷

۲. سوره مبارکه طه/آیه ۱۴

۳. سوره مبارکه عنکبوت/آیه ۴۵

۴. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۷، ص ۵۳۷





فرزندانشان را از هفت سالگی به روزه امر می‌کنیم... و شما فرزندانان را از نه سالگی به روزه امر کنید تا زمانی که طاقت روزه گرفتن داشته باشند، اگر عطش بر آنها غلبه کرد افطار کنند". این حدیث ناظر به روش تکلیف به قدر وسع نیز می‌باشد. در این روش، والدین (مربی) وسع و طاقت فرزند (مربی) را در نظر گرفته و بر اساس آن از فرد انتظار دارد.

## ۲۸-۶. تأثیرات روزه

پیامبر اکرم ﷺ درباره تأثیر تربیتی روزه می‌فرماید: "الصَّوْمُ حُجَّةٌ مَا لَمْ يَخْرِقْهَا: روزه سپری است تا زمانی که آن را پاره نکرده است".<sup>۱</sup> آن حضرت با تشبیهی زیبا، روزه روزه دار را به سپری که او را از رفتارهای ناپسند محافظت می‌کند، تشبیه می‌کند.<sup>۲</sup> کاربرد این تشبیهات زیبا برای ترغیب فرزندان به فرایض بسیار مؤثر می‌باشد. عالمی می‌گفت با قافله‌ای همراه بودم. گرفتار راهزنان شده و غارت گردیدیم.

۱. سید رضی، محمدبن حسین، آفرینش های ادبی در گفتار نبوی، ص ۲۸۶، ترجمه دکتر سید محمد مهدی جعفری، تهران، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۷

۲. زمانی که بین دو یا چند چیز به منظور اشتراک آنها در یک صفت شباهت ایجاد کنیم می‌گوئیم آن را تشبیه کرده‌ایم. دانشمندان علوم قرآنی تشبیه را از برترین و شریفترین انواع بلاغت می‌دانند. آیات قرآن کریم نیز سرشار از تشبیهات زیبا و دلنشین است. بطور مثال در آیه زیر هلال ماه به شکل زیبایی به شاخه خرما تشبیه شده است: "وَالْقَمَرَ قَدَرًا مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ" (سوره مبارکه یس/آیه ۳۹) ترجمه: و برای ماه منزلگاه‌هایی قرار دادیم (و هنگامی که این منازل را طی کرد) سرانجام به صورت شاخه کهنه قوسی شکل وزرد رنگ خرما درمی‌آید." عرجون به معنای ساقه شاخه خرماست، البته از نقطه‌ای که بیرون می‌آید تا نقطه‌ای که برگها از آن منشعب می‌شود. این قسمت از شاخه را عرجون می‌گویند که (به خاطر سنگینی برگها معمولا) خمیده می‌شوند و اگر چند ساله شود خمیدگیش بیشتر می‌شود و این قسمت چوبی زرد رنگ و به شکل هلال قوسی است. شباهت ماه با شاخه کهنه خرما از چند جهت قابل بررسی است: از نظر هلالی بودن چوب خوشه خرما از نظر زرد رنگ بودن، از نظر پژمردگی، تمایل نوک قوس آن بطرف پایین و از نظر قرار گرفتن در میان توده سبز رنگ شاخه های درخت نخل که بی شباهت به قرار گرفتن هلال آخرین شب در میان آسمان تیره نیست و توصیف آن به قدیم اشاره به کهنگی آن است زیرا هر قدر این شاخه‌ها کهنه تر شود باریکتر و پژمرده تر و رنگ زردتر می‌شود و شباهت بیشتری به هلال آخر ماه پیدا می‌کند. (مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۳۸۵)

ولی رئیس آنها را هنگام غذا خوردن روزه یافتم. به او گفتم: دزدی می کنی، روزه هم می گیری؟ این دیگر چه رسمی است؟ گفت: یک کوره راه صلح بین خود و خدا باقی می گذارم. بعد از مدتی او را در حال طواف کعبه دیدم، مرا شناخت و گفت همان روزه مرا نجات داد.

### ۲۹. موعظهٔ حسنه

موعظه بیانی است که مایه صلاح شنونده است و باعث نرمی و رقت قلب او می شود.<sup>۱</sup> مفهوم موعظه در متون دینی، منع مخاطب از گناه و معصیت و بیم دادن وی از عذاب الهی و نیز امرِ مخاطب به اطاعت خدا و امیدوار کردن وی به پاداش الهی می باشد.<sup>۲</sup> انسان در هر مرحله ای از زندگی نیازمند موعظه می باشد. از نظر قرآن موعظه باید نیکو باشد. مرحوم طبرسی موعظهٔ نیکو را ترغیب و تشویق مردم به ترک زشتیها و به انجام کارهای پسندیده، به طوری که زشتیها در نظر آنها تنفر آور و نیکيها در نزد آنها لذت بخش جلوه کند، می داند.<sup>۳</sup> زمانی موعظهٔ حسنه، اثر بخش است که فرد آمادگی تأثیر پذیری را داشته و واعظ نیز، خود متعظ باشد. خدای متعال با نزول کتاب آسمانی اندرزهای نابی را در اختیار ما قرار می دهد.<sup>۴</sup> در موعظه های قرآنی، عواطف و احساسات مخاطب در نظر گرفته شده است. خطابات عاطفی «یا قوم» در مواعظ انبیاء الهی، نشان از خیرخواهی و تحریک احساسات طرف مقابل است.

۱. طباطبائی، محمد حسین، المیزان، ج ۱۲، ص ۵۳۴

۲. داوودی، محمد، سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت، ص ۱۹۰

۳. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۱۴، ص ۷۲

۴. سوره مبارکه نساء/آیه ۵۸ " ...إِنَّ اللَّهَ نِعْمًا بِعِبَادِهِ... خداوند اندرزهای خوبی به شما می دهد...".



## ۲۹-۱. موعظه به کودکان

در دوران کودکی باید میزان فهم و توانایی کودک را در نظر گرفت. فراموشی در این دوران بیشتر از هر وقت دیگری رخ می‌دهد، بنابراین تکرار موعظه باید با خطاب عاطفی همراه شود. بیان داستانهای قرآنی، از شیوه‌های غیر مستقیم برای موعظه کودک می‌باشد.

حضرت یعقوب رضی الله عنه از حسادت برادران یوسف به وی آگاه بود، بنابراین با خطابی مشفقانه، یوسف را از بازگو کردن خوابش نهی می‌کند: "قَالَ يَا بَنِيَّ لَا تَقْصُصْ رُءْيَاكَ عَلَىٰ إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ...".<sup>۱</sup> گفت: فرزندم خواب خود را برای برادرانت بازگو نکن...". گاهی لازم است برخی مطالب (مانند اسرار خانوادگی) از دید بقیه پنهان شود. این موارد را می‌توان به راحتی با موعظه نیکو به کودک یاد داد.

## ۲۹-۲. آموزش آداب معاشرت

با ورود کودک به مدرسه، تربیت اجتماعی او نیز به طور جدی پیگیری می‌شود. آداب معاشرت و چگونگی برخورد با افراد اجتماع، از مواردی است که والدین باید به طور جدی نسبت به آموزش آن اقدام کنند. مواعظ لقمان حکیم به فرزندش در این باره بسیار راهگشاست: وَلَا تَصْعَرَ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ (۱۸) «وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاعْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ»<sup>۲</sup> (پسرم!) با بی‌اعتنایی از مردم روی مگردان، و مغرورانه بر زمین راه مرو که خداوند هیچ متکبر مغروری را دوست ندارد. (۱۸) (پسرم!) در راه رفتن، اعتدال را رعایت کن؛ از صدای خود بکاه (و هرگز فریاد مزن) که زشت‌ترین صداها صدای خران است". در این آیات، آداب برخورد با

۱. سوره مبارکه یوسف/ آیه ۵

۲. سوره مبارکه لقمان، آیات ۱۸-۱۹

دیگران، راه رفتن و سخن گفتن، با امر و نهی همراه با خطاب عاطفی به کودک آموزش داده می‌شود.

### ۲۹-۳. شیوه‌های موعظه به نوجوانان

موعظه در دوران نوجوانی باید با دقت و حساسیت بیشتری انجام گیرد. به دلیل نوسانات عاطفی نوجوان، تحقیر و یا امر و نهی مستقیم می‌تواند او را به واکنش وادارد.<sup>۱</sup> بنابراین برای موعظه باید به صورت پرسشی و یا غیر مستقیم با نوجوان صحبت کرد. در برخی از موارد نیز می‌توان از مخاطب فرعی و یا خطاب عام<sup>۲</sup> برای موعظه افراد استفاده نمود. در ادامه با چند شیوه موعظه به نوجوانان آشنا می‌شویم:

### ۲۹-۳-۱. ایجاد سؤال به جای نهی مستقیم

قرآن کریم برای نهی از اطاعت شیطان در خوردن شراب می‌فرماید: "إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ"

۱. رشد عاطفی در این دوران با تحولات و ویژگیهای خاصی همراه می‌باشد و نوجوان به لحاظ گرایش و توجه به خود دچار درون‌گرایی شده و تخیلات در وجود او به اوج خود رسیده و از طرفی حالات عاطفی او دچار نوسان است، به طوری که یک کنایه، تشویق و یا تنبیه می‌تواند در او طوفانی از خشم و نفرت و یا ترس و دلهره به وجود آورد. همچنین نیاز به محبت کردن و محبت دیدن در این دوران به اوج خود می‌رسد که می‌توان از آن به عنوان «جهش عاطفی» نام برد. والدین باید قبل از آن که تمایلات عاطفی نوجوان در جهت ارزشهای منفی سوق پیدا کند، از این ویژگیها در جهت هدایت آنها به ارزشهای صحیح و مثبت استفاده کنند. (کریمی نوری-رضاء، مرادی-علیرضا، روانشناسی تربیتی، برگرفته از صص ۱۳۹-۱۷۰)

۲. یکی از انواع خطابات قرآن، خطاب عامی است که مراد از آن عده‌ای خاص می‌باشد. مانند سوره آل عمران/ آیه ۱۷۳: "الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ/ترجمه: اینها کسانی بودند که (بعضی از مردم) به آنان گفتند مردم [الشکر دشمن] برای (حمله به) شما اجتماع کرده‌اند از آنها بترسید اما این سخن بر ایمانشان افزود و گفتند خدا ما را کافیست و او بهترین حامی ماست." با توجه به تفسیر آیه مراد از ناس(اول)، گروهی خاص از مردم(منافقان) می‌باشند نه همه مردم.



مُنْتَهَوْنَ: شیطان می خواهد به وسیله شراب و قمار، در میان شما عداوت و کینه ایجاد کند، و شما را از یاد خدا و از نماز بازدارد. آیا (با این همه زیان و فساد، و با این نهی اکید)، خودداری خواهید کرد؟" حرف استفهام «هل» در این آیه در حقیقت معنای نهی می دهد. <sup>۲</sup> قرآن به جای نهی مستقیم از استفهام بهره می برد و گویا به مخاطب می گوید با ثابت شدن این زشتیها، آیا باز هم آن را انجام می دهی؟

### ۲۹-۳-۱-۱. برخورد امام با فرزندش

یکی از یاران امام عرضه داشت در محضر امام صادق علیه السلام بودیم، آقا زاده حضرت وارد شد. امام به او فرمود: "يَا بَنِيَّ اَلَا تَطَهَّرُ قَمِيصَكَ... فَقُلْنَا جَعَلَنَا اللهُ فِدَاكَ مَا لِقَمِيصِهِ قَالَ كَانَ صُهُ طَوِيلاً وَاَمْرُتُهُ اَنْ يُقَصِّرَ اِنَّ اللهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ وَيَا بَنِكَ فَطَهَّرْ: فرزندم لباست را تمیز نمی کنی؟... به او عرض کردیم قربان شما شویم موضوع چیست؟ فرمود: لباسش بلند بود و به او امر کردم که آن را کوتاه کند. خداوند متعال می فرماید: و لباست را پاکیزه گردان" <sup>۳</sup> آری امام از لحن پرسش و کنایه برای موعظه فرزند خویش استفاده می کند.

### ۲۹-۳-۱-۲. موعظه پیامبر به جوان گنهگار

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ایام حج به جوانی که گناه می کرد، به جای نهی کردن آمرانه و مستقیم، از گفتاری غیر مستقیم استفاده می کند. ایشان فرمود: "...قَالَ اَمَا عَلِمْتَ اَنَّهَا الْاَيَّامُ الْمَعْدُودَاتُ وَالْمَعْلُومَاتُ لَا يَكْفُرُ رَجُلٌ فِيهِنَّ بَصْرَهُ وَلَا يَكْفُرُ لِسَانُهُ وَيَدُهُ اِلَّا كَتَبَ اللهُ"

۱. سوره مبارکه مائده/ آیه ۹۱

۲. صافی، محمود بن عبد الرحیم، *الجدول فی اعراب القرآن*، ج ۷، ص ۷، دمشق، بیروت، دار الرشید مؤسسه ایمان، ۱۴۱۸ ق ۱۸؛ فخررازی، محمد بن عمر، *مفاتیح الغیب*، ج ۱۲، ص ۴۲۵، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق

۳. حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، ج ۵، ص ۳۹

مِثْلَ حَجِّ قَابِلٍ...: آیا نمی‌دانی که این روزها از ایام المعدودات است که هر کس در چنین روزهایی چشم و زبان و دست خویش را نگاه دارد، خداوند برای او ثواب حج آینده را می‌نویسد...<sup>۱</sup> با استفاده از گفتارهای غیر مستقیم، نوجوان به رعایت مفاد کلام علاقه‌مند شده و آن را با اختیار انجام می‌دهد، ضمن اینکه حس استقلال طلبی نوجوان و حرمت نفس او نیز رعایت شده است.

### ۲۹-۳-۲. عموم را مخاطب قرار دهیم

در برخی موارد می‌توان با اشاره و خطاب به عموم، شخص خطاکار را موعظه کرد. در سیره تربیتی پیامبر اکرم ﷺ آمده است: "كَانَ إِذَا بَلَغَهُ عَنْ أَحَدٍ مَا يَكْرِهُهُ لَمْ يَقُلْ: مَا بَالَ فُلَانٌ، وَلَكِنْ يَقُولُ: مَا بَالَ أَقْوَامٌ يَصْنَعُونَ كَذَا يَقُولُونَ كَذَا، يَنْهَى عَنْهُ لَمْ يَسْمِ فَاعِلُهُ: <sup>۲</sup> پیامبر هر گاه اطلاع می‌یافت کسی سخن نادرستی گفته است، نمی‌گفت چرا فلانی گفته است. بلکه می‌فرمود: چرا بعضی چنین می‌گویند؟ و بدون اینکه نامی از او ببرد او را از کارش نهی می‌کرد."<sup>۳</sup>

### ۲۹-۳-۳. «غیر مستقیم» سخن بگوییم!

گاهی باید به صورت غیر مستقیم،<sup>۳</sup> فرد خطاکار را از خطایش آگاه کرد. شقرانی، از

۱. همان، ج ۹۶، ص ۳۵۱

۲. قمی، عباس، سفینه البحار، ج ۲، ص ۶۶۸، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق

۳. در زبان عرب به این نوع ادبیات کنایه گویند. زمانی که گوینده لفظی را بکار برد و مراد از آن لفظ، غیر معنای اصلی آن باشد، گوییم به کنایه سخن گفته است. مقصود از کنایه، توجه دادن به قدر تعظیم، رها کردن لفظ به مجملتر از آن، عدم تصریح، اختصار و یا مبالغه و بلاغت در کلام است. بطور مثال در آیه ۶۴ سوره مبارکه مائده: "وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلِعِنَّا لَمَّا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ ..... و يهبود گفتند: «دست خدا (بازنجیر) بسته است.» دستهایشان بسته باد! و بخاطر این سخن از رحمت (الهی) دور شوند! بلکه هر دو دست (قدرت) او، گشاده است؛ هر گونه بخواهد، می‌بخشد...". تعبیر کنایه‌ای برای توجه دادن به قدرت خداوند به کار رفته است. «در ادبیات عرب، دست کنایه از قدرت است و دو دست کنایه از کمال قدرت و از همین جهت خداوند لفظ یاد را بصورت تشبیه آورده است تا به کمال قدرت خود اشاره کند». (یدان) علاوه بر تاکید مطلب، کنایه لطیفی از نهایت جود و بخشش خداست، زیرا کسانی که زیاد سخاوتمند باشند با هر دو دست خود می‌بخشند.



منتسبین امام صادق علیه السلام بود. برای رفع حاجتی نزد ایشان رفت. امام ضمن محبت به او بدون تصریح به گناهش، او را از خطایش آگاه کرد و به او فرمود: "يَا شَقْرَانِي إِنَّ الْحَسَنَ مِنْ كُلِّ أَحَدٍ حَسَنٌ وَإِنَّهُ مِنْكَ أَحْسَنُ لِمَكَانِكَ مِنَّا وَإِنَّ الْقَبِيحَ مِنْ كُلِّ أَحَدٍ قَبِيحٌ وَإِنَّهُ مِنْكَ أَقْبَحُ وَعَظٌّ عَلَى جِهَةِ التَّعْرِيزِ لِأَنَّهُ كَانَ يَشْرَبُ<sup>۱</sup>: ای شقرانی، کار خوب از هر کسی خوب است ولی از تو به خاطر انتسابی که به ما داری، بهتر است و کار بد از هر کسی بد است ولی از تو به خاطر همین انتساب، قبیحتر است. امام با تعریض او را موعظه نمود به خاطر اینکه او مرتکب به شرابخواری بود". شقرانی دانست که امام از سر او آگاه است با این حال او را مورد محبت قرار داد و سر او را آشکار نکرد. نزد وجدان خود ناراحت شد و خود را ملامت کرد.

### ۲۹-۳-۴. به جای امر و نهی از مطلبی خبر دهیم

گاهی باید به جای امر و نهی مستقیم، مطلبی را به صورت خبری بیان کنیم.<sup>۲</sup> قرآن کریم در آیات متعددی از این روش استفاده می کند. به طور مثال در آیه: "لَا يَمْسُهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ<sup>۳</sup>: و جز پاکان به آن نمی توانند دست زنند دست یابند". جمله به صورت خبری آمده است، ولی با توجه به روایات، معنای آیه نهی می باشد، یعنی «جز پاکان نباید آن را مس کنند».<sup>۴</sup> بیان و توصیف خوبیهای دیگران به جای امر و نهی به طور غیر مستقیم، فرد را با خوب و بد آگاه کرده و برای انجام اعمال نیک، تشویق و ترغیب می شود.

۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۳۴۹

۲. از نظر محققین علوم قرآنی، یکی از بهترین ابزارهای بیانی مجاز است و آن لفظی است که در غیر معنای حقیقیش بکار رفته باشد. یکی از انواع مجاز استفاده از خبر به جای امر و نهی می باشد. به طور مثال: سوره بقره / ۲۳۳ " ← ← وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ: مادران فرزندان خود را دو سال تمام شیر می دهند... " برخی اشاره دارند اگرچه آیه به صورت جمله خبریه آمده است، ولی منظور از آن امر می باشد یعنی «مادران باید دو سال تمام شیر بدهند».

۳. سوره مبارکه واقعه / آیه ۷۹

۴. حویزی، عبد علی جمعه، نورالثقلین، ج ۵، ص ۲۲۶

قرآن کریم در آیات پایانی سوره فرقان، دوازده صفت و ویژگی «عباد الرحمان» را بیان می‌کند. از جمله صفات آنها می‌توان به تواضع و فروتنی در راه رفتن، بزرگواری در برخورد با جاهلان، اعتدال در انفاق، خوف از کیفر الهی، تهجد و عبادت خالصانه، عدم شهادت باطل، توحید خالص و دعا در حق خانواده اشاره نمود.<sup>۱</sup>

### ۳۰. روش یاد آوری و تذکر

در برخی از کتابهای لغت عرب، کلمه انسان از نسیان گرفته شده است،<sup>۲</sup> زیرا انسان به طور طبیعی در معرض غفلت قرار دارد و مسیر رشد خود را از یاد می‌برد. داروی این درد، ذکر و یادآوری است. علامه طباطبائی در معنای ذکر می‌نویسد: «ذکر در مقابل غفلت و نسیان، به معنی یادداشتن است و آن عبارت است از اینکه آدمی نیروی ادراک خود را متوجه امر یاد شده کند».<sup>۳</sup> از نظر قرآن مهمترین اهداف پیامبران نیز، تذکر و یادآوری می‌باشد.<sup>۴</sup> در این روش، والدین (مربی) فرد را با خود روبرو کرده و نعمت‌ها و آنچه که به آن علم دارد، را به او یادآوری کرده تا شور و رغبت تازه‌ای در عمل مرتبی ایجاد شده و در نتیجه آن، شکر نعمت‌های را به جا آورد. قرآن کریم در برخی از آیات، با تعبیر «اذکروا: یاد کنید» انسان را به یادآوری امر می‌کند. امر به تذکر، شامل یادآوری نعمتهای مادی و معنوی،<sup>۵</sup> نعمت امنیت،<sup>۶</sup> آزادی و نعمت پیامبران و رهبران الهی،<sup>۷</sup>

۱. سوره مبارکه فرقان/ آیات ۶۳-۷۴

۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات الفاظ قرآن*، ص ۹۴

۳. طباطبائی، محمد حسین، *المیزان*، ج ۱۶، ص ۴۹۲

۴. سوره مبارکه ذاریات/ آیه ۵۵: "وَذَكَرْ فَإِنَّ الذِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ: پیوسته تذکر ده زیرا تذکر مؤمنان را سود می‌بخشد"

۵. سوره مبارکه طه/ آیه ۸۰

۶. سوره مبارکه ابراهیم/ آیه ۶

۷. سوره مبارکه مائده/ آیه ۲۰





نعمتهای ویژه<sup>۱</sup> و نیز یادآوری اقوام گذشته<sup>۲</sup> می باشد.

### ۳۰-۱. نمونه‌ای از قرآن

نمونه‌ای از یادآوری نعمتِ خالقیت و رازقیتِ خدا نسبت به انسانها، در سوره فاطر آمده است: "يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ:"<sup>۳</sup> ای مردم! به یاد آورید نعمت خدا را بر شما؛ آیا آفریننده‌ای جز خدا هست که شما را از آسمان و زمین روزی دهد؟ هیچ معبودی جز او نیست؛ با این حال چگونه به سوی باطل منحرف می شوید؟!".  
در این آیه خداوند با طرح سؤالی، مردم را به تفکر وادار می‌دارد که سرچشمه این همه مواهب، از کجاست؟ آیا خدایی جز این خدای یگانه است؟

والدین نیز در خانواده، می‌توانند با شیوه قرآن، نعمتهای ارزانی شده به فرزندان را یادآوری کنند.

### ۳۱. عبرت آموزی

عبرت از ریشه عَبَرَ، به معنی گذشتن است و عابر، به کسی می‌گویند که از راهی عبور کند. اعتبار و عبرت نیز، حالتی است که انسان از راه شناخت و معرفت محسوس به شناخت و معرفت نامحسوس می‌رسد.<sup>۴</sup> از مقاصد مهم تربیت آن است که انسان به درستی چشم

۱. همان

۲. سوره مبارکه مریم/ آیات ۴۱، ۱۶، ۵۱، ۵۴، ۵۶: واذکر فی الكتاب مریم... واذکر فی الكتاب ابراهیم.....

۳. سوره مبارکه فاطر/ آیه ۳: استفهام در این آیه استفهام انکاری است و آن، سؤالی است که گوینده مطرح می‌کند و قصد آن و جوابش انکار است.

۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، ص ۵۴۳: وَ الْإِغْتِبَارُ وَ الْعِبْرَةُ: بِالْحَالَةِ الَّتِي يَتَوَصَّلُ بِهَا مِنْ مَعْرِفَةِ الْمَشَاهِدِ إِلَى مَا لَيْسَ بِمَشَاهِدِ

گشوده و به بصیرت دست یابد و از ظواهر گذشته و باطن امور را بنگرد و از محسوسات و مشهودات به معقولات برسد. لازم نیست انسان همه مسیر را تجربه کند، روزگار درسهای خوب و سازنده‌ای در اختیار آدمی قرار می‌دهد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «السَّعِيدُ مَنْ وَعَظَ بِعَيْرِهِ»<sup>۱</sup> خوشبخت کسی است که از سرگذشت دیگران عبرت گیرد».

هان ای دل عبرت بین از دیده نظر کن هان ایوان مدائن را آینه عبرت دان<sup>۲</sup>

### ۳۱-۱. عبرت در نگاه قرآن

قرآن کریم از حوادث عبرت آموز گذشته، به عنوان «آیه و نشانه» یاد نموده است.<sup>۳</sup> از این رو انسانها را تشویق به عبرت گرفتن می‌کند: «... أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ»<sup>۴</sup> آیا (مخالفان دعوت تو) در زمین سیر نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که پیش از آنها بودند، چه شد؟...! خداوند در این آیه با طرح سؤال انسانها را به مطالعه گذشتگان دعوت می‌کند و در جایی دیگر به طور مستقیم آنها را به عبرت آموزی امر می‌کند: «... فَاسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ»<sup>۵</sup> پس در روی زمین گردش کنید و ببینید سرانجام تکذیب کنندگان (آیات خدا) چگونه بود».

۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، *تحف العقول*، ص ۱۰۰، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۴ / ۱۳۶۳ ق

۲. دیوان خاقانی، قصیده ۱۶۸

۳. سوره مبارکه فرقان / آیه ۳۷: «وَقَوْمٌ نُوْحٌ لَمَّا كَذَبُوا الرُّسُلَ أَعْرَفْنَاهُمْ وَجَعَلْنَاهُمْ لِلنَّاسِ آيَةً...» و قوم نوح را هنگامی که رسولان (ما) را تکذیب کردند غرق نمودیم، و آنان را درس عبرتی برای مردم قرار دادیم...!

۴. سوره مبارکه یوسف / آیه ۱۰۹

۵. سوره مبارکه آل عمران / آیه ۱۳۷



### ۳۱-۲. از تاریخ عبرت گیرید!

امام علی علیه السلام می فرماید: "فَاعْتَبِرُوا بِحَالِ وَآلِدِ إِسْمَاعِيلَ وَبَنِي إِسْحَاقَ وَبَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. فَمَا أَشَدَّ اعْتِدَالَ الْأَحْوَالِ:"<sup>۱</sup> از حال فرزندان اسماعیل، فرزندان اسحاق، و فرزندان یعقوب عبرت گیرید! چقدر حالات (ملتها) با هم مشابه و صفات و افعاشان شبیه به یکدیگر است.

### ۳۱-۳. داستانی عبرت آموز

آخرین خلیفه بنی امیه (مروان) که به دست عباسیان کشته شد، همانند اجداد ناپاکش بسیار ظلم کرد. یکی از ظلم هایش این بود که زبان یکی از غلامانش را برید و به دور انداخت، گربه ای آمد و آن زبان را خورد. از قضا وقتی او را کشتند، سرش را از بدنش جدا کردند و زبانش را بریدند و همان گربه آمد و آن زبان را خورد!<sup>۲</sup>

### ۳۲. آشنایی با مسائل اعتقادی

از سن هفت سالگی، کودک باید نسبت به مسائل اعتقادی، آشنایی کلی پیدا کند. به طور مثال با بیان داستانها و قصص قرآنی به زبان ساده و گویا، می توان فرد را با اصول عقاید آشنا کرد. داستان حضرت ابراهیم نمونه بسیار مناسبی برای آموزش توحید است. همزمان با رشد فکری کودک، باید با طرح مبانی و اصول اعتقادات به صورت اساسی و بر مبنای برنامه ریزی صحیح، به فرد شناخت اصولی داد. این برنامه، همان اعطای بینش صحیح به فرزندان است. بینش، نوعی آگاهی عمیق و گسترده است و فرد را با حقیقت مورد نظر پیوند می دهد. نوع نگاه انسان نسبت به حقایق موجود و طرز نگاه او از جهان

۱. نهج البلاغه/خطبه ۱۹۲

۲. محمدی، محمد حسین، هزار و یک حکایت اخلاقی (دفتر دوم)، ص ۲۹۰

اطرافش، در رفتار و شخصیت او مؤثر می‌باشد. قرآن در آیات بسیاری، در صدد برآمده تا بینش صحیحی از واقعیت‌های گوناگون در اختیار انسان قرار دهد و به وسیله آنها راه هدایت را به انسان نشان دهد. در ادامه به نمونه‌هایی از بینشهای قرآن اشاره می‌شود:

### ۳۲-۱ نمونه‌هایی از بینشهای قرآن

#### ۳۲-۱-۱. بینش نسبت به خدا

بر اساس این بینش، خدا شاهد و گواه بر اعمال بندگان است<sup>۱</sup> و اوست که هم از حیث قدرت و هم از حیث علم، محیط بر همه جهان است<sup>۲</sup> و فیض بی‌کرانش بر همه موجودات جاریست.<sup>۳</sup> تأثیر این بینش در انسان او را نسبت به تغییر رفتارها در وجود خود تحریک می‌کند. زمانی که انسان بداند خدا شاهد و ناظر بر همه اعمالش می‌باشد و با علم و قدرتش بر همه جهان تسلط کامل دارد، سعی در انجام بهترین اعمال می‌کند و اشاره به رحمت بی‌کران الهی، او را بر کسب فیض هرچه بیشتر، ترغیب می‌کند.

#### ۳۲-۱-۱-۱. از زبان قرآن بشنویم

قرآن با طرح پرسشی مخاطب را به تفکر وامی‌دارد تا به آنچه گوینده گفته، اقرار کند. به طور مثال به کسی که از خدا غافل است می‌گوید: "أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَىٰ" <sup>۴</sup> آیا او ندانست خداوند (همه اعمالش را) می‌بیند" و یادر لزوم توکل به خدا می‌فرماید: "أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ

۱. سوره مبارکه آل عمران/آیه ۹۸: "... وَاللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا تَعْمَلُونَ... خدا گواه است بر اعمالی که انجام می‌دهید"

۲. همان/آیه ۱۲۰: "إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ... خدا به آنچه انجام می‌دهند احاطه دارد"

۳. سوره مبارکه اعراف/آیه ۱۵۶: "... وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ... رحمتم همه چیز را فرا گرفته..."

۴. سوره مبارکه علق/آیه ۱۴: استفهام در آیه، استفهام تقریری است.



عَبْدَهُ...: 'آیا خدا برای (نجات و دفاع از بنده اش) کافی نیست...'. همچنین برای ایجاد بینش نسبت به علم خدا این گونه می فرماید: "لَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّ ذَلِكَ فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ: آیا نمی دانستی خداوند آنچه را در آسمان و زمین است می داند؟! همه اینها در کتابی ثبت است (همان کتاب علم بی پایان پروردگار)؛ و این بر خداوند آسان است!".

### ۳۲-۱-۱-۲. نان و نمک خدا

در زمان علامه محمد تقی مجلسی - پدر علامه مجلسی - مردی که به ایشان ارادت داشت، نزد وی آمد و عرض کرد: همسایه ای دارم که شبها افراد شرور و فاسق را در خانه اش جمع می کند و مشغول عیش و نوش است. از دست او به تنگ آمده ام. علامه فرمود: امشب آنها را به میهمانی دعوت کن، من هم در آن مجلس حاضر می شوم. شب علامه مجلسی پیش از دیگران وارد مجلس شد و در گوشه ای نشست. زمانی که رئیس اشرار با دار و دسته اش آمدند، چون علامه را دیدند از وجود او در مجلس ناراحت شدند. رئیس اشرار برای اینکه علامه را از میدان به در کند، گفت: روش شما بهتر است یا روش ما؟ علامه فرمود: هر کس روش خود را بیان کند تا بینیم روش کدامیک از ما بهتر است. رئیس اشرار گفت: سخن منصفانه ای است. یکی از اوصاف ما این است که وقتی نان و نمک کسی را می خوریم، به او خیانت نمی کنیم. علامه فرمود: من این سخن شما را قبول ندارم. آیا شما هرگز نان و نمک خدا را نخورده اید؟ رئیس اشرار تا این سخن را شنید، قدری تأمل کرد و به ناگاه از مجلس بیرون رفت. صبح روز بعد رئیس اشرار به در خانه علامه مجلسی رفت و گفت: حرف شما در من اثر کرد و توبه کردم. اکنون آمده ام تا

۱. سوره مبارکه زمر/آیه ۳۶

۲. سوره مبارکه حج/آیه ۷۰

مسائل دینی را به من تعلیم بدهید.<sup>۱</sup>

### ۳۲-۱-۲. حقیقت انسان

نگرش درست نسبت به خود داشتن، در رفتار و اعمال انسان تأثیر دارد. انسان موجودی محتاج است و این احتیاج او را به سمت زندگی اجتماعی و مدد از دیگران می کشاند. این بینش به انسان می آموزد که خود را تنها محتاج خدا بیند و نه کس دیگری. خداوند در قرآن کریم می فرماید: "يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ: ۲ ای مردم شما (همگی) نیازمند به خدائید؛ تنها خداوند است که بی نیاز و شایسته هر گونه حمد و ستایش است". از طرفی انسان، مقام خلیفه الهی را دارد و اگر منزلت وجودی خود را بفهمد و به هدفدار بودن آفرینش پی ببرد، از ارتکاب عمل دون انسانیت پرهیز می کند. قرآن کریم با طرح سؤالی، هدفمندی انسان را یادآور می شود: "أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ: ۳ آیا گمان کردید شما را بیهوده آفریده ایم و به سوی ما باز نمی گردید!".

### ۳۲-۱-۳. حقیقت مرگ و جهان پس از آن

از نظر قرآن، مرگ پایان زندگی نیست و آغاز حیاتی دوباره است. اگر چه مرگ از اختیار انسان بیرون است، ولی چگونه مردن را فرد انتخاب می کند. با این بینش انسان در برابر مصائب صبر پیشه کرده و دنیا را وسیله ای برای رشد می بیند. در نتیجه رفتارهای او بر اساس ارزشها رقم می خورد. تأثیر این بینش عامل قوی است در رفتارها برای اینکه

۱. محمدی، محمد حسین، هزار و یک حکایت اخلاقی (دفتر دوم)، ص ۵۱۰

۲. سوره مبارکه فاطر/ آیه ۱۵

۳. سوره مبارکه مؤمنون/ آیه ۱۱۵: استفهام در این آیه، توبیخی است، یعنی قصد گوینده از این سؤال توبیخ مخاطب است.



چگونگی رفتار در دنیا مرتبط با پاداش و عذاب است. توصیه لقمان حکیم به فرزندش جالب است: «يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ...»<sup>۱</sup> پسر! اگر به اندازه سنگینی دانه خردلی (کار نیک یا بد) باشد، و در دل سنگی یا در (گوشه‌ای از) آسمانها و زمین قرار گیرد، خداوند آن را (در قیامت برای حساب) می‌آورد...<sup>۲</sup> زندگی همراه با ارزشها به دنبال این بینش صحیح است و اینکه هیچ عمل انسان پوشیده نیست و انسان باید همواره بین خوف و رجا حرکت کند، امید به پاداش اعمال نیک و ترس از عذاب اعمال بد.

### ۳۲-۱-۳-۱. یاد مرگ

گویند درویشی به مرد گردن کلفتی رسید و از او پرسید: «تو در زندگی چه چیزهایی را قبول داری؟» گفت: «من خدا را قبول دارم، پیغمبر را قبول دارم، مرگ را هم قبول دارم.» درویش گفت: «عجب! من از بین همه اینها که گفتی فقط مرگ را قبول دارم و از ترس مرگ، اینقدر نحیف شدم، آنوقت تو همه اینها را قبول داری و هنوز گردن کلفتی می‌کنی؟!»<sup>۲</sup>

### ۳۲-۱-۴. بینش در مورد تاریخ انسان

با بررسی تاریخ همیشه به دو گروه برمی‌خوریم: حق و باطل. گروهی همیشه در راه مستقیم گام برداشته و گروهی دیگر راه باطل را پیموده و همواره این دو گروه در جنگ و ستیز بوده‌اند. پیروزی نهایی و قطعی، همواره با جبهه حق بوده اگر چه ظاهراً شکست

۱. سوره مبارکه لقمان / آیه ۱۶

۲. ادیبانی - ترابی، سید علیرضا-حسین، موعظه خوبان، ص ۱۴۳

خورده باشند: "كَتَبَ اللَّهُ لَأَعْلَبَنَّ عَبْدُ بْنُ أَوْسُ لِي إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ" خداوند چنین مقرر داشته که من و رسولانم پیروز می شویم؛ چرا که خداوند قوی و شکست ناپذیر است.<sup>۱</sup> تأثیر این بینش در انسان، او را در شکست ظاهری در راه حق، ناامید نمی کند، چرا که راه حق را شکست ناپذیر می داند. برای اعطای این نوع بینش به کودک، می توان از تمثیل و بیان داستانهای قرآنی استفاده کرد.

### ۳۲-۱-۵. بینش نسبت به دنیا

در دوران نوجوانی، فرد باید نسبت به دنیا نگرش صحیحی به دست آورد. از نظر قرآن، دنیا دار بلا و امتحان است و باید خود را برای امتحان آماده کرد. خداوند برای تربیت انسانها، آنها را با انواع بلاها آزمایش می کند<sup>۲</sup> تا در پرتو آن، استعدادها و او را شکوفا سازد. با این بینش فرد برای پذیرش سختیها آماده می شود و صبر او افزایش یافته و مشکلات را وسیله ای برای رسیدن به کمال می پندارد. از دیگر ویژگیهای دنیا، ناپایداری آمال و آرزوها می باشد. دانستن این موضوع، انسان را هشیار می سازد که دل به زرق و برق دنیا نبندد و آن را فقط وسیله ای برای آزمایش بداند. به علاوه، کار شیطان نیز تزئین دنیاست، به صورتی که کار خوب را زشت و کار بد را خوب جلوه می دهد؛ از این رو دنیا برای کافران مایه زینت است: "زِينٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا...: زندگی دنیا برای کافران زینت داده شده است...!"

جهان ای پسر ملک جاوید نیست      ز دنیا وفاداری امید نیست

۱. سوره مبارکه مجادله/ آیه ۲۱

۲. سوره مبارکه بقره/ آیه ۱۵۵: "وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ: قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، و کاهش در مالها و جانها و میوهها، آزمایش می کنیم؛ و بشارت ده به استقامت کنندگان





سریر سلیمان علیه السلام؟  
خنک آنکه با دانش و داد رفت  
که در بند آسایش خلق بود  
نه گرد آوریدند و بگذاشتند

نه بر باد رفتی سحر گاه و شام  
به آخر ندیدی که بر باد رفت؟  
کسی زین میان گوی دولت ربود  
بکار آمد آنها که برداشتند

### ۳۲-۱-۵-۱. از زبان قرآن و روایات

قرآن کریم ناپایداری دنیا را به آبی تشبیه می کند که بر زمین می بارد و همه جا به وسیله آن سرسبز شده، ولی هنگام استفاده از آن، صاعقه ای آن را از بین می برد.<sup>۱</sup> ائمه معصومین علیهم السلام نیز همواره در اعطای بینش صحیح نسبت به دنیا تلاش نموده اند. در روایتی زیبا، دنیا به ماری خوش خط و خال تشبیه می شود که ظاهری فریبنده، و باطنی کشنده دارد: "إِنَّمَا مَثَلُ الدُّنْيَا كَمَثَلِ الْحَيَّةِ مَا أَلَيْنَ مَسَّهَا وَفِي جَوْفِهَا السَّمُّ التَّائِعُ يَحْدَرُهَا الرَّجُلُ الْعَاقِلُ وَيَهْوِي إِلَيْهَا الصَّبِيُّ الْجَاهِلُ".<sup>۲</sup> مثل دنیا مانند ماری است بدنی نرم ولی درونش زهری کشنده دارد. مردان خردمند از او فرار می کنند ولی کودکان نادان به او نزدیک می شود".

### ۳۳. دعوت به ایمان

ایمان، باور قلبی است که به طور عمیق در وجود انسان رسوخ کرده است. در روایات و احادیث،<sup>۳</sup> در معنای ایمان، اقرار به زبان و عمل با جوارح نیز آمده است که اینها آثار و علامت همان اعتقاد قلبی می باشند. ایمان فعلی ارادی است، زیرا خدا انسانها را به آن دعوت کرده است و امر و نهی به امور اختیاری تعلق می گیرد. زمینه بروز ایمان در فرد، از

۱. ر.ک: سوره مبارکه یونس / آیه ۲۴

۲. حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، ج ۱۶، ص ۱۷

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، *کافی* (ط - دار الحدیث)، ج ۳، ص ۷۷: الْإِيمَانُ هُوَ الْإِقْرَارُ بِاللِّسَانِ، وَ عَقْدُ فِي الْقَلْبِ، وَ عَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ.

ایجاد بینش صحیح نشأت گرفته و انسان با تکیه بر آن بینشها، عزم خود را محکم کرده، با تصمیم گیری صحیح، بینش خود را تبدیل به عقیده می کند. بنابراین در دعوت به ایمان، علم تازه ای به فرد اعطا نمی شود، بلکه انسان به آنچه می داند، ملزم می شود. ایمان باید در ابتدا به قلب فرد وارد شده و بعد از آن در وجود او ثابت گردد.<sup>۱</sup>

### ۳۳-۱. دعوت قرآن

قرآن کریم گاهی با روش مستقیم و گاهی غیر مستقیم، مخاطبان خود را به ایمان دعوت می کند و در این روشها از استفهام و استدلال بهره برده است. لقمان حکیم در اولین موعظه به فرزندش سراغ توحید می رود: "... يَا بَنِيَّ لَا شَرِكَ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ"<sup>۲</sup> ... پسر! چیزی را همتای خدا شریک قرار مده که شرک، ظلم بزرگی است! صاحب تفسیر نمونه می نویسد: «حکمت لقمان ایجاب می کند که قبل از هر چیز به سراغ اساسی ترین مسأله عقیدتی برود و آن توحید است.»<sup>۳</sup>

### ۳۳-۱-۱. از خود آغاز می کند

مؤمن آل فرعون که برخی آن را حیب نجار نامیدند، فردی بود که به حقانیت انبیاء الهی ایمان آورد و برای دفاع از رسولان الهی به پا خواست. او برای دعوت قومش به ایمان گفت: "وَمَا لِي لَا أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ"<sup>۴</sup> من چرا کسی را پرستش نکنم که مرا آفریده، و همگی به سوی او بازگشت داده می شوید! علامه طباطبائی در تفسیر المیزان

۱. باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، صص ۱۲۰-۱۲۱

۲. سوره مبارکه لقمان/آیه ۱۳

۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۳۶

۴. سوره مبارکه یس/آیه ۲۲



می نویسد: «جالب است که نمی گوید: چرا خدایی را پرستش نمی کنید که شما را آفرید» بلکه می گوید «چرا من چنین نکنم» تا مؤثرتر واقع شود.<sup>۱</sup>

### ۳۳-۲. دوران شک و تردید

در دوران نوجوانی، ممکن است فرد در ابعاد وجودی خود، باورها و اعتقادات خود دچار شک و تردید گردد. بنابراین نباید انتظار داشت که نوجوان هر آنچه اولیای او می گویند بدون چون و چرا بپذیرد. معلمان و والدین نیز باید به این خصوصیت نوجوانان واقف بوده و این امکان را برای آنها فراهم نموده تا زیر بنای منطقی و فلسفی مسائل اعتقادی را به تدریج به دست آورند و از شک آنها برای رسیدن به یقین استفاده کنند. نوجوان نیاز دارد تا با باورها و ارزشهای اعتقادی به صورت تعقلی روبرو شود، والدین باید این ویژگی نوجوان را در نظر گرفته و به کمک نیروی عقل و منطق و با استعانت از منطق و استدلال و قیاس، میل و گرایش آنها را به سمت این ارزشها سوق داده تا نسبت به مسائل اعتقادی شناخت تکمیلی پیدا کند.

### ۳۳-۲-۱. دعوت با بیان استدلال

در سوره مریم می خوانیم که حضرت ابراهیم علیه السلام هنگام دعوت عموی خویش به توحید، قبل از هر خشونتیی ابتدا او را با طرح سؤالی مورد خطاب قرار می دهد و می گوید: ای پدر، چرا چیزی را می پرستی که در حقیقت سودی به حال تو ندارد؟ و با این جمله یکی از دلایل بت پرستی (یعنی دفع خطر احتمالی) را باطل می کند. سپس با منطق روشنی با او برخورد می کند و می گوید: از من پیروی کن زیرا به من علمی داده

۱. طباطبائی، محمد حسین، المیزان، ج ۱۸، ص ۳۵۰

شده که تو آن را نداری، سپس او را از تبعیت شیطان بر حذر می‌دارد زیرا که شیطان نسبت به پروردگار عصیانگر است و در نهایت به او می‌گوید: من می‌ترسم که به واسطه شرک و بت پرستی عذاب الهی بر تو نازل شود. در تمام این آیات، حضرت ابراهیم با منطقی آمیخته با احترام و محبت و دلسوزی توأم با قاطعیت سخن می‌گوید.<sup>۱</sup>

### ۳۴. شیوه مقایسه

از شیوه‌هایی که پیامبران الهی برای اعطای بینش صحیح استفاده می‌کردند، مقایسه بود. حضرت ابراهیم علیه السلام در قالب مقایسه، اندیشه مشرکان را به قضاوت می‌طلبد: «قَالَ أَ تَعْبُدُونَ مَا تَنْحِتُونَ» (۹۵) «وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ»: «آیا چیزی را می‌پرستید که با دست خود می‌تراشید؟! اینکه خداوند هم شما را آفریده و هم بهایی که می‌سازید!».

گفت آیا می‌پرستید از فساد  
آنچه را خود می‌تراشید از جماد  
مر شما را آفریده است آن خدا  
و آنچه می‌سازید خود با دستها<sup>۳</sup>

در این آیات خداوند با پرسشی آنها را مورد توبیخ قرار داده و فکر آنها را تحریک کرده که آنچه آنها می‌پرستند، مخلوق خدا هستند.

۱. رک: سوره مبارکه مریم/ آیات ۴۱-۴۵؛ تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۸۴

۲. سوره مبارکه صافات/ آیات ۹۵-۹۶. غرض از استفهام در این آیات، توبیخ است.  
۳. صفی‌علیشاه، حسن بن محمد باقر، تفسیر قرآن صفی‌علیشاه، ج ۱، ص ۶۲۹



### ۳۴-۱. مقایسه کفر و ایمان

قرآن کریم در تشبیهات زیبا، ایمان و کفر را با هم مقایسه کرده است: "وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ" (۱۹) «وَلَا الظُّلُمَاتُ وَلَا النُّورُ» (۲۰) «وَلَا الظُّلُّ وَلَا الْحُرُورُ» (۲۱) «وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَن يَشَاءُ وَمَا أَنتَ بِمُسْمِعٍ مَّن فِي الْقُبُورِ»<sup>۱</sup> و نایبنا و بینا هرگز برابر نیستند، (۱۹) و نه ظلمتها و روشنایی (۲۰) و نه سایه (آرامبخش) و باد داغ و سوزان! (۲۱) و هرگز مردگان و زندگان یکسان نیستند...". در این آیات ایمان، به نور و روشنایی و فرد مؤمن، به زنده و بینا تشبیه شده و در مقابل، کفر به ظلمات و تاریکیها و فرد کافر به نایبنا و مرده تشبیه شده است.

به کاربردن تشبیهات هنگام مقایسه دو چیز، مخاطب را در فهم بهتر مطلب یاری می‌رساند.

### ۳۵. تربیت عقل و اندیشه

قرآن از علم و دانش، با واژه حکمت یاد می‌کند. حکمت در اصل به معنی منع است و از آنجا که استدلال و منطق مانع فساد انسان می‌شود، به آن حکمت گفته می‌شود.<sup>۲</sup> تعلیم حکمت از برنامه‌ها و روشهای تربیتی انبیاء الهی می‌باشد: "ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ..."<sup>۳</sup>: با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما..".

امام علی علیه السلام در آثار روانی تعلیم حکمت می‌فرماید: "إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ تَمَلُّ كَمَا تَمَلُّ"

۱. سوره مبارکه فاطر/ آیات ۱۹-۲۲

۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۴۵۵

۳. سوره مبارکه نحل/ آیه ۱۲۵

الْأَبْدَانُ، فَابْتَغُوا لَهَا طَرَائِفَ الْحِكْمِ! این قلبها همچون بدن‌ها ملول و افسرده می‌شوند برای رفع ملالت آنها، لطائف حکمت آمیز را انتخاب کنید".

### ۳۵-۱. آدمی را عقل می‌باید نه زر

از وظایف والدین، تربیت فکر و اندیشه فرزندان می‌باشد. والدین باید در پرورش فکر فرزندان خود از حواس آنها شروع کرده و آنها را در مواجهه با پدیده‌های جهان قرار دهند و به وسیله آنها، فکر فرزند را پرورش دهند. به طور مثال با بیان شگفتیهای آفرینش جهان هستی و نیز شگفتیهای آفرینش انسان و انتساب آنها به خدای حکیم، به دید فرزندان وسعت بخشند. قرآن کریم در آیات بسیاری، انسان را به تفکر در آفرینش او می‌دارد.<sup>۲</sup> گاهی نیز با ایجاد سؤال در ذهن مخاطب، آفرینش جهان را یادآور می‌شود: "الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ" آیه‌ای ندیدید خداوند از آسمان، آبی فرستاد، و زمین (بر اثر آن) سرسبز و خرم می‌گردد؟! و خداوند لطیف و آگاه است".

قرآن کریم و احادیث وارده از ائمه معصومین، در بردارنده برترین حکمت‌ها می‌باشد. والدین می‌توانند با استفاده از این حکمت‌ها به ترتیب فرزندان خود پردازند.

۱. نهج البلاغه، حکمت ۹۱

۲. سوره مبارکه روم/ آیه ۲۴ و مِنْ آيَاتِهِ يُرِيكُمْ الْبَرْقَ خَوْفًا وَ طَمَعًا وَ يُنَزِّلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُخْرِجُ بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ: و از آیات او این است که برق و رعد را به شما نشان می‌دهد که هم مایه ترس و هم امید است (ترس از صاعقه، و امید به نزول باران)، و از آسمان آبی فرو می‌فرستد که زمین را بعد از مردنش بوسیله آن زنده می‌کند؛ در این نشانه‌هایی است برای جمعیتی که می‌اندیشند!".

۳. سوره مبارکه حج/ آیه ۶۳



### ۳۵-۲. پرورش نیروی فکری نوجوان

برای پرورش نیروی عقل نوجوان، باید او را از تقلید کورکورانه برحذر داشت و جریان فکر او را به راه انداخت. مقتضای این کار، ایجاد سؤال در ذهن مخاطب است. قرآن کریم در داستان حضرت ابراهیم علیه السلام به این موضوع به خوبی اشاره می‌کند. زمانی که آن بت شکن تاریخ، برای فهماندن عقاید خرافی قومش، پس از شکستن بتها، تبر خود را بر دوش بت بزرگ گذاشت و این کار را به آن نسبت داد، با این عمل، وجدان خفته آنها را بیدار کرد و پس از آن به استدلال پرداخت: «قَالَ أَفَتَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكُمْ شَيْئًا وَلَا يَضُرُّكُمْ» (۶۶) «أَفِ لَكُمْ وَلِمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (ابراهیم) گفت: «آیا جز خدا چیزی را می‌پرستید که نه کمترین سودی برای شما دارد، و نه زبانی به شما می‌رساند! (نه امیدی به سودشان دارید، و نه ترسی از زیانشان!) (۶۶) اف بر شما و بر آنچه جز خدا می‌پرستید! آیا اندیشه نمی‌کنید (و عقل ندارید)؟» و بدین ترتیب اندیشه آنها را بر توحید پرستی تحریک کرد.

### ۳۵-۳. سیره معصومین علیهم السلام

ائمه معصومین علیهم السلام نیز، از روش پرسش و پاسخ در تعلیم استفاده و از این طریق مخاطبان را برای تعلیم ترغیب می‌کردند. امام باقر علیه السلام از شاگرد خود می‌پرسد: «يَا لَيْمَانُ، أَتَدْرِي مِنَ الْمُسْلِمِ؟» قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، أَنْتَ أَعْلَمُ، قَالَ: «الْمُسْلِمُ مَنْ سَرَّ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَيَدِهِ». ثُمَّ قَالَ: «وَتَدْرِي مِنَ الْمُؤْمِنِ؟» قُلْتُ: أَنْتَ أَعْلَمُ، قَالَ: «الْمُؤْمِنُ مَنْ اتَّخَمَتْهُ الْمُسْلِمُونَ عَلَى أَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ، وَالْمُسْلِمُ حَرَامٌ عَلَى الْمُسْلِمِ أَنْ يَظْلِمَهُ، أَوْ يَخْذُلَهُ أَوْ

يَدْفَعُهُ دَفْعَةً لُّعْنَةً: <sup>۱</sup> ای سلیمان، می دانی مسلمان کیست؟ عرض کردم قربانت شما بهتر میدانی، فرمود: مسلمان کسی است که مسلمانان از زبان و دست او سالم باشند و سپس فرمود: می دانی مؤمن کیست؟ عرض کردم: شما داناترید. فرمود: مؤمن کسی است که مسلمانها او را بر مال و جان خود امین سازند، و بر مسلمان حرام است که نسبت به مسلمان دیگر ستم کند یا او را واگذارد یا او را براند [در پرداخت طلبش چندان مسامحه کند] که او را به رنج اندازد. <sup>۲</sup>

### ۳۶. روش انذار (ترساندن)

انذار به معنای آگاهاندن کسی نسبت به امری که در آینده رخ می دهد و ایجاد هول و هراس در او. <sup>۳</sup> وجود پیامبر اکرم برای مؤمنان، هم مبشر بوده است و هم منذر. <sup>۴</sup> بر اساس این روش، والدین باید با آگاهی مناسبی که از اعمال فرزند و آثار آن اعمال بر وی دارد، او را نسبت به عواقب اعمال نامطلوب آگاه کرده و از ادامه رفتار بر حذر دارند. مجموعه آیات قرآنی که عذابهای الهی را بیان می کند و یا به توصیف جهنم می پردازد، <sup>۵</sup> برای رسیدن به این هدف می باشد. با این روش فرد نسبت به فعل منفی بی انگیزه شده و بر ترک فعل مصمم می شود.

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی (دارالحدیث)، ج ۳، ص ۵۹۲

۲. همان، اصول الکافی، ج ۳، ص ۳۳۰، مترجم: سید جواد مصطفوی، کتابفروشی علمیه اسلامیة، تهران.

۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، ص ۷۹۷. الانذار: اخبار فیه تخويف.

۴. سوره مبارکه فرقان/آیه ۵۶ و مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَ نَذِيرًا: (ای پیامبر) ما تو را جز بشارت دهنده و انذار کننده نفرستادیم."

۵. سور مبارکه صافات، آیات ۶۲-۶۷؛ مرسلات، آیات ۳۰-۳۲





### ۳۶-۱. هشدار امام هادی علیه السلام

در سیره امام دهم علیه السلام آمده است آن حضرت به یکی از یاران خویش فرمود: تو را با عبدالرحمن یعقوب می بینم. عرضه داشت: او عموی من است. امام فرمود: او سخن ناهموار می زند و برای خدا جسم قائل است. یا ترک ما کن و با او بنشین و یا او را ترک کن و با ما بنشین. عرضه داشت: او هر چه می خواهد بگوید. امام فرمود: آیا نمی ترسی عذابی بر او نازل شود و همه شما را فرا گیرد. امام با این روش یاران خود را نسبت به عواقب این کار آگاه می کند.<sup>۱</sup>

### ۳۶-۲. روش تربیتی انبیاء الهی

سیره پیامبران الهی در هدایت قوم خود نیز، آگاهی بخشی افراد از عاقبت اعمالشان بوده است.<sup>۲</sup> نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله در بیان عاقبت ترک نماز می فرماید: "لَا يَزَالُ الشَّيْطَانُ يَرْعَبُ مِنْ بَنِي آدَمَ مَا حَافِظَ عَلَى الصَّلَاةِ الْخُمْسِ فَإِذَا ضَيَّعَهُنَّ تَجَرَّ أَعْلَيْهِ وَأَوْقَعَهُ فِي الْعَطَائِرِ"<sup>۳</sup> شیطان پیوسته از آدمی تا زمانی که نمازهای پنج گانه را به جا می آورد می ترسد. هر گاه به جا نیاورد، شیطان بر او گستاخ می شود و او را در گناهان بزرگ می اندازد".

بیان داستانهای تاریخی قرآن، از بهترین شیوه‌هایی است که والدین می توانند در انداز

فرزند از آن بهره ببرند.

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی (ط-اسلامیه)، ج ۲، ص ۳۷۴

۲. سوره مبارکه هود/ آیه ۸۴: "لَا تَنْقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ إِنِّي أُرْثِكُمْ خَيْرٌ وَ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مَحِيطٍ... پیمانانه و وزن را کم نکنید (و دست به کم فروشی نزنید)؛ من (هم اکنون) شما را در نعمت می بینم؛ (ولی) از عذاب روز فراگیر، بر شما بیمناکم!" حضرت شعیب، با خطابی هشدار آمیز قوم خود را از عاقبت کم فروشی مطلع می کند

۳. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۲۰۲

### ۳۷. تحریک ایمان

در این روش، فرد به سبب ایمان احساس تکلیف می‌کند و احساس مسئولیت و الزام درونی در فرد ایجاد می‌شود. افراد با ایمان از نیروی بالقوه‌ای در درون خود برخوردارند و زمانی که این نیرو به حرکت درآید، مظهر تحولات زیادی خواهد شد. انسان گاهی علی‌رغم تن دادن ظاهری به انجام بعضی کارها، در باطن با مقاومت‌هایی روبرو است. خداوند با خطاب تحریک، آنها را در نزاع عقل و احساس قرار می‌دهد: "وَمَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالرَّسُولِ يَدْعُوكُمْ لِتُؤْمِنُوا بِرَبِّكُمْ وَقَدْ أَخَذَ مِيثَاقَكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ: اچرا به خدا ایمان نیاورید در حالی که رسول (او) شما را می‌خواند که به پروردگارتان ایمان بیاورید، و از شما پیمان گرفته است (بیمانی از طریق فطرت و خرد)، اگر آماده ایمان آوردنید!"

### ۳۷-۱. وعده امام صادق علیه السلام

ابوبصیر از یاران امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که در همسایگی‌ام مردی بود که از راه حرام، ثروتی به دست آورده بود و شبها مجالس نامشروع برپا می‌کرد که این کار باعث آزار من می‌شد. بارها از او خواستم تا از این کارها دست بردارد. چون زیاد اصرار کردم گفت احوال مرا برای امامت بگو، شاید خدا مرا نجات دهد. وقتی خدمت امام رسیدم جریان او را گفتم. امام صادق علیه السلام فرمود: از قول من به او بگو اگر دست از این کارها بردارد، من متعهد می‌شوم خدا او را به بهشت وارد کند. این حرف، در وجود مرد اثر کرد و باعث شد دست از آن رفتارها بردارد. بعد از مدتی به دنبال من فرستاد، دیدم در بستر مرگ افتاده، رو به من کرد و گفت: امامت به وعده خود وفا نمود و از دنیا رفت.<sup>۲</sup>

۱. سوره مبارکه حدید/ آیه ۸. استفهام در این آیه جهت توبیخ مخاطب است.

۲. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۱۴۵



## ۳۸. روش ابتلا

ابتلا به معنی آزمودن است. خداوند متعال برای تربیت مؤمنان، آنها را در معرض آزمایش و امتحان قرار می‌دهد در این روش، در مواجهه متربی با صحنه‌های آزمون، صلاحیت و آمادگی او به محک گذاشته، صفات باطنی او بروز کرده و استعدادهای بالقوه‌اش، شکوفا می‌شود. این ویژگی مهمی است که در دیگر روشهای تربیتی وجود ندارد. سنت ابتلا یک سنت همگانی است<sup>۱</sup> و امتحانات الهی گاه به صورت فردی ظهور کرده، مانند امتحاناتی که برای انبیاء الهی بود<sup>۲</sup> و گاه به صورت جمعی، بروز می‌کند.<sup>۳</sup> انسانها به دو صورت دچار ابتلا می‌شوند: امتحان در آسایش و غنا و راحتی و امتحان در سختی تنگدستی و دشواری.<sup>۴</sup> قرآن فلسفه این آزمایشات را پالایش قلوب مؤمنان و رسیدن به رشد و تقوا می‌داند.<sup>۵</sup>

نازپرورده تنم نبرد راه به دوست عاشقی شیوه رندان بلاکش باشد حافظ

قرآن کریم برای قطعی بودن سنت ابتلا با استفهام انکاری می‌فرماید: «أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ»<sup>۶</sup> آیا مردم گمان کردند همین که بگویند: «ایمان آوردیم»، به حال خود رها می‌شوند و آزمایش نخواهند شد؟!.

۱. سوره مبارکه مؤمنون / آیه ۳۰

۲. ر.ک: سوره مبارکه صافات / آیات ۱۰۲-۱۰۶

۳. ر.ک: سوره مبارکه اعراف / آیه ۱۶۸

۴. سوره مبارکه انبیاء / آیه ۳۵: ... كُلِّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَ نَبَلُّوْكُمْ بِالْشَّرِّ وَ الْخَيْرِ فِتْنَةً: ... و شما را با بدبها و خوببها آزمایش می‌کنیم...

۵. ر.ک: سوره مبارکه آل عمران / آیه ۱۵۳ و سوره مبارکه حجرات / آیه ۳

۶. سوره مبارکه عنکبوت / آیه ۲

### ۳۹. محاسبه نفس

در محاسبه نفس، ارزیابی نیت‌های پنهان عمل مطرح است و آن شیوه ای برای محافظت و مداومت بر عمل است. در این روش متری (نوجوان)، با تفکر در درون خویش به خوب و بد کارهای خود دقت می‌کند که آیا رفتارش صحیح است یا نه و در صورت غیر صحیح بودن در پی اصلاح خویش برمی‌آید. قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَانظُرُوا نَفْسَ مَا قَدَّمْتُمْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ»<sup>۱</sup>؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید از (مخالفت) خدا بپرهیزید؛ و هر کس باید بنگرد تا برای فردایش چه چیز از پیش فرستاده...»

در اهمیت محاسبه نفس در روایات داریم: «لَيْسَ مِمَّا مَن لَّيُّ حَاسِبِ نَفْسِهِ فِي كُلِّ يَوْمٍ فَإِنَّ عَمَلًا حَسَنًا اسْتَرَادَ اللَّهُ وَإِنْ عَمِلَ سَيِّئًا اسْتَغْفَرَ اللَّهُ مِنْهُ وَتَابَ إِلَيْهِ»<sup>۲</sup> از ما نیست کسی که هر روز حساب خود را نکشد و اگر کار خوب کرده است، از خدا فزونی آن را خواهد و اگر کار بد کرده است، از خدا آموزش آن را خواهد و از آن توبه کند».

### ۳۹-۱. جریمه در صورت تکرار گناه!

همسر شهید می‌گفت: یک روز که او مدم خونه، چشماش سرخ شده بود. کتاب «گناهان کبیره» شهید دستغیب تو دستش بود. یه نگاهی به من کرد و گفت: «راستی اگه خدا این طور که تو کتاب نوشته با ما معامله کنه چی میشه؟» مدتی بعد برای گروهشون صندوقی درست کرده بود و به دوستاش گفته بود: «هر کس غیبت بکنه پنجاه تومان بندازه تو صندوق. باید جریمه بدید تا گناه تکرار نشه»<sup>۳</sup>.

۱. سوره مبارکه حشر/ آیه ۱۸

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۲، ص ۴۵۳

۳. خاطرات شهید محمد حسین فایده، برگرفته از کتاب موعظه خوبان، ص ۲۶۵



## ۴۰. روش تزکیه

با فرارسیدن بلوغ، تمنیات گوناگونی در ضمیر نوجوان شکوفا می‌شود و او را به سمت ارضای خواهشهای نفسانی درونی خویش می‌کشاند. در حالت عادی، نوجوان ندای عقل و وجدان را می‌شنود، ولی زمانی که غرایز و امیال نفسانی سرکش شوند، تمایلات عقلی را سرکوب می‌کنند. کشش‌ها و کشمکش‌های نفسانی، توازن عقل نهادی را از آن سلب می‌کنند و عقل را هم در حیطه فکر و اندیشه و هم در حیطه عمل و کردار به خطا می‌کشاند. تن دادن به هوسها در کار عقل اختلال ایجاد کرده و عمل زشت را زیبا و عمل زیبا را زشت جلوه می‌دهد. قرآن کریم رستگاری را در تزکیه نفس می‌داند: "قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى: <sup>۱</sup> به یقین کسی که پاکی جست (خود را تزکیه کرد) رستگار شد". بنابراین روایات مهار طغیانهای نفسانی، شرط عقل ورزی است.<sup>۲</sup>

دگر لذت نفس، لذت نخوانی  
گرت باز باشد دری آسمانی

اگر لذتِ ترک لذت بدانی  
هزاران در از خلق بر خود ببندی

## ۴۰-۱. درمان طغیانهای روحی

خشم، غضب، شهوت، عجب، کینه و نفرت، از مهمترین طغیانهای درونی دوران جوانی است که قرآن مطرح می‌کند و در پی درمان آنهاست. زمانی که انسان از این طغیانها پاک شد، علم و معرفت ویژه ای به او داده می‌شود و عقلش تیز بین. از وظایف تربیتی پیامبر قبل از تعلیم مؤمنان، تزکیه آنها بود.<sup>۳</sup> وظیفه والدین است که نوجوان را از

۱. سوره مبارکه اعلیٰ / آیه ۱۴

۲. امام علی: " مَنْ لَمْ يَهْدِمْ نَفْسَهُ لَمْ يَنْتَفِعْ بِالْعَقْلِ: کسی که نفسش را پاک نکند، عقلش به او سودی نمی‌رساند."

۳. سوره مبارکه آل عمران / آیه ۱۶۴: لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يَعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ إِن كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ: خداوند بر مؤمنان منت نهاد [نعمت بزرگی بخشید] هنگامی که در میان آنها،

آثار و پیامدهای طغیانها آگاه کنند و در تعدیل این تمایلات بکوشند. خداوند خطاب به موسی علیه السلام می‌فرماید برای دعوتِ فرعون، این گونه سخن بگوید: "فَقُلْ هَلْ لَكَ إِلَىٰ أَنْ تَزَكَّىٰ: 'به او بگو آیا می‌خواهی پاکیزه شوی؟'". برخی آیه را این طور معنا کرده‌اند: آیا میل به این داری که پاک شوی؟<sup>۲</sup> در این جمله، مهربانی گوینده به وضوح روشن است. والدین نیز می‌توانند با تاسی از قرآن، فرزندان خود را آمادهٔ تزکیه از طغیانهای روحی کنند.

#### ۴۰-۲. شکل خواسته‌های دل

خواجه نظام الملک گفت: شبی در خواب دیدم اشخاصی زشت رو پیدا شدند و نزدیک من نشستند، هر کدام از دیگری زشت تر و بدبو تر بودند، چنان بد منظر بودند که از بوی بد آنها نزدیک بود روح از بدنم خارج شود، با وحشت از خواب بیدار شدم. شب دوم باز همان اشخاص در خوابم ظاهر شدند. شب سوم از ترس به خواب نرفتم تا اینکه خواب بر من غلبه کرد. باز همان اشخاص شب‌های گذشته را دیدم. ناگاه عده‌ای آمدند که زیبا رو بودند. هر یک از آنها که می‌آمدند، یکی از زشت رویان می‌رفتند تا اینکه تمام آنها رفتند و زیبارویان جایشان را گرفتند. من از همنشینی آنها خوشحال شدم. از آنها پرسیدم: شما کیستید؟ یکی از آنها گفت: ما صفات نیک تو هستیم، آنها که رفتند، صفات زشت تو بودند. اگر تاب همنشینی آنها را داری، مجالست با آنها را اختیار کن و

پیامبری از خودشان برانگیخت؛ که آیات او را بر آنها بخواند، و آنها را پاک کند و کتاب و حکمت بیاموزد؛ هر چند پیش از آن، در گمراهی آشکاری بودند.

۱. سوره مبارکه نازعات/ آیه ۱۸

۲. طباطبائی، محمد حسین، *المیزان*، ج ۲۰، ص ۳۰۴



گر نه ما را به دوستی برگزین که همنشینی هر یک از ما با تو تا ابد خواهد بود.<sup>۱</sup>

## ۴۱. روش توبه

توبه به معنای بازگشت می‌باشد. خداوند دو توبه دارد. توبه اول، هدایت و توفیق است و زمانی که خدا این توفیق را به گناهکار می‌دهد و او را نسبت به خطایش واقف می‌کند، با بازگشت گناهکار از خطایش توبه اول کارگر افتاده و موفق به استغفار می‌شود. در اینجا توبه دوم خدا نیز آشکار می‌شود و توبه او را قبول می‌کند.<sup>۲</sup> قرآن کریم می‌فرماید: "...ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ: ۳... سپس خدا رحمتش را شامل حال آنها نمود، (و به آن توفیق داد) تا توبه کنند؛ خداوند بسیار توبه‌پذیر و مهربان است!"

دارم امید عاطفتی از جناب دوست کردم جنایتی و امیدم به عفو اوست حافظ

## ۴۱-۱. غفلت از صاحب اختیار

صدای ساز و آواز بلند بود. نزدیک خانه که میشدی می‌توانستی حدس بزنی در آن خانه چه خبر است. خدمتکار از خانه بیرون آمد و با مردی که آثار عبادت در او نمایان بود برخورد کرد. مرد از او پرسید: صاحب این خانه بنده است یا آزاد؟ خدمتکار گفت: آزاد. مرد فرمود: معلوم است که آزاد است، اگر بنده بود از صاحب اختیار خود می‌ترسید و این بساط را پهن نمی‌کرد. خدمتکار به داخل خانه رفت و جریان را برای اربابش بازگو کرد. جملات آن مرد مثل تیر بر قلبش نشست، با پای برهنه به دنبال گوینده سخن رفت تا خود را به آن مرد - که کسی جز امام موسی علیه السلام نبود - رساند و به دست ایشان توبه کرد و

۱. محمدی، محمد حسین، هزار و یک حکایت اخلاقی، ص ۳۸۲

۲. باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص ۱۶۶

۳. سوره مبارکه توبه/ آیه ۱۱۸

از آن پس به «بشر حافی» معروف گشت.<sup>۱</sup>

## ۴۱-۲. برخورد یوسف با برادرانش

زمانی که برادران یوسف علیه السلام برای خرید گندم به مصر رفتند، با یوسف پیامبر که اکنون عزیز مصر بود، مواجه شدند. به قول حافظ شیرازی:

عزیز مصر به رغم برادران غیور      ز قعر چاه برآمد به اوج ماه رسید

آن حضرت با آن مقامی که داشت، گناه برادران خود را به طور سربسته به آنها یادآوری می‌کند: «قَالَ هَلْ عَلِمْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ بِيُوسُفَ وَأَخِيهِ إِذْ أَنْتُمْ جَاهِلُونَ»<sup>۲</sup> گفت آیا دانستید با یوسف و برادرش چه کردید، آن گاه که جاهل بودید؟». یوسف علیه السلام با اینکه از گناه برادران خود، اطلاع داشت، با لحن پرسش اعمال زشتشان را یادآور می‌شود، بدون اینکه خواسته باشد آنها را مورد ملامت و سرزنش قرار دهد. همچنین، راه عذر خواهی را نیز به آنها یاد می‌دهد: «اذانتم جاهلون».<sup>۳</sup>

## ۴۱-۳. عذر پذیر باشیم

زمانی که برادران یوسف علیه السلام به گناه خود اعتراف کرده و خواستار بخشش شدند، آن حضرت گذشت خود را این گونه نشان می‌دهد: «قَالَ لَا تَثْرِبَ عَلَيْكُمْ أَيُّومَ يَعْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ»<sup>۴</sup> (یوسف) گفت: «امروز ملامت و توبیخی بر شما نیست! خداوند شما را می‌بخشد؛ و او مهربانترین مهربانان است». «تثریب» به معنای توبیخ و مبالغه در ملامت و شمردن یک یک

۱. رحمتی، محمد، گنجینه معارف، ج ۲، ص ۵۹۵

۲. سوره مبارکه یوسف/ آیه ۸۹

۳. طباطبائی، محمد حسین، المیزان، ج ۱۱، ص ۳۲۲

۴. سوره مبارکه یوسف/ آیه ۹۲





گناهان است. یوسف علیه السلام به خاطر اینکه نهایت گذشت خود را نشان دهد، فرمود: من گناهان شما را نمی‌شمارم که چه کردید و برای دلداری آنها از خدا برایشان طلب مغفرت می‌کند.<sup>۱</sup>

در باب پذیرش عذر افراد، امام صادق علیه السلام از اجدادش نقل کرده است که پیغمبر صلی الله علیه و آله در وصیتش به علی علیه السلام فرموده: یا علی هر که عذرِ عذرخواهی را نپذیرد چه راست یا دروغ، به شفاعت من نمی‌رسد.<sup>۲</sup>

#### ۴-۴۱. محبوبیت جوان توبه کننده

نکته‌ای که والدین باید به آن توجه کنند، ابلاغ عطف و مهربانی خدا نسبت به جوانانی است که از گناه خود پشیمان شده اند. امام علی علیه السلام می‌فرماید: "مَا مِنْ شَيْءٍ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَابٍ تَائِبٍ": هیچ چیز نزد خدا از جوان توبه کننده محبوب تر نیست". برای ترغیب جوانان به توبه، استفاده از خطابات زیبا و ادبیات مطلوب نیز لازم می‌باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله توبه جوانان را در مقایسه با دیگران بهترین توبه شمرده است: "التَّوْبَةُ حَسَنَةٌ لِكِنَّهَا فِي الشَّبَابِ أَحْسَنُ":<sup>۴</sup> توبه زیباست ولی از جوانان زیباتر است".

۱. طباطبائی، محمد حسین، المیزان، ج ۱۱، ص ۳۲۳

۲. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، آداب معاشرت از دیدگاه معصومان علیهم السلام، ص ۱۶۱

۳. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغة، ج ۱۱، ص ۱۸۱-قم، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.

۴. ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی، مجموعه ورام (ترجمه تنبیه الخواطر)، ج ۲، ص ۱۱۸، مترجم: عطایی- محمد

رضا، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی

## ۴۲. روش کشف و شهود

کشف در لغت، یعنی برطرف کردن پرده و مانع از چیزی تا حقیقت آن آشکار شود، خواه آن مادی باشد یا معنوی<sup>۱</sup> و در اصطلاح، راه یافتن به جهان ماورای حس و کشف حقایق آن جهان با چشم درون می‌باشد.<sup>۲</sup> قرآن کریم خطاب به انسانها می‌گوید: كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ «۵» لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ «۶»: «۳» چنان نیست که شما خیال می‌کنید؛ اگر شما علم یقین (به آخرت) داشتید (افزون طلبی شما را از خدا غافل نمی‌کرد) قطعاً شما جهنم را خواهید دید". منظور از دیدن جهنم، رؤیت قلبی (دیدن با چشم بصیرت) است که از آثار علم یقین است.<sup>۴</sup>

## ۴۲-۱. چشم دل باز کن که جان بینی

هدف از این روش، برطرف کردن حجابهای ظلمانی چون هوای نفس، جهل و غفلت، گناهان و وسوسه‌های شیطانی از فرزند(متربی) و کاشتن بذر معرفت ایمان در دل آن برای رسیدن به شهود می‌باشد. تمام روشهای تربیتی که بیان شد، مقدمه‌ای است برای رسیدن و رساندن فرزند به این مرحله. هنگامی که درون و قلب انسان از زنگار گناه پاک شد و جای خود را به ایمان واقعی داد، خداوند چشم دل او را به سوی حقایق باز می‌کند.

حجاب چهرهٔ جان می‌شود غبار تنم      خوشا دمی که از این چهره پرده برفکنم حافظ

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: "لَيْسَ الْعِلْمُ بِكَثْرَةِ التَّعَلُّمِ، وَإِنَّمَا الْعِلْمُ نُورٌ يُقَدِّفُهُ اللَّهُ فِي قَلْبِ مَنْ"

۱. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، ج ۱۰، ص ۷۲: هو رفع غطاء و إزالته عن شیء حتى يظهر متن الشیء، مادیا أو معنویاً.

۲. مکارم شیرازی، ناصر، *پیام قرآن*، ج ۱، ص ۲۴۶، تهران دار الکتب الاسلامیه، چاپ: اول ۱۳۸۶ ه. ش

۳. سوره مبارکه تکوین / آیات ۵-۶

۴. طباطبائی، محمد حسین، *المیزان*، ج ۲۰، ص ۶۰۲



يُحِبُّ، فَيَنْفَعُ حُلَّةً، وَيُشَاهِدُ الْعَيْبَ، وَيَنْشَرُ حُجَّ صَدْرَهُ فَيَتَحَمَّلُ الْبَلَاءَ...: علم (حقیقی) به کثرت تعلم نیست، بلکه نوری است که خداوند در قلب کسانی که دوست دارد می افکند، و به دنبال آن درهای قلب گشوده می شود، و غیب را می بیند، سینه او گشاده می گردد، و در برابر بلا و آزمون الهی مقاوم می شود...<sup>۱</sup>!

برای رسیدن به این هدف، فرد را باید متوجه خود کرد و بینش صحیح نسبت به خود را در او ایجاد کرد. پس از شناخت خود، فرد به مرحله خداشناسی رسیده که آخرین مرحله خودسازی است.

### ۴۳. روش تنبیه

زمانی که تمام روشهای تربیتی برای تربیت شخص، کارگر نیفتاد از روش تنبیه استفاده می کنیم. هدف از تنبیه، آگاه کردن فرد، از رفتار زشت و ناپسند می باشد. در این روش، یک محرک بیزارکننده، بلافاصله پس از عمل ناهنجار ارائه می شود تا موجب کاهش، محو و یا ترک رفتارهای نامطلوب متربی شود. محرکهای آزاردهنده می تواند به تدریج و طی مراحل مختلف در محیط وارد شود.

### ۴۳-۱ شیوه های مختلف تنبیه

در قرآن کریم روشهای مختلفی برای تنبیه آمده است:

### ۴۳-۱-۱ رویگردانی و اعراض

سالها از فراق یوسف علیه السلام می گذشت. کنعان دچار قحطی شد. برادران یوسف برای خرید گندم به مصر رفتند. یوسف پیامبر با طرح نقشه ای بنیامین (برادر تنی خود) را به

۱. مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن، ج ۱، ص ۲۶۶

عنوان گروگان پیش خود نگه داشت. پسران یعقوب علیهم السلام پیش پدر بازگشتند در حالی که به تعهد خود در برگرداندن بنیامین موفق نبودند، حضرت یعقوب علیهم السلام برای تنبیه فرزندان، از آنها روی گرداند: "وَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا سَفَىٰ عَلَىٰ يُونُسَفَ وَإِيصَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ" <sup>۱</sup> و از آنها روی برگرداند و گفت: «وا اسفا بر يوسف!» و چشمان او از اندوه سفید شد، اما خشم خود را فرو می‌برد (و هرگز کفران نمی‌کرد).

### ۴۳-۱-۲. ملامت و سرزنش

قرآن کریم در ملامت مؤمنانی که قساوت قلب و وجودشان را گرفته می‌فرماید: "الَّذِينَ آمَنُوا أَن تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ فَاسِقُونَ" <sup>۲</sup> آیا وقت آن نرسیده است که دل‌های مؤمنان در برابر ذکر خدا و آنچه از حق نازل کرده است خاشع گردد؟...".

حضرت موسی علیهم السلام هنگام بازگشت از کوه طور و مشاهده گرایش قومش به شرک، برای نشان دادن بزرگی اشتباهات قومش و تأثیر روانی بیشتر، برادر خود (هارون) را مورد تویخ قرار می‌دهد و می‌فرماید: چرا هنگامی که دیدی آنها گمراه شدند از من پیروی نکردی؟ آیا از دستور من سرپیچی کردی؟ <sup>۳</sup>

۱. سوره مبارکه یوسف/ آیه ۸۴

۲. سوره مبارکه حدید/ آیه ۱۶: استفهام در آیه تویخی است.

۳. ر.ک: سوره مبارکه طه/ آیات ۹۲-۹۴



### ۴۳-۱-۳. مجازات

آخرین اقدام برای تنبیه، مجازات می‌باشد. مجازات باید به قدر خطا باشد. این روشی است که قرآن در پیش گرفته است: "...وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يَجْزِي إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظَاهَمُونَ" <sup>۱</sup> و هر کس کار بدی انجام دهد، جز بمانند آن، کیفر نخواهد دید؛ و ستمی بر آنها نخواهد شد".

### ۴۴. هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد

و سخن پایانی این که هر خطاب و ادبیاتی باید به موقع و در جای مناسب استفاده شود و گرنه نتیجه تربیتی آن معکوس خواهد بود. گاهی در خانواده از برخی ادبیات، استفاده نا به جا می‌شود. به طور مثال پرسیدن از اموری که دانستن آن زیانبار است، <sup>۲</sup> تجسس در امور شخصی یکدیگر <sup>۳</sup> و پرسشهای تمسخرآمیز، از کاربردهای نادرست ادبیاتِ استفهام (پرسش) می‌باشد. استفاده از این گونه ادبیات، فرآیند ارتباط را دچار مشکل می‌کند.

۱. سوره مبارکه انعام/ آیه ۱۶۰

۲ سوره مبارکه مائده/ آیه ۱۰۱

۳سوره مبارکه حجرات/ آیه ۱۲



## راهکارهای چگونه سخن گفتن

### ۱. خلاصه مطالب

بنابر فرموده پیامبر اکرم ﷺ بهترین سخن، سخن خداست.<sup>۱</sup> قرآن از جهات مختلف بر دیگر کلامها برتری فوق العاده‌ای دارد. یکی از جنبه‌های برتری قرآن که اعجاز آن نیز به شمار می‌آید، فصاحت و بلاغت آن است. کلام خوب زمانی تأثیر گذار است که از بهترین نوع گویش نیز برخوردار باشد و قرآن بهترین نوع گویش را داراست. قرآن کریم گاهی در موضع کرامت با مخاطبان سخن می‌گوید و لحن عزت بخشی به مخاطب می‌دهد. گاهی با زبان احساس صحبت می‌کند و لحن کلامش عاطفی است و گاه از در منطق و استدلال وارد می‌شود تا مخاطب را با برهان قاطع، قانع کند. زمانی با بشارت به بهشت، مخاطب را بر سر شوق می‌آورد و گاه با خطاب هشدار آمیز، چنان رعب و وحشتی در دل مخاطب می‌اندازد که تا عمق وجودش اثر می‌گذارد.

قرآن گاهی با ایجاد سؤال مخاطب را به تفکر در درون خویش و جهان بیرون وادار می‌کند تا حقایق جهان هستی را درک کند. زمانی با امر و نهی مستقیم و گاهی با کنایه و تعریض فرد را موعظه می‌کند. قرآن کریم با بیان مهرش نسبت به اعمال نیک، مخاطبان را

۱. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۲۰۴: «احسن الکلام کلام الله»

به آن اعمال امر می کند و گاه با نفرت از اعمال زشت بندگان از قهر الهی سخن می گوید تا مخاطبی که دل به مهر او بسته، زشتی عمل را به مهر الهی بفروشد. گاه با بیان داستانهای شیرین و جذاب الگوهای نیک و بد را به مخاطب معرفی کرده تا مخاطب از سرگذشت دیگران درس عبرت بگیرد و زمانی با تشبیهات و تمثیلات زیبا، حقایق را به طور ملموس و محسوس به مخاطبان آموزش می دهد. زمانی با لحنی محبت آمیز مخاطب خود را تذکر می دهد و گاه با لحنی تهدید آمیز او را از ادامه اعمال ناپسند بر حذر می دارد.

آری قرآن با بهترین نوع گویش به تربیت مخاطبان خود پرداخته است و بر ما به عنوان رאיان قرآن وظیفه است که قرآن را محور زندگی قرار داده و در تعاملات با افراد اعم از پیر و جوان، کوچک و بزرگ، زن و مرد، با هر رده سنی و درجه علمی بهترین گویش را انتخاب کنیم تا ان شاء الله مصداق «کونلنازیناً»<sup>۱</sup> باشیم. برای رسیدن به این هدف مهم باید از درون خانواده این حرکت عظیم را آغاز کنیم و با پیاده سازی ادبیات و خطابات قرآنی در خانواده، ضمن استحکام این نهاد اجتماعی شاهد سرایت آثار آن به سطح جامعه نیز باشیم.

اولین نهادی که فرد می تواند در آنجا گویش مطلوب را فرا بگیرد خانواده است. کانون خانواده به عنوان مهد تمدن و فرهنگ بشری وظیفه دارد تا این رسالت مهم را به دوش کشیده و فرزندان را با بهترین گویش تربیت کند. والدین در تعامل با یکدیگر و نیز در تعاملات با فرزندان خود، باید سعی در خوب صحبت کردن و زیبا سخن گفتن داشته باشند. همچنین در ابعاد مختلف تربیتی گویشهای مختلف را به کار گیرند. تربیت بر مبنای گویش صحیح، در ساخت شخصیت هنجار و هویت مطلوب فرد، مؤثر بوده و فرد را

۱. امام صادق علیه السلام: معاشر الشیعه کونو لنا زیناً و لا تکونو علینا شیئاً، قولو للناس حسناً و احفظو السننکم... ترجمه: ای گروه شیعه، زینت ما باشید و باعث عیب و ننگ ما نباشید. با مردم نیکو سخن بگویید و زبانهایتان را ننگه دارید... همان، ص ۲۰۸





برای نقش پذیری موثر در جامعه آماده می‌کند. نتایج تحلیل مطالب فصول قبل در قالب راهکارهای عملی به والدین پیشنهاد می‌شود.

## ۲. راهکارهای عملی در تعاملات زوجین

استفاده از ادبیات مطلوب توسط زوجین باعث ایجاد و تثبیت مودت در بین همسران می‌شود. همچنین در اوان کودکی ادبیات مطلوب بین والدین، الگویی مناسب برای گویش صحیح فرزند می‌باشد. بنابراین همسران در تعامل با یکدیگر باید موارد زیر را رعایت فرمایند:

- ✓ در محیط خانواده همسران باید با لحنی عاطفی همراه با احترام و تکریم همدیگر را مورد خطاب قرار دهند. احترام و تکریم در محیط رسمی نیز باید وجود داشته باشد.
- ✓ محبت به همسر ابراز شود. این کار باعث استواری و تحکیم روابط خواهد شد.
- ✓ فرهنگ تشکر و سپاس، تحمید و تسبیح و تعظیم همسران نسبت به یکدیگر و دعا و طلب خیر در حق همدیگر باید در خانواده رایج شود.
- ✓ زوجین در شرایط اختلاف، بحث و جدل بیهوده را رها کرده و جدال احسن را در پیش بگیرند. جدال احسن خالی از تحقیر و توهین طرف مقابل می‌باشد.
- ✓ فرهنگ پوشیده‌گویی جایگزین تصریح کلماتی که ذکر آنها زشت می‌باشد، شود. این نوع گویش در جلوگیری از ایجاد انحرافات در کودک مؤثر است.
- ✓ تکیه بر جنبه‌های مثبت به جای بارز کردن جنبه‌های منفی شخصیت مقابل، از دیگر مواردی است که باید همسران رعایت کنند.
- ✓ مثبت‌گویی بین همسران رایج شود. این کار باعث نشاط و امید و تقویت اراده و

انگیزه می شود.

✓ برای حاکم بودن جو حسن و قبح در خانواده، زوجین به هنگام مشاهده و یادآوری رفتارهای ضد اخلاقی طرف مقابل، استفهام را به جای امر و نهی و عیبجویی به کار برند. به طور مثال با ایجاد سؤالی به طرف مقابل بگویند: «فکر می کنید کار شما صحیح بود؟»

✓ برای بیان خواهش به همسر، به جای امر و نهی های دستوری و آمرانه استفهام را باید به کار برد تا فرد آمادگی بیشتری برای پاسخ داشته باشد.

✓ بدزبانی، ناسپاسی، فحش و ناسزا، تحقیر، توهین، استهزاء و عیبجویی باید در روابط میان همسران حذف شود. این نوع ادبیات باعث ایجاد کینه در بین همسران می شود.

### ۳. راهکارهای عملی در تعاملات با فرزندان

#### ۳-۱. راهکارهای عملی برای سنین زیر هفت سال

با تولد فرزند، والدین باید جو عاطفی و جو حسن و قبح را ایجاد کرده و در تعدیل این دو جو در خانواده بکوشند. برای تربیت فرزند در ابعاد مختلف (اجتماعی، عاطفی، اخلاقی، اعتقادی و...) والدین به نکاتی که در ادامه می آید توجه داشته باشند:

#### ۳-۱-۱. راهکارهای عملی در تربیت بعد عاطفی

والدین برای ایجاد جو عاطفی، با کودک رابطه عاطفی برقرار کنند. این موارد مورد توجه والدین قرار گیرد:

▪ از خطابات عاطفی و کلمات زیبا مثل «عزیزم» و «جانم» برای نام بردن فرزند خود استفاده شود.



- در محیط رسمی با گفتن کلماتی مانند «خانم» و «آقا» به دنبال اسم کودک، به او شخصیت دهند.
  - با سلام کردن به کودک برای او احترام قائل شوند.
  - کارهای مثبت او را مورد تشویق و تأیید قرار دهند.
  - از خطاهای کوچک او چشم پوشی کنند.
  - به جای توهین، تمسخر، تحقیر و عیبجویی از رفتارهای زشت، رفتار درست را به او آموزش دهند.
  - از تلقین منفی استفاده نکنند.
- برای ایجاد جو حسن و قبح، ادبیات مطلوبی که در تعاملات والدین به کار می‌رود، در تعاملات بین والدین و فرزندان و نیز فرزندان با یکدیگر باید رعایت شود. برای تربیت کودک، موارد زیر رعایت شود:

### ۳-۱-۲ راهکارهای عملی در روابط خانوادگی

در روابط خانوادگی موارد زیر باید به کودک یاد آور شود:

- به کار بردن خطاب جمع «شما» هنگام خطاب والدین و عدم خطاب والدین به اسم کوچک آنها.
- تشکر از والدین و عدم توهین به آنها.
- به کار بردن سخنان زیبا و عدم بیان الفاظ زشت در خانواده.
- عدم قطع کلام والدین.
- ایجاد تعاملات نیکو و خطابات عاطفی بین خواهر و برادر.

- سلام کردن به والدین و بلند شدن مقابل آنها.

### ۳-۱-۳ راهکارهای عملی در تربیت اعتقادی

در تربیت اعتقادی موارد زیر را دنبال کنیم:

- تلقین ذکر «لااله الا الله»، «محمد رسول الله»، صلوات و دیگر اذکار معنوی به فرزند.
- تلقین اسامی ائمه و ذکر «یا حسین» هنگام نوشیدن آب.
- تلقین بردن نام خدا قبل از غذا و گفتن «الحمد لله» بعد از غذا.
- آموزش رکوع و سجده و وضو از شش سالگی.

### ۳-۱-۴ راهکارهای عملی در تربیت اجتماعی

در بعد اجتماعی موارد زیر به کودک آموزش داده شود:

- سلام کردن به دیگران و تشکر از آنها در برابر محبت آنها.
- احترام به دیگران و عدم توهین به آنها
- خوب سخن گفتن با مردم.

### ۳-۱-۵ راهکارهای عملی در اهداف تربیتی

از اولین اهداف تربیتی خانواده ایجاد رفتار تازه در فرد می‌باشد. برای رسیدن به این

هدف، به این موارد توجه داشته باشیم:

- برای ایجاد صفت و رفتار اخلاقی تازه، داستانی جذاب برای او تعریف کنیم. برای این کار با ایجاد سؤال، کودک را به شنیدن داستان ترغیب کنیم. به طور مثال به او بگوییم: «این داستان را شنیده‌ای؟»



- از بین اطرافیان الگوی مناسب انتخاب کرده و به کودک معرفی کنیم.
- از رفتارهای مثبت الگوی مورد نظر، نزد کودک تعریف و تمجید کنیم.
- در برخی موارد با بیان داستان، برای کودک الگو سازی کنیم.
- برای ترغیب کودک به رفتارهای مثبت، به او وعده مادی دهیم. مواظب باشیم خلف وعده نشود.
- با پرسش و یا تبیین به او تلقین مثبت کنیم. به طور مثال: «تو می توانی» و یا «آیا می توانی؟»

برای نگهداری و تثبیت رفتارهای مثبت کودک، موارد زیر رعایت شود:

- در قبال رفتار مثبت کودک، واکنش نشان دهیم. کودک را با الفاظ زیبا در جمع مورد تشویق قرار دهیم. برای تشویق، شخص کودک را مورد خطاب قرار دهیم.
- محبت خود را از عمل مثبت کودک، ابراز کنیم.
- از تقویت متناوب استفاده کنیم.
- از دیگر اهداف تربیتی، کاهش رفتارهای ناپسند کودک می باشد. برای رسیدن به این هدف، موارد زیر را دنبال کنیم:
- الگوی مورد نظر کودک را مخاطب قرار داده و رفتار ناپسند را به او گوشزد کنیم.
- نفرت خود را از عمل کودک اعلام کنیم.
- رفتار کودک را مورد نکوهش قرار دهیم و نه خود کودک را.
- با او قهر کنیم ولی قهر را طولانی نکنیم.
- برای کودک داستانی جذاب تعریف کنیم و بعد از بیان آن، رفتار زشت را مورد تحلیل قرار دهیم.

- او را با خطابی عاطفی موعظه کنیم و از کار زشت نهی کنیم. در برخی مواقع علت نهی کودک را با دلایل روشن و ساده به او توضیح دهیم.
- برای جلوگیری از رفتارهای ناپسند، به دو مورد زیر توجه کنیم:
- او را از نزدیک شدن به برخی موقعیتهایی که احتمال کنجکاوی می‌رود، بر حذر داریم.
- از تلقین‌های منفی مانند تلقین دروغ پرهیزیم.

### ۲-۳. راهکارهای عملی برای تربیت سنین هفت تا چهارده سال

- در هفت سال دوم فرزند باید به طور مستقیم امر و نهی شود. موارد زیر برای تربیت او به کار برده شود:
- ✓ برای تکریم شخصیت فرزند، ضمن رعایت مواردی که بیان شد به او مسئولیتهایی در حد وسع اوداده شود.

### ۱-۲-۳. راهکارهای عملی در تربیت اخلاقی

- ✓ برای ترغیب به انجام کارهای نیک، پاداش اعمال برای او شرح داده شود. برای این کار از تمثیلات زیبا استفاده شود.
- ✓ جایگاه عمل برای فرزند تشریح شود.
- ✓ برای کاهش رفتارهای نامطلوب، نسبت به آثار و پیامدهای آن رفتارها به او هشدار دهند.
- ✓ در برخی مواقع از ناخشنودی خدا از عمل ناپسند فرزند سخن بگویند.
- ✓ گاهی با لحن استفهام و گاه امر، او را به مطالعه سرگذشت پیشینیان و عبرت آموزی از آنها، تشویق کنند.



- ✓ نعمتهایی که خدا در وجود او و در جهان خارج قرار داده برای او یادآوری شود تا فرد نسبت به اعمال نیک رغبت پیدا کند. در قالب تمثیل می‌توان این موارد را به فرزند گوشزد کرد.
- ✓ در صورت تکرار رفتارهای ضد اخلاقی، با تهدید رفتار نامطلوب او را کاهش دهند.

### ۳-۲-۲ راهکارهای عملی در تربیت اعتقادی - عبادی

- ✓ در تربیت عبادی، تأسی از الگو به او یادآوری شود.
- ✓ از سن هفت سالگی فرزند به نماز خواندن امر شود و از سن نه سالگی در صورت داشتن توان، او را به گرفتن روزه امر کنند. این کار با تشویق و مبالغه در پاداش انجام گیرد.
- ✓ والدین فلسفه عبادات را برای فرزند شرح دهند.
- ✓ آثار تربیتی عبادات را در قالب تمثیل و تشبیه بیان کنند.
- ✓ به او بینش صحیح نسبت به خود، خدا، تاریخ انسانها، مرگ و جهان پس از آن دهند. برای این کار از ایجاد سؤال استفاده شود. به طور مثال هنگام مشاهده رفتاری ناپسند به او گفته شود: می‌دانی خدا می‌بیند؟ می‌دانی خدا از همه چیز آگاه است؟
- ✓ برای دعوت او به ایمان، با منطق و استدلال سخن بگویند.
- ✓ گاهی برای دعوت فرد به ایمان، از خود شروع کرده و خود را مورد خطاب قرار دهند.
- ✓ از اعتقادات خود برای فرزند بگویند. برای این کار از تشبیهات زیبا استفاده کنند.

### ۳-۲-۳. راهکارهای عملی در تربیت اجتماعی

در این دوران فرزند وارد محیط جدیدی به نام مدرسه شده و لازم است موارد زیر به او آموزش داده شود:

- ✓ تکریم و احترام معلم و عدم قطع کلام وی.
- ✓ ایجاد روابط عاطفی با همکلاسیها.
- ✓ عدم تحقیر و تمسخر دیگران.
- ✓ رعایت ادب در برابر معلم. برای این کار داستانهای قرآنی مانند داستان حضرت موسی و خضر نبی، برای او تعریف شود.

### ۳-۲-۴. راهکارهای عملی در تربیت عقلی

- ✓ فرزند را متوجه جهان اطراف کرده و از مواجهه حسی او با جهان، فکر او را پرورش داده و خالق و آفریدگار هستی به او معرفی شود. برای این کار ابتدا ایجاد سؤال شود.
- ✓ آموزش قرآن و حدیث به طور جدی پیگیری شود. قرآن کریم و احادیث در بردارنده نابترین حکمتها می باشد.

### ۳-۳. راهکارهای عملی در دوره نوجوانی

در هفت سال سوم در ادامه روشهای قبلی، از روشها و ادبیات جدید باید استفاده شود:

- برای تکریم شخصیت نوجوان، او را مورد مشورت قرار دهند.
- در تربیت اعتقادی علاوه بر استدلال، از استفهام و قیاس نیز استفاده کنند. از تشبیهات زیبا می توان برای مقایسه بهره برد.
- در بعد عقلی از استدلال و روش پرسش و پاسخ هر دو بهره بگیرند.





- برای ترغیب به کار نیک با ایجاد سؤال او را مشتاق کنند.

### ۳-۳-۱. راهکارهای عملی در تربیت اخلاقی

- الگوهای مناسب به فرزند معرفی شود. برای این کار از مثالهای حقیقی قرآن و محیط افراد استفاده شود.
- گاهی مواقع به جای امر و نهی، از لحن خبری استفاده شود. به طور مثال به جای «این کار را بکن» می‌توان این جمله را به کار برد: «مؤمن این کار را می‌کند» و به جای نهی از رفتار: «مؤمن این کار را نمی‌کند»
- خطای فرزند سر بسته و بدون تصریح به آن، با طرح سؤالی به او یادآور شود. به طور مثال: «می‌دانی چی کردی؟»
- برای کاهش رفتارهای ناپسند، ایمان او تحریک شود. این کار در قالب استفهام تویخی انجام شود.
- برای موعظه نوجوان، از روشهای غیر مستقیم چون ابهام، کنایه<sup>۱</sup> و گاهی ایجاد سؤال استفاده شود.
- برای تذکر دادن به فرد خطاکار، از خطاب عمومی و یا از خطاب فرعی به جای خطاب مستقیم استفاده شود.
- در برخی مواقع از ابهام برای گوشزد کردن خطا استفاده شود. به طور مثال «چه کسی این کار را کرد؟»

---

۱ امام علی علیه السلام: «إِذَا لَوَّحْتَ لِلْعَاقِلِ فَقَدْ أَوْجَعْتَهُ عِتَابًا: کنایه زدن به خردمند، سرزنشی دردآور است» میزان الحکمه، ج ۱، ص ۱۱۱

- هنگام مشاهده گناه، نوجوان تشویق به تزکیه و توبه شود. برای این کار، لطف و مهربانی خدا به او یادآور شود.
- برای ترغیب وی به توبه، لحن کلام پرسشی باشد.
- گناه برای جوان تعریف شود.
- با دیدن آثار بازگشت در فرد، نباید آن را علامتی برای گشودن زبان ملامت دانست.
- جایگاه جوان توبه کننده نزد خدا، برای او تشریح شود.
- آخرین روش برای اصلاح رفتارهای ناپسند، تنبیه است. شیوه‌های تنبیه، ملامت و توبیخ و رویگردانی و مجازات است.
- برای توبیخ، ملامت و سرزنش فرد، با لحنی استفهامی فرد مورد خطاب قرار داده شود.
- آخرین شیوه تنبیه، مجازات فرد به اندازه خطا می باشد.

#### ۴. بایدها و نبایدهای گفتگو:

- زمان مناسب برای گفتگو انتخاب شود.<sup>۱</sup>
- زمانی که فرزند نشاط دارد، با او به سخن بنشینند.<sup>۲</sup>
- اختصار در کلام رعایت شود.<sup>۳</sup>
- سخن در حد فهم و توان مخاطب باشد<sup>۴</sup>

۱ امام علی علیه السلام: «لا تتكلمن إذا لم تجد للكلام موقفاً؛ وقتی برای گفتار زمان مناسب نمی بینی سخن مگو» محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج ۳، ص ۳۵۸.

۲ امام علیه السلام: «من لم ينشط لحديثك، فأرفع عنه؛ هر کس که برای سخن تو نشاط نشان ندهد، زحمت شنیدن سخنت را از او بردار.» همان، ص ۳۵۷

۳ امام علی علیه السلام: «جودة الكلام في الاختصار؛ زیبایی گفتار در کوتاه بودن آن است.» همان، ص ۳۶۱.

۴ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «إنا أمرنا معاشر الأنبياء أن نكلم الناس بقدر عقولهم؛ ما انبیا فرمان یافته ایم که با مردم به قدر عقل آنها سخن بگوییم»



- والدین (مربی، معلم و ...) نباید محتوی را در هر قالبی عرضه کنند و هر واژه‌ای به ذهنشان بیاید، به کار گیرند، بلکه باید متناسب با مطالب و شرایط، محتوی را بیان کنند.
- انتظارات به طور دقیق بیان شود و از به کار بردن عبارات کلی چون «خوب باش» پرهیز شود. در برخی مواقع با بیان جملاتی چون «دوست داشتم چنین کاری را انجام بدهی» و یا «دوست نداشتم این کار را بکنی» انتظارات خود را بدون امر و نهی بیان کنند.
- اشتباهات فرزند (مربی، شاگرد و ...) مدام به رخ آنها کشیده نشود.
- عدم بزرگ نمایی اشتباهات کوچک فرزندان.
- عدم مقایسه فرزند با دیگران و عدم به کار بردن چنین جملاتی: «از فلانی یاد بگیر»
- عدم بازگویی عیوب فرزندان یا همسران در نزد دیگران.
- عدم برچسب زدن و بیان جملات خطایی چون «تو نمی‌فهمی»، «ترسو»، «بزدل»، «دروغگو» و ...
- پذیرش و انعکاس احساس فرزندان با بیان جملاتی نظیر «احساس تو را درک می‌کنم» به جای انکار انعکاس.
- عدم مشروط کردن کودکان با بیان عبارتی چون «اگر این کار را بکنی همه دوستت خواهند داشت»
- به کار نبردن تلقینات منفی چون «تو نمی‌توانی» «تو خوب نیستی» و ...
- عدم به کار بردن تلقینات اغراق آمیز مانند «تو هر کاری می‌توانی انجام بدهی».
- عدم خود نمایی و فضل فروشی در بیان به هنگام گفتگو به خصوص در تعامل با همسران.
- عدم ستایش فراتر از حد مخاطب.

## ۵. پیشنهادها و راهکارهای عملی به نهادهای مختلف

نهادهای حقوقی بسیاری در امر آموزش خانواده‌ها و نیز در امر تعلیم و تربیت نقش آفرینی می‌کنند که از مهمترین آنها می‌توان به آموزش و پرورش، صدا و سیما، وزارت ورزش و جوانان و نیز نهادهایی که در امر ازدواج نقش دارند، اشاره نمود. از این رو پیشنهادهایی به نهادهای مزبور ارائه می‌شود:

### ۵-۱. پیشنهادها و راهکارهای عملی به نظام آموزش و پرورش

از جمله نهادهایی که در امر تعلیم و تربیت نقش بسزایی دارند، می‌توان به نظام آموزش و پرورش اشاره نمود که معلمان، مربیان، دبیران، اساتید، برنامه ریزان و مؤلفین کتب درسی و... از نقش آفرینان این نهاد مقدس می‌باشند.

فرزندان بخشی از عمر خود را در محیط آموزشی (مدرسه، دبیرستان، دانشگاه و...) گذرانند و در این محیط‌ها، آموزشهایی را به طور مستقیم و غیر مستقیم فرا می‌گیرند. از مهمترین عوامل تربیتی، عوامل انسانی می‌باشد. از این رو لازم است به مربیان، معلمان و اساتید که در امر آموزش و پرورش سهیم می‌باشند، نکاتی ارائه شود:

✓ معلمان محترم قبل از هر چیز، باید از ادبیات مطلوب برخوردار بوده تا خود الگوی مناسبی برای متربی باشند.

✓ جو عاطفی و جو حسن و قبح به طور متعادل در کلاس درس ایجاد شود.

✓ در محیط مدرسه (دانشگاه،...) و در امر آموزش، فراگیران از تکریم شخصیت برخوردار باشند. در صورت احساس کمبود شخصیت در فراگیر، با ایجاد شخصیت به پیشرفت او کمک کنند. بسیاری از رفتارهای نامطلوب، ریشه در احساس کمبود شخصیت فرد



می باشد که می توان با این روش، آن را برطرف کرد.

✓ در امر آموزش می توانید از ایجاد سؤال و پرسش و پاسخ برای ترغیب دانش آموزان استفاده کنند.

✓ رفتارهای مثبت، مورد تشویق قرار گیرد.

✓ در صورت امکان در قبال رفتارهای ناپسند، روش تغافل را در پیش بگیرند.

✓ برای بیان تذکر، از خطاب عمومی استفاده کنند.

✓ در صورت موعظه فرد، در خلوت او را از کار ناپسند، نهی کنند.

✓ مثبت گویی و تلقین مثبت در محیط آموزشی رایج شود.

✓ از تحقیر و توهین به فراگیر پرهیز شود.

بخشی از عوامل تربیتی مربوط به تدوین کتب درسی می باشد. از این رو پیشنهاداتی به

برنامه ریزان و مؤلفین کتب درسی پیشنهاد می شود:

✓ در نگارش و تدوین کتب درسی، از افعال مثبت استفاده شود.

✓ مقدمه دروس با هدف ایجاد سؤال در ذهن فراگیر و پرورش فکری وی نگارش شود.

✓ کتب دینی با هدف انتقال فرهنگ قرآن به فراگیران نگارش شود. در بخشهایی از این

کتب به نوع گویش صحیح اشاره شود.

## ۵-۲. پیشنهادات و راهکارهای عملی به صدا و سیما

با توجه به نقش رادیو و تلویزیون در فرهنگ سازی و الگو پذیری خانواده ها از این

رسانه، لازم است پیشنهاداتی جهت انتقال موضوع به جامعه ارائه شود.

یکی از بخشهای جذاب تلویزیون، پخش سریالها و فیلمهای سینمایی است. در سالهای

اخیر متأسفانه شاهد ورود ادبیات نامطلوب به فیلمهای تلویزیون و الگوگیری غلط مردم خصوصاً قشر نوجوان بوده ایم. در سالهای اخیر فیلمهایی در قالب طنز به بهانه شاد کردن مردم، ادبیات نامطلوبی را وارد عرصه جامعه کرده اند. از این رو لازم است فیلم نامه نویسان که نقش عمده ای را در نوشتن دیالوگ فیلمها به عهده دارند، با کاربرد ادبیات قرآنی در دیالوگهای فیلمهای مختلف، خصوصاً فیلمهایی با موضوعات خانوادگی و اجتماعی نسبت به این امر مهم اقدام کنند. در این باره پیشنهاداتی قابل ارائه می باشد:

- ✓ استفاده از ادبیات مطلوب در دیالوگهای فیلم نامه ها.
- ✓ نظارت بر نوع گویش مطلوب در برنامه های صدا و سیما خصوصاً فیلم نامه های تلویزیون و سینما.
- ✓ تولید برنامه های کوتاه مدت تبلیغاتی با هدف آموزش صحیح نوع گویش و پخش آن در ساعات پر بیننده تلویزیون مانند ساعات قبل و بعد از اخبار سراسری و یا قبل از پخش فیلمهای جذاب. در این برنامه ها، ابتدا نوع گویش نامطلوب و پس از آن گویش صحیح به خانواده آموزش داده شود.
- ✓ ساخت کارتون و انیمیشن های آموزشی با هدف آموزش گویش صحیح به کودکان.
- ✓ ساخت برنامه های تخصصی آموزش گویش صحیح در شبکه های قرآن و معارف صدا و سیما.
- ✓ معرفی گویشهای صحیح الگوهای برتر جامعه نظیر رهبر کبیر انقلاب امام خمینی و رزمندگان اسلام در سالهای جنگ و رواج آنها در جامعه.
- ✓ ایجاد شبکه جدید خانواده با هدف تحکیم نظام خانواده و آموزش به خانواده ها.



### ۵-۳. طرحها و پیشنهاداتی به دیگر نهادها

در عصر امروز گویشهای جدید، جذاب و مطلوب همیشه دارای اکثریت آرا بوده و با اقبال مردم به خصوص نسل جوان روبرو شده است. برخی از نهادهایی که در امر ازدواج نقش دارند (وزارت ورزش و جوانان و...) می‌توانند به آموزش زوجهای جوان در نحوه گویش صحیح کمک کنند. آگاهی زوجهای جوان از نحوه گویش در خانواده، همچنین تربیت فرزندان بر اساس گویش صحیح از ایجاد مشکلات در خانواده و تحمیل هزینه‌های گزاف بر دوش جامعه از جمله هزینه‌های مالی، گسست خانواده‌ها و افزایش فساد می‌کاهد. تهیه کتابچه‌ای کوچک و هدیه آن به زوجهای جوان در دفاتر ثبت عقد، ضمن آشنایی جوانان با ادبیات مطلوب، از بروز مشکلاتی در آغاز زندگی جوانان می‌کاهد و سبب تحکیم خانواده‌ها، اعتلای فرهنگ جامعه و حاکمیت فرهنگی بر دیگر جوامع می‌شود. همچنین در اولین جلسات مراجعه زوجهای جوان به دادگاه، پیشنهاد می‌شود برای حل اختلاف، به آنها پیشنهاد زندگی بر مبنای گویش صحیح در بازه زمانی مشخصی شود و پس از آن در صورت عدم حل اختلاف، برای اقدامات بعدی گام بردارند.

کانونهای فرهنگی مساجد، در مطلوب نشان دادن گویش صحیح به فرزندان بسیار مؤثر می‌باشند. این آموزشها در قالب شعر، داستان، مسابقات و ... می‌تواند قابل عرضه باشد. این طرح در محیط مدارس نیز قابل اجراست.

سازمان شهرداری می‌تواند با نصب بنر، فلکس و بیلборدهای تبلیغاتی در معابر عمومی شهر با هدف آموزش گویش صحیح به شهروندان، آنها را در امر آموزش یاری رساند.

ایجاد وزارت خانواده با هدف آموزش صحیح به خانواده‌ها در حوزه رفتار، تربیت، گویش و... در خانواده و تحکیم آن، می‌تواند به عنوان طرح پیشنهادی به سیاستگذاران

عرضه شود.

با توجه به ظرفیت تحقیق بیشتر، امید می رود این موضوع بیش از پیش مورد توجه محققان قرار گرفته و با تحقیقی جامعتر، سعی در معرفی هر چه بیشتر گویش زیبای قرآن داشته باشند.

والسلام



## فهرست منابع

### قرآن کریم ترجمه آیت الله مکارم شیرازی

### نهج البلاغه ترجمه محمد دشتی

۱. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبۀ الله، شرح نهج البلاغه، قم، چاپ اول، ۱۴۰۴ق
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، من لا یحضره الفقیه، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۳ ق
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، الخصال، ترجمه: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش
۴. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۴ / ۱۳۶۳ ق
۵. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغه، محقق: عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق
۶. ابن منظور، محمد ابن مکرم، لسان العرب، محقق / مصحح: میر دامادی، جمال الدین، بیروت، ناشر: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دارصادر، ۱۴۱۴ ق
۷. اتکینسون، ریتا-ال و [دیگران]، زمینه روانشناسی هیلگارد، ترجمه: دکتر محمد تقی براهنی [و دیگران]، تهران، نشر رشد، ۱۳۹۱
۸. احمدی، حبیب الله، پژوهشی در علوم قرآنی، قم، ناشر: مؤلف، ۱۳۷۶
۹. ادیانی - ترابی، سید علیرضا-حسین، موعظه خوبان، قم، پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق چاپ اول، پاییز ۹۴
۱۰. ایروانی، جواد، مهارت گفتگو، مشهد، واحد نشر دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چاپ اول، ۱۳۸۶

۱۱. بابازاده، علی اکبر، **مسائل ازدواج و حقوق خانواده**، قم، انتشارات دانش و ادب، چاپ ششم، بهار ۹۰
۱۲. باقری، خسرو، **نگاهی دوباره به تربیت اسلامی**، تهران، مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان (انتشارات مدرسه)، چاپ سی و پنجم، ۱۳۹۳
۱۳. بستان (نجفی) و همکاران، حسین، **اسلام و جامعه شناسی خانواده**، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵
۱۴. بهشتی، احمد، **اسلام و تربیت کودکان**، بازبینی و ویراست: دکتر سعید بهشتی، تهران، چاپ و نشر بین الملل (سازمان تبلیغات اسلامی)، ۱۳۹۰
۱۵. بهشتی، احمد، **خانواده در قرآن**، قم، مرکز انتشارات حوزه علمیه، چاپ دوم، ۱۳۷۷
۱۶. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، **غررالحکم و دررالکلم**، محقق / مصحح: سید مهدی رجائی، قم، دارالکتاب الإسلامی، ۱۴۱۰ ق
۱۷. جر، خلیل، **فرهنگ لاروس**، ترجمه سید محمد طیبیان، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۷
۱۸. جرجانی، میر سید شریف، **تعريفات (فرهنگ اصطلاحات معارف اسلامی)**، ترجمه: سید حسن عرب-سیما نور بخش، تهران، فرزانه، روز، چاپ اول، ۱۳۷۷
۱۹. جعفری هرفته، ان شاءالله، **روانشناسی تربیتی از منظر قرآن**، اصفهان، اقیانوس معرفت، ۱۳۸۸
۲۰. جوادی آملی، عبدالله، **تفسیر موضوعی (قرآن در قرآن)**، انتشارات اسراء، چاپ هفتم، ۱۳۸۶
۲۱. حسینی زاده، سید علی، **سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت**، ج ۱، زیر نظر علیرضا اعرافی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ چهارم، ۱۳۸۴
۲۲. دانشگر، احمد، **دولت قرآن: برداشتهای صریح حافظ از قرآن**، تهران، نشر اوحدی، چاپ اول، ۱۳۸۲
۲۳. داوودی، محمد، **سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت**، زیر نظر علیرضا اعرافی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ دوم، ۱۳۸۴
۲۴. دهخدا، علی اکبر، **لغت نامه دهخدا**، تهران، موسسه انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳
۲۵. دیوان حافظ، به کوشش خلخالی، تهران، لوح دانش، ۱۳۷۹

۲۶. **دیوان خاقانی**، به کوشش ضیاءالدین سجادی، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۷۸
۲۷. رازی، محمد بن عمر، **مفاتیح الغیب**، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق
۲۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، **مفردات ألفاظ القرآن**، ترجمه حسین خدایپرست، قم، دفتر نشر نویداسلام، ۱۳۸۶
۲۹. رحمتی، محمد، **گنجینه معارف**، جلد ۱ و ۲، قم، انتشارات صبح پیروزی، چاپ ششم، تابستان ۹۱
۳۰. رنجبر تیلکی، زهرا، **کارکردهای تربیتی پرسش در قرآن**، پایان نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی دکتر محمد علی رضایی اصفهانی و دکتر محمد داوودی، قم، دانشکده اصول دین، ۱۳۸۹
۳۱. روسک، جوزف- وارن، رولند، **مقدمه‌ای بر جامعه شناسی**، ترجمه دکتر بهروز نبوی-احمد کریمی، ناشر: کتابخانه فروردین، چاپ سوم، بهار ۶۹
۳۲. زرکشی، محمد بن عبد الله، **البرهان فی علوم القرآن**، بیروت، دار الفکر، ۱۴۲۶ ق
۳۳. سالاری فر، محمد رضا، **درآمدی بر نظام خانواده در اسلام**، مرکز نشر هاجر (وابسته به مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خاوران، چاپ اول، بهار ۸۵
۳۴. سلیمانی فر، ثریا، **بررسی شخصیت جوان از دیدگاه قرآن، حدیث و روانشناسی**، تهران، فرهنگ مکتوب، ۱۳۸۸
۳۵. سید رضی، محمد بن حسین، **آفرینش‌های ادبی در گفتار نبوی**، ترجمه دکتر سید محمد مهدی جعفری، تهران، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۷
۳۶. سیف، علی اکبر، **تغییر رفتارها و رفتار درمانی**، ص ۳۵۲، تهران، نشر دوران، چاپ هشتم، ۱۳۸۵
۳۷. **روانشناسی پرورشی**، تهران، انتشارات آگاه، چاپ هفدهم، ۱۳۸۶
۳۸. سیوطی، جلال الدین، **الاتقان فی علوم القرآن**، ترجمه سید مهدی حائری قزوینی، انتشارات امیر کبیر
۳۹. شریعتمداری، علی، **روانشناسی تربیتی**، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۵
۴۰. شکوهی یکتا، محسن، **تعلیم و تربیت اسلامی**، تهران، چاپ و نشر کتابهای مدرسی، ۱۳۸۴
۴۱. شیخ شیراز، سعدی، **بوستان**، تهران، انتشارات قدیانی، ۱۳۹۰

۴۲. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، **آداب معاشرت از دیدگاه معصومان علیهم السلام** (ترجمه وسائل الشیعه)، ترجمه محمد علی فارابی - یعسوب عباسی علی کمر، مشهد، چاپ پنجم، ۱۳۸۰ ش.
۴۳. صافی، محمود بن عبد الرحیم، **الجدول فی اعراب القرآن**، دمشق، بیروت، دار الرشید مؤسسه الایمان، ۱۴۱۸ ق
۴۴. صفی علیشاه، حسن بن محمد باقر، **تفسیر قرآن صفی علیشاه**، انتشارات منوچهری، تهران، ۱۳۷۸ ش
۴۵. طباطبائی، محمد حسین، **المیزان**، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه
۴۶. طبرسی، فضل بن حسن، **مجمع البیان**، ترجمه تحقیق و ویرایش: علی کرمی - محمدرضا انصاری، تهران، انتشارات فراهانی، ۱۳۸۰ ش
۴۷. طبرسی، حسن بن فضل، **مکارم الأخلاق**، ترجمه میرباقری، تهران، چاپ: دوم، ۱۳۶۵ ش.
۴۸. طریحی، فخر الدین ابن محمد، **مجمع البحرین**، مصحح/محقق: احمد حسینی اشکوری، تهران، نشر مرتضوی، ۱۳۷۵ ش
۴۹. طیب، سید عبدالحسین، **اطیب البیان فی تفسیر القرآن**، تهران، انتشارات اسلام، ۱۳۷۸ ش
۵۰. العروسی الحویزی، عبد علی بن جمعه، **تفسیر نور الثقلین**، محقق/ مصحح: رسولی محلاتی - سید هاشم، ناشر: اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۵ ق
۵۱. عضدانلو، حمید، **آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه شناسی**، تهران، نشر نی، چاپ اول، ۱۳۸۴
۵۲. العموش، خلود، **الخطاب القرآنی**، اردن، عالم الکتب الحدیث، ۱۴۲۶ ق
۵۳. عمید، حسن، **فرهنگ فارسی عمید**، تهران، انتشارات اشجع، چاپ اول، ۱۳۸۹
۵۴. **غزلیات سعدی**، قم، ارمان طوبی
۵۵. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، **تفسیر صافی**، محقق/ مصحح: علمی - حسین، تهران، نشر مکتبه الصدر، ۱۴۱۵ ق

۵۶. فیومی، احمد ابن محمد، **المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر**، قم، مؤسسه دار الهجره، ۱۴۱۴ق
۵۷. قاسمی، محمد جواد، **خطابات و فرهنگ مخاطبه در قرآن**، اصفهان، ادب امروز، چاپ اول، ۱۳۸۹
۵۸. قائمی، علی، **زمینه تربیت**، تهران، انتشارات امیری، چاپ هشتم، بهار ۸۷
۵۹. قمی، عباس، **سفینه البحار**، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق
۶۰. قیطوری، عامر، **قرآن ساخت شکنی و بازگشت نشانه**، قم، کتاب طه، ۱۳۸۲
۶۱. کرمی نوری، رضا - مرادی، علیرضا، **روانشناسی تربیتی**، مراکز تربیت معلم، ۱۳۶۹
۶۲. کمالی دزفولی، سید علی، **قرآن ثقل اکبر**، تهران، انتشارات اسوه، ۱۳۷۲
۶۳. کوئن، بروس، **مبانی جامع شناسی**، ترجمه و اقتباس دکتر غلامعباس توسلی - دکتر رضا فاضل، قم، چاپ بیست و چهارم، ۱۳۹۱، چاپ گلها
۶۴. کلینی، محمد بن یعقوب، **أصول الکافی**، مترجم: سید جواد مصطفوی، تهران، کتابفروشی علمیه اسلامیة.
۶۵. کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی (ط - الإسلامیة)**، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی محمد، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ ق
۶۶. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار (ط بیروت)**، محقق / مصحح: جمعی از محققان، بیروت، دار إحياء التراث الریبی، ۱۴۰۳ ق
۶۷. مجلسی، محمدتقی بن مقصود علی، **روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه (ط - القدیمة)**، قم، چاپ: دوم، ۱۴۰۶ ق.
۶۸. محمدی ری شهری، محمد، **میزان الحکمه**، ترجمه حمید رضا شیخی، قم، دارالحديث (سازمان چاپ و نشر)، چاپ دهم، ۱۳۸۸
۶۹. **تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث**، با همکاری عباس پسندیده، ترجمه حمیدرضا شیخی، سازمان چاپ و نشر دارالحديث، چاپ چهارم، ۱۳۹۳
۷۰. محمدی، محمد حسین، هزار و یک حکایت اخلاقی، ناشر: نیلوفرانه، چاپ نهم، ۱۳۹۱

۷۱. هزار و یک حکایت اخلاقی (دفتر دوم)، شمیم قلم، چاپ پنجم، ۱۳۹۳
۷۲. مشکاتی، حسن، تعلیم و تربیت اسلامی، دانشگاه معارف قرآنی اصفهان
۷۳. مروری بر تربیت و اخلاق در نهج البلاغه، دانشگاه معارف قرآنی اصفهان
۷۴. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ ش
۷۵. معرفت، محمد هادی، علوم قرآنی، قم، مؤسسه فرهنگی التمهید، ۱۳۸۹
۷۶. معین، محمد، فرهنگ متوسط فارسی، تهران، انتشارات امیر کبیر (وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی)، چاپ هفتم، ۱۳۶۴
۷۷. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوازدهم، ۱۳۷۴ ش
۷۸. اخلاق در قرآن، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب، ۱۳۷۷
۷۹. پیام قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۳۸۶
۸۰. مثالهای زیبای قرآن، قم، نشر جوان، ۱۳۸۲
۸۱. اخلاق اسلامی در نهج البلاغه، ج ۲، نسل جوان قم ۱۳۸۵، چاپ: اول
۸۲. نقی پور فر، ولی الله، پژوهشی پیرامون تدبر در قرآن، تهران، انتشارات اسوه (وابسته به سازمان اوقاف و امور خیریه)، چاپ پنجم، ۱۳۸۷
۸۳. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، محقق / مصحح: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، قم، ۱۴۰۸ ق
۸۴. ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی، مجموعه ورام (ترجمه تنبیه الخواطر)، ترجمه محمدرضا عطایی، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی
۸۵. هاشمی رفسنجانی، اکبر، فرهنگ قرآن، قم، مؤسسه بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۶
۸۶. الهاشمی، احمد، جواهر البلاغه، ترجمه حسن عرفان، قم، نشر بلاغت، چاپ چهاردهم، ۱۳۹۲